

پرسشها از حسن رضائی و پاسخها از ابوالحسن بنی صدر
قرآن در اندیشه موازنه عدمی - بخش ۱۱

مرزده ده آن بندگان مرا که سخن ها گوش فرامیدهند و از بهترین آنها پیروی میکنند

قرآن و تاریخ

هفتمین پرسش که از نسبت مطالعات تاریخی و قرآن می پرسد از این قرار است: از دید شما پژوهشهای تاریخی چه جایگاهی در درک ما از محتوای قرآن می توانند داشته باشند؟ آیا شما اصلاً نگاه تاریخی و تحقیقی به متن قرآن دارید؟ اگر آری، چه تبیینی در مورد پدیده تغییر در تاریخ از نگاه قرآن دارید؟

این پرسش فرصتی ایجاد می کند برای گسترش بحث در باره تغییر که در پاسخ به پرسش ششم، بدان پرداختیم. قرآن، تاریخ را به دو گونه توضیح می دهد: تاریخ روابط قوا که عرضی اند و تاریخ روابط آزاد از قدرت (زور) که ذاتی حیانتند. بر این مناسبت که قرآن تاریخ را فراگردی باز معرفی می کند که یک جهت ندارد و بدین سبب انسان را به بعثت دائمی برای تغییر سرنوشت خود، یعنی تلاش و حرکت برای بازبانی استقلال و آزادی خود و هموعانش دعوت می کند. در قرآن، جوامع انسانی می توانند فرجهای گوناگون داشته باشند. روند تاریخ بسته به سمت و سوی روابط و مناسباتی دارد که نیروهای محرکه جامعه ها در میان خود، میان خود و جوامع دیگر، و میان خود و دیگر جانداران و محیط زیست پدید می آورند؛ اگر به سمت روابط قدرت معطوف شوند یک فرجام و اگر به سمت روابط آزاد، فرجامی دیگر می یابند. اما این پاسخی فشرده است که نیاز به تبیین دارد. از این رو، در آغاز، به تبیین تاریخ در اندیشه غرب می پردازیم و از این رهگذر به بحث قرآن باز خواهیم گشت.

انتقاد اسلامی

در هجرت

شماره ۷۰۴ از ۲۸ مرداد تا ۱۰ شهریور ۱۳۸۷

اول: تاریخ به روایت فلسفه غرب:

۱. در دوران متأخر تاریخ، هگل، مارکس و انگلس و آگوست کنت و ماکس وبر، صاحب نظرانی هستند که نخست قالبی ذهنی ساخته اند و آنگاه تاریخ را در این قالب ریخته اند. از دید اینان، تاریخ، عبور از دورانی به دوران دیگر فهمیده می شود:

۱/۱. هگل قالب دیالکتیک را ساخت و، بدان، میان آفریدگار و آفریده رابطه برقرار کرد: خدا در هستی متعین که خود آفریده است از خود بیگانه می شود. از دید وی، دوران از خودبیگانگی ایده که به شیوه ای دیالکتیکی انجام می گیرد به دوران تحقق «ایده سرمدی» سر باز می کند.

در صفحه ۲

«پرونده اتمی را ببندید»؟!!

◀ خامنه ای گفته است، پرونده اتمی را ببندید!، اما پرونده همچنان باز است؟! ص ۵

◀ امریکا حمله اسرائیل به ایران را وتو نمی کند! ایران موضوع رقابت دو نامزد ریاست جمهوری و...: ص ۷

◀ یکچند از قاضیان عضو مافیای حاکم بر قوه قضائیه: ص ۸

◀ احمدی نژاد دروغگو، «وزیر» کشور دروغگو و جنایت پیشه،

مجلس آلت فعل و آمار دروغ: ص ۱۲

◀ اعدامها و سرکوبگریهای رژیم و اعتراضها: ص ۱۳

انقلاب اسلامی: خامنه ای به این نتیجه رسیده است که کار بحران اتمی بجائی رسیده است که برای او و رژیم زینببخش است. مدتها پیش گفته بود پرونده را ببندید، باوجود این، بحران ادامه دارد. فصل اول این مجموعه به بحران اتمی اختصاص یافته است. به دنبال پاسخ مبهم رژیم به دو پرسش ۶ کشور، از نو، تشدید مجازات اقتصادی و حمله به ایران را مسئله روز کرده است. فصل دوم این مجموعه ویژه خبرهایی است که ایران را به جنگ و مجازات اقتصادی تهدید می کنند. در این فصل، نقش «مسئله اتمی ایران» در انتخابات ریاست جمهوری امریکا نیز، به نقل از کریستین ساینس مونیور، از نظر خوانندگان می گذرد. در فصل سوم، قسمت دوم مافیای قضائی از نظر خوانندگان می گذرد. یاد آور می شود که در قسمت اول مافیای قضائی، نام علی اصغر مروارید، آمده است. از او، بعنوان یکی از شاگردان خمینی نام برده شده است. وگرنه، او مخالف استبداد حاکم است. این مخالفت را در دوران خمینی نیز می داشت.

در فصل چهارم، ماجرای رأی اعتماد گرفتن برای «وزیران» پیشنهادی در مجلس را می خوانید. از این وزیران، یکی کردان است که سابقه فساد جنسی و مالی و شکنجه گری و ترور دارد و احمدی نژاد با دروغ گفتن از قول خامنه ای، از مجلس برای او رأی اعتماد گرفت. در گزارش، خوانندگان از روزگار سیاه مجلسیان نیز آگاه می شوند. در فصل پنجم، خبرهای تجاوزها به حقوق بشر را گرد آورده ایم:

در صفحه ۵

جهانگیر گلزار

شکست رژیم در متوقف کردن جنبشها

در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی گفته می شد که هر ۹ روز یک بحران بوجود می آید. بحرانها جهت عمومی شان تثبیت قدرت مافیای مالی نظامی بود. امروز بعد از تجربه قرار داریم و می توانیم مسائل گذشته را با وضوح بیشتر بنگریم و متوجه شویم که بحرانها از چه رو انجام می گرفت.

در دوران آقای احمدی نژاد نیز بحرانها روزانه شده اند. البته بحرانهایی که حکومت برای مردم ایجاد می کند. گرانی طاقت فرسا که حاصل سیاستهای غلط حکومت است. مخصوصاً واردات بی رویه از طرف حکومت که زمینه ساز گرانی از یک طرف و تخریب تولید داخلی از طرف دیگر شده است. امروز به گفته آقای ثروتی عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، ۱۴ میلیون نفر زیر خط فقر شدید قرار دارند. او توضیح می دهد که: در حال حاضر ۶ میلیون نفر از افراد تحت پوشش کمیته امداد امام و سازمان بهزیستی به طور متوسط ماهانه ۳۷ هزار تومان دریافت می کنند؛ یعنی درآمدی نصف خط فقر شدید دارند. اگر این افراد برای زنده ماندن نیازمند درآمد ۲ دلار در روز باشند، باید ماهانه ۶۰ هزار تومان مستمری دریافت کنند که نمی کنند.

در صفحه ۱۵

محمود درویش شاعر ملی فلسطین درگذشت



بیاری آن ندارم که ضایعه را

رو در رو بنگرم. چون گدایی بر درگاه ایستادم

چطور می توانستم از بیگانه هایی اجازه ورود بخواهم که خفته اند

بر تخت خودم... و برای پنج دقیقه دیدار از خودم

به آنان التماس کنم؟ آیا باید به احترام خم شوم

در برابر آنان که بر رویای کودکی ام منزل گرفته اند؟ آیا خواهند پرسید

کیست این بیگانه ناخوانده ای که در می کوبد؟ و چگونه

می توانم سخن بگویم از صلح و جنگ

بین قربانیان و قربانیان قربانیان،

بدون کلماتی اضافی و بدون جمله ای معترضه؟

آیا به من خواهند گفت: جایی برای دو رویا

در یک بستر نیست؟

شاعران بزرگ و ملی را می توان متفکران ملی جامعه های انسانی شمرد. محمود درویش، از جمله این متفکران است. شاعر ملی و زبان گویای مقاومت در سرزمین فلسطین، روز شنبه ۱۹ مرداد، پس از یک عمل جراحی قلب در نئوراس آمریکا، در سن ۶۷ سالگی جهان را بدرود گفت.

مانند بسیاری از فلسطینی ها و پس از نخستین جنگ میان اعراب و اسرائیل، محمود درویش در سال ۱۹۴۸، در سن ۶ سالگی به همراه خانواده اش مجبور شد روستای محل سکونت خود را ترک کند. اسرائیلی ها این دهکده را به آتش کشیدند و او و خانواده اش به لبنان پناهنده شدند. سرانجام پس از مقاومت های بسیار، این دهکده از دست اسرائیلی ها خارج شد و هنگامی که اهالی وارد دهکده شدند همه چیز از بین رفته بود.

در صفحه ۱۶



۱/۲. از دید مارکس و انگلس، انسانها نخست در جامعه بی طبقه اولیه می زیسته اند. در جریان تکامل، رو به تضادمندی آورده و دارای طبقات با منافع متضاد گشته اند. جامعه طبقاتی مراحل شبانی و کشاورزی را در نوردیده و به دوران سرمایه داری رسیده و در آن، دو طبقه بورژوازی و کارگر پدید آمده اند. در کنارشان، طبقه خرده بورژوازی است. از این دید، جریان رشد سرمایه داری تا انقلاب ادامه می یابد: جامعه بورژوازی که جانشین جامعه فئودالی می شود، بنوبه خود، بر اثر رشد طبقه کارگر، دچار انقلاب می شود و دیکتاتوری پرولتاریا استقرار پیدا می کند. با استقرار این دیکتاتوری، تضاد اجتماعی از میان بر می خیزد. از این پس، تحول دیگر دیالکتیک نیست و خطی هست. خطی است، چرا که دیکتاتوری پرولتاریا تضاد را از میان بر می دارد و، به خط مستقیم، جامعه انسانی را به جامعه کمونیستی واپسین رهبری می کند. در آن جامعه است که انسان جامع و کامل تحقق پیدا می کند. در طول این فراگرد، رابطه تولیدی (تضاد نیروی تولیدی با رابطه تولیدی) نقش جبار را بازی می کند.

این دو نظر، در یک جا با هم متفاوتند: در نظر هگل، این اراده خداوند است که در تقلا بازیافتن خویشینی است که در عالم فعلیت جسته است ولی در نظر مارکس و انگلس، این ارابه تاریخ است که انسان از خود بیگانه را، به جبر، به سوی جامعه ای می برد که در آن، انسان خویشتن را در جامعیت و کمال باز می یابد. بدین ترتیب که اگرچه تغییر نخستین از رابطه آزاد به رابطه قواست، اما از آن پس، تا استقرار دیکتاتوری پرولتاریا، جامعه در روابط قوا است و در محدوده این روابط است که شکل بندبهای اجتماعی جانشین یکدیگر می شوند. تغییر نهائی که آزاد شدن از روابط قوا است، با استقرار دیکتاتوری پرولتاریا انجام می گیرد. (۱)

۲. دیدگاه دوم به آگوست کنت و مارکس و بر می گردد. بنا بر نظر اینان تاریخ مراحل دارد:

۲/۱. به نظر آگوست کنت، دوره اول تاریخ، دوره دینی است. دوره دوم دوره فلسفه متافیزیک است. وی این دو دوره را منفی می خواند چون علم حاکم نبوده است. دوره سوم، دوره علم و از این رو، مثبت است. (۲)

۲/۲. مارکس و بر، همانند نحله تاریخ آلمان، تاریخ را هدمند می دانند. با وجود این که جبر مطلق تاریخ را نمی پذیرد، جریان تاریخ را تغییر از جامعه های ناعقلانی به جامعه های عقلانی می داند. جامعه ها از مرحله ناعقلانی به مرحله سنتی و از آن به جامعه عقلانی تحول می کنند. وی برای انسانها، از رهگذر «عمل اجتماعی» آنها نقش قائل است. با آنکه بر خلاف مارکس، به باور (روبن) نقش عامل تحول را می دهد، ولی این عامل را جبار علی الاطلاق نمی داند. (۳)

بدین قرار، در نظر مارکس و انگلس، نخست زیر بنا (روابط تولیدی = رابطه سرمایه دار و کارگر با سرمایه) تغییر می کند و به تبع آن، رو بنا (باورها و...) تغییر می کند. اما مارکس و بر اینست که نخست باور است که تغییر می کند. چنانکه کاتولیسیم از آنجا که با سرمایه داری سازگاری نداشت، پروتستانسیم (و بیشتر کالونیسیم) پیدا شد و بسان یک انفجار، بن بست را گشود و پیدایش

قرآن و تاریخ

در نتیجه همین تک بینی ها، نظر سازان از عوامل دیگر غفلت کرده اند. ۲. گرچه مارکس و بر به نظر دورکیم در باره «امر اجتماعی» وقعی ننهاده است، اما خود او نیز غافل است زیرا در اول، کارش نظر سازی است و سپس تاریخ را در آن قالبی می ریزد که در نظر دارد. همین انتقاد به هگل و مارکس و انگلس نیز وارد است. هگل نیستی مجرد را با هستی مجرد برابر نشاند تا با عبور دادن هستی در نیستی، پیدایش هستی متعین را توضیح دهد و توجیه کند. حال آنکه، به قول سارتر، هستی هست و نیستی نیست (۸) و این دو را بر چه پایه عقلی می توان برابر تلقی کرد! گار هگل غفلت از نیست بودن نیستی نیست، کار او هستی بخشیدن بدان است. انگلس «ماتریالیسم تاریخی» را ساخت. اما بعد، تاریخ دانان و اهل نظر امرهای واقع را موضوع ارزیابی کردند و دانستند که انگلس هر جا «امر واقع» کم آورده، جعل کرده و امرهای واقع را دستکاری کرده تا با قالب ساختگی اش جور شود. (۹)

۳. هیچیک از نظریه سازان توضیح نمی دهند چگونه از ناعقلانی به عقلانی و از قدرت به آزادی می توان تحول کرد؟ خدای هگل هستی بالقوه ایست که نیازمند به خلق هستی متعین و از خود بیگانه شدن در این هستی و تقلا برای باز یافتن خویش بمانند هستی بالفعل است. «ایده» او، از این جامعه به آن جامعه راه می پیماید و سرانجام در اروپا، وطن می گزیند. زیرا تنها جامعه اروپائی است که درخور توطن است! (۱۰) مارکس و انگلس نمی توانند و توضیح نمی دهند که اگر تضاد ذاتی هر پدیده است، جامعه کمونیستی اولیه چرا بدون تضاد بود و جامعه کمونیستی متعالی چرا از تضاد خالی می شود و چگونه است که رابطه قوا در جامعه طبقاتی، به سحر دیالکتیک به رابطه آزاد بدل می شود و قدرت جای خود را به آزادی می سپارد؟ (۱۱) مارکس و بر نیز توضیح نمی دهد که وقتی برابر نظر او، بنا بر سلطه است، رابطه مسلط - زیر سلطه چگونه می تواند به نوعی از رابطه بدل شود که برای دو طرف، قانونی و مشروع و ترجمان حقوق بگردد؟

۴. افزون بر این، قدرت فرآورده رابطه قوا، و بنا بر این، حاصل تخریب است. هرگاه رابطه ای جز رابطه قوا نبود، انباشت ویرانگری به مرگ و ویرانی کامل می انجامید. چنانکه جامعه هائی بوده اند که در آنها رابطه های قوا سلطان وار جانشین رابطه های آزاد گشته اند و آنها به وادی مرگ ره برده اند.

در حقیقت، دو امر در فلسفه های تاریخ بی پاسخ می مانند: یکی غفلت از وجود رابطه های آزاد و دیگری سرانجامهائی که این فیلسوفها برای رابطه های قوا قائل شده اند، یعنی مرگ را زندگی، آنهام زندگی متعالی دیده اند! گرچه دیرتر دانستند که دیالکتیک تضاد نیز نه به جامعه آرمانی که به فاجعه می انجامد (۱۲) و رشد دیوان سالاری (بوروکراسی مدرن) که خاص جامعه عقلانی هدمند است به باور مارکس و بر است، فرجامی ناخوشایند می یابد. (۱۳) زیرا انسان را تنها و در برابر قدرت بی یار و یاور می کند.

۵. در اروپا نیز، تاریخ همان سمت و سو را نیافت که نظریه سازهای فوق بدان می دادند. با این وجود، مارکس به استناد نامه یک پزشک که از راه شمال آفریقا به آسیا سفر کرده بود، نظریه «شیوه تولید آسیائی» را پرداخت. این جامعه ها را دارای سامانه ای ایستا شمرد و استعمار را عاملی مترقی دانست، چرا که موجب

پویا شدن نظام های اجتماعی این جامعه ها می شود. (۱۴) وینفوکل کتابی قطور به «شیوه تولید آسیائی» اختصاص داد و، بنا بر رویه، امرهای واقع فراوانی را که با نظریه اش نمی ساختند دستکاری کرد تا با آن سازگار شوند (۱۵). در حقیقت، هیچیک از نظر سازان، اثر رابطه جامعه ها با یکدیگر بر نوع تحول هر یک از آنها را نمی بینند. به این غفلت بس تعیین کننده باز می پردازم.

۶. نتیجه غفلت از رابطه جامعه ها با یکدیگر و «اروپا محوری» آنها، یعنی تبعیضی که به سود اروپا قائل می شوند، توجیه هائی می شود که بس ناقص نظریه ها هستند:

• باید قبل از هر چیز پرسید: هرگاه تحول، درونی است و هر نظام اجتماعی را محرک درونی آن متحول می کند، از چه رو، حتی در اروپا، همه جامعه ها، همزمان و هماهنگ رشد کرده اند؟

• جامعه های دیگری که ویژگی های اروپا را نداشته اند، مانند ژاپن، چگونه صاحب مناسبات سرمایه داری شده اند و می شوند؟

• هرگاه حضور «ایده» در غرب، آن سان که هگل گمان برده است، سلطه غرب را بر بقیت جهان توجیه می کند و به غرب اجازه می دهد تا زیر سلطه ها رفتارهای جایبتکارانه کنند، پس با قدرت (= زور) یکی است. این ایده زور محور کجا می تواند به سیر جدالی خود تا «ایده متعالی» ادامه دهد.

افزون بر این، «اروپا محوری»، این نظریه های تاریخی را از ویژگی جهان شمولی محروم می کند. توضیح این که صاحب نظر را مجبور به یکی از دو کار می کند:

• الگوی تحول تمامی جامعه ها، یکی و همان الگوی تحول جامعه اروپائی مورد نظر است. نظر مارکس این بود و در بالا یاد آور شدم او برای جامعه های آسیائی، نظریه «شیوه تولید آسیائی» را ساخت. غافل از این که اولاً، جامعه ها دارای تاریخهای هستند که یک جریان را طی نمی کنند و ثانیاً، هرگاه استعمار لازم باشد تا «سامانه اجتماعی ایستا» به سامانه اجتماعی پویا بدل شود، پس تضاد درونی و ذاتی جامعه ها، به زعم مارکس، عامل جبار نیست و ثالثاً، استعمار، به معنای جریان نیروهای محرکه از جامعه زیر سلطه به جامعه مسلط است و، این جریان، همانطور که تاریخ شهادت می دهد، هم تحول جامعه های استعمار زده را به تأخیر انداخت و هم «شیوه رشدی» را به آنها تحمیل کرد که آنها را همچنان صادر کننده نیروهای محرکه نگاه داشته است.

نظر مارکس و بر نیز درخور همین نقد هست.

• جامعه ها تاریخهای خود را دارند. قبول این نظر، تن دادن به جهان شمول نبودن اینگونه «فلسفه تاریخ» است. غرب امروز، چندگانگی فرهنگ ها را پذیرفته است.

۸. نه تنها نظریه های این نظر سازان جهان شمول نشدند، بلکه در جامعه هائی نیز که فراگرد تحولات اجتماعی و اقتصادی می باید نظریه ها را تصدیق می کرد، آنها را تکذیب کرده است: نه آرمان هگل در غرب تحقق یافت و نه انقلاب پرولتاری، بنا بر نظر مارکس، در انگلستان روی داد و نه عقلانیت هدمند و بر در غرب متحقق شد. غرب امروز در بن بست فکری است و «عقلانیت هدمندش» زندگان بر روی زمین را با خطر مرگ روبرو کرده است.

۹. طرفه این که نظر مارکس، بیش از هفتاد سال اندیشه راهنما برای بخشی از جهان شد که بنا بر همان نظر، زمینه

عینی انقلاب پرولتاری در آن، وجود نداشت. یعنی بر خلاف نظر او، این «روبن» بود که به صورت، و نه به واقع، نقش عامل جبار تحول را ایفا کرد. و نیز، تحول بین دینی در اروپا، تحول از بیان قدرت به بیان آزادی نبود. بلکه تحول به بیان قدرتی بود که به زعم واکس و بر، راه را برای استقرار روابط قوائی گشود که سرمایه داری نام گرفت. ژاک آتالی که در نقد و بر می گوید او برخطاست چرا که سرمایه داری ابداع «ملت یهود» است، خود بر اینست که دو سوم تولید در جهان امروز، تخریبی است. (۱۶) یعنی بسا برای اولین بار در تاریخ حیات انسان بر روی زمین، میزان تخریب از میزان سازندگی پیشی گرفته است. بسا غریب در اثر رنسانس، آماده بازیافت بیان آزادی بوده است اما نخست پروتستانسیم و سپس انواع ایدئولوژیهای مدرن، بیانههای قدرتی شدند که بیراهه های دیگری را بر روی غریبان گشودند.

۱۰. تمامی جنبش های مردمی تاریخ که به دست مردمان این و آن جامعه رخ داده اند برای مطالبه حقوق و برقراری میزان عدالت بوده است. تاریخ هیچ جامعه ای را نمی توان یافت که مردم آن به خاطر گستردن بساط ستم جنبش کرده باشند. این واقعیت حاکی از اینست که هر تغییری که مردم در آن شرکت می کنند، در آغاز، معطوف به بازیافت حقوق و آزادی است و اندیشه راهنمای آن، از دید مردم، ترجمان حقوق و آزادی آنها است. اما می توان پرسید آیا از خود بیگانه شدن اندیشه راهنمای این جنبشها در بیان قدرت، به چشمان عقول مارکس و انگلس و بر نیامده است؟ از هگل تا و بر، دو تغییر را به عنوان یک تغییر تبیین کرده اند. چرا این گونه تک بینانه تبیین کرده اند؟ زیرا به جای نظر به امر واقع، ابتدا در ذهن خویش یک محور ساخته اند و آن را هم فعال مایشاء تاریخ کرده اند. بسا اگر آنها خود در انقلاب موفق می شدند، هر دو تغییر را می دیدند.

۱۱. غربی که تنها جای درخور اقامت ایده است (هگل) و غربی که بخشی از جهان نائل شده به دوران سرمایه داری است (مارکس و انگلس) و غرب به مثابه جایی که ساکنانش به مرحله عقلانیت هدمند رسیده اند (مارکس و بر)، دیدگاه هائی هستند که سبب شده اند انسانها عاملهای موثر دیگر را از یاد ببرند. این ذهنیتها، عملها و روابط و مناسباتی را از یاد آنها برده اند که با یکدیگر مجموعه ای را می سازند و تحول را ممکن و جهت و بسا مسیر آن را معین می کنند: برای نمونه می توان به این جریانات توجه داد؛ جنگ های صلیبی که اروپا به راه انداخت، از جمله برای آن بود که جریان طلا از آفریقا به قلمرو اسلامی را به طرف اروپا برگرداند (۱۷)؛ اروپا در دورانی تحول عمومی خود را انجام داد که جمعیت آن در حال افزایش بود و بنا بر این، می توانست نیروهای محرکه خویش را در تولید بکار گیرد؛ قدرت مسلط جهان آن روز را جنگها و سلطه گری، گرفتار انحطاط ساخته و در نتیجه قدرت تهدید کننده ای در مرزهای اروپا نبود و اروپا بخشی از جهان را مستعمره کرده بود؛ غیر مستعمره ها به سویس جریان داشتند؛ جریان اندیشه از قلمرو اسلامی به غرب که انسان مداری و فلسفه روشنائی را ببار آورد؛ مساعد شدن آب و هوا با افزایش تولید کشاورزی توأم با پیدایش نظریه «فیزیوکراسی» (تنها



فعالیت اقتصادی که ثروت ایجاد می کند کشاورزی است؛ و نیاز کشاورزی رو به رشد به صنعت و پیدایش شهرها و نیاز فعالیتها به دانش و یک دوران صلح نسبی، کشف امریکا و... همه و همه، مجموعه از عوامل بودند که به تحول غرب جهت و مسیری را بخشید که می بینیم. امروز هنوز می توان پرسید آیا غرب در این جهت، به مسیر خویش ادامه می دهد و یا انسان در پی بازیافتن آزادی خویش می شود و به یمن بیان آزادی، از بیراهه مرگ به راه زندگی باز می آید؟

۱۲. فلسفه های تاریخی که ذکرشان رفت جبر گرا هستند. اما جالب اینجاست که در همان حال، مدعی هستند که تحول جامعه ها از مرحله ای به مرحله دیگر، خودجوش انجام می گیرد! اما خودجوش صفت فعالیت و تحول آزاد است. حال آنکه، در رابطه با قدرت، فعالیتها قدرت فرموده اند. در آنچه به نظر مارکس مربوط می شود، از قرار، لنین متوجه تناقض شده و اراده گرایی را بر نظریه مارکس افزودند. گرچه افزودن اراده گرایی تناقض را رفع می کند، اما قدرت را نیز هدف فعالیت سیاسی می کند و راه را بر تحول از جامعه طبقاتی به جامعه بی طبقه می بندد. تحول خودجوش از جامعه سرمایه داری به جامعه کمونیستی ساخته ذهن بود و جامعه چنان تحولی را نمی کرد و نکرد. چرا سازنده نظر غافل شد که اراده در خدمت قدرت نمی تواند نافی قدرت بگذرد؟

همین انتقاد به نظر هگل وارد است. جز این که در نظر او، این هسته عقلانی وجود دارد که ایده، ایده آزادی که در هستی متعین از خود بیگانه شده است در تقلا رها شدن و فعلیت بخشیدن کامل به خویشین است. این تبیین نوعی توجه کم رنگ به امکان دو نوع تغییر است، هر چند بالاخره هگل نمی تواند، از قالب دیالکتیک، «ایده سرمدی» را بیرون آورد.

و جانبداران نظر ماکس وبر برآوردند که نظر او بدین خاطر که انسان را صاحب نقش شناخته است و صفت مطلق را از جبر ستانده است، بطور کامل در بند این نقد نمی افتد. اما آنها نمی توانند توضیح بدهند اراده ای که فرآورده عقل قدرتمدار است و بنا بر این، خودجوش نیست، چگونه می تواند راهبر انسان به آزادی گردد؟ ۱۳. نظریه های تاریخی هگل و مارکس و انگلس و ماکس وبر، نظریه هایی نشدند که، به تجربه، نقد و از ظن خالی تر و از علم پرتو شوند. در آنچه به نظرهای هگل و مارکس و انگلس مربوط می شود، نقدهایی که از دیالکتیک به عمل آمده اند (۱۸) نه برای قالب کردن دیالکتیک اعتباری باقی گذاشته اند و نه به عنوان روش شناختن تاریخ از آغاز تا پایان، نقشی برایش برجا گذاشته اند.

اما نظر ماکس وبر نیز در جامعه های دیگر صدق نکرد. «مقام ترقی» و فرهنگ جهانشمول که غرب برای کشورهای استعمار زده به ارمغان برد، عامل رشد آن جامعه ها نگشت و در خود غرب نیز علم جانشین دین نگشت. ۱۴. غفلت از رابطه مسلط - زیر سلطه و پویایی های آن، ناگزیر بوده است چرا که در نظرها که تأمل می کنیم، می بینیم دلیل در خود آنها نیست بلکه نزد سازنده نظر است. زیرا آن عاملی را که صاحب نظر به آن نقش جبار و فعال ما بشاء می بخشد، در واقع، نقشی را که نظر ساز به او می دهد، ندارد. حقیقت این است که بدون غفلت از

قرآن و تاریخ

که نقش فعال را بازی می کند. توضیح این مختصر در مطالعه پویاییهای های رابطه سلطه گر - زیر سلطه در ادامه خواهد آمد. این عامل ایجاب می کند دسته دیگری از عوامل را؛

۲. از خود بیگانه شدن دین بمتابه بیان آزادی در بیان قدرتی توجیه گر رابطه مطاع (مسلط) و مطیع (زیر سلطه) و مقدر بودن این رابطه (در این دسته قرار می گیرند دانش و فن و نظر). این دو عوامل ایجاب می کنند و همراهند با؛

۳. عاملی به نام دشمن بیگانه که می تواند واقعی باشد یا فرضی. این سه عامل ایجاب می کنند و همراه هستند با؛

۴. عامل چهارم که زور عریان (قوای مسلح و دیگر بنیادهای خاص بکار بردن زور). این چهار عامل ایجاب می کنند و همراهند با؛

۵. عامل پول. و این پنج عامل ایجاب می کنند و همراه هستند با؛

۶. تزویر (دروغ و انواع فریب ها و فریفتاریها و رنگ کردنها و نیرنگ بازیها و...) و این شش دسته عامل ایجاب می کنند و همراه هستند. بسط سرطان وار روابط قوا در جامعه های اسیر این نوع رابطه و محدود شدن روزانه روابط آزاد (غفلت انسانها از آزادی و حقوق ذاتی خویش، نشستن تکالیف به جای حقوق، بر قرار شدن انواع تبعیض و اسیر شدن زن در روابط شخصی قدرت (در واقع عامل اتصال تارهای عنکبوت روابط شخصی قدرت، زن می شود) (۲۰) و قشر بندی جامعه های در رابطه و شکل گرفتن گروه بندیهای اجتماعی دارای منافع متضاد و، بخصوص، جریان نیروهای محرکه در مجاری که روابط قدرت ایجاد می کنند و تخریب بخش رو به افزایشی از آنها).

قدرت به هر شکل درآید و هر تغییر شکل که بپذیرد، فرآورده این عوامل است. تنها وقتی آدمی ثنویت تک محوری را اصل راهنما و منطق صوری را روش می کند، این واقعیت پس آشکارا نمی بیند و گمان می برد قدرت خنثی است. و نیز نمی بیند که چون قدرت فرآورده این عوامل است، وسیله و ابزاری در خدمت هیچ انسان و گروه انسانها نمی شود، بلکه قوای حاکمیت می جوید و مدعی قدرتمداری را آلت فعل خود می کند.

تاریخ قدرت، تاریخ پویایی های روابط مسلط - زیر سلطه و تغییرهایی است که این پویایی ها در نظامهای اجتماعی موجود در جامعه های اسیر این نوع رابطه ایجاد می کنند. اما این تاریخ، تنها تاریخ ممکن نیست. کوشش انسانها برای بازیافت استقلال و آزادی و حقوق خویش نیز تاریخ خود را دارد.

دوم - تاریخ به روایت حکیم ابوالقاسم فردوسی:

از دید فردوسی که به شاهنامه بنگریم، آن را بیان تاریخ، آن سان که در واقع جریان می یابد، و نه بر اساس قالبهای از پیش طراحی شده ذهنی، می یابیم؛

• دورانی که رابطه ها رابطه های قوا نیستند؛ نه گرما، نه سرما، نه گرسنگی، نه بیماری، نه ... نه پیری وجود دارند.

طبیعت سرسبز و انسانها جوان و شاد و بی نیازند. این دوران تاریخی آنگاه که جمشید دم از خدائی می زند به پایان می رسد. دو عامل در این از خود بیگانگی نقش دارند؛ یکی تغییر اصل راهنمای عقل جمشید از موازنه عدمی به ثنویت (من خدا و مردم بردگان مطیع خدا) و دیگری از خود بیگانه شدن دین از بیان آزادی در بیان قدرت (توجیه کننده رابطه خداوند - برده) هستند. تغییر رابطه جمشید با جامعه بر محور قدرت، برای بیگانه فرستادن ایجاب می کند تا به ایران درآید (عامل سوم). فرمانده نیروی مسلط بر ایران، ضحاک است (عامل چهارم) او جمشید را به بند می کشد، بر ایران شاه می شود و دختران جمشید را همسران خود می گرداند و ستم پیشه می کند (بسط روابط قوا در جامعه - عامل پنجم). تا این جا، حکیم به پنج عامل و دو واقعیت توجه کرده است. دو واقعیت، یکی وجود رابطه های آزاد که زندگی جامعه را زندگی در بهشت می گرداند، و دیگری بسط روابط قوا در جامعه و قائمه رابطه ها گشتن زور. اما ضحاک دروغ را نیز زبان رسمی قدرت خویش می کند و در جامعه رواج می دهد (عامل ششم). پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک از میان بر می خیزند و پندارها و گفتارها و کردارها همه فریب کاری می شوند (عامل هفتم).

پویاییهای روابط مسلط - زیر سلطه از قلمرو رابطه های آزاد می گاهند و بر قلمرو رابطه های قوا می افزایند. نماد ویرانگری و مرگ که ناشی از توسعه قلمرو روابط قواست، دو مار می شوند که بر دو شانه ضحاک می رویند. پیشاروی مرگ حیات ملی، جنبش کاوه جنبشی می شود برای این که جامعه روابط آزاد را باز یابد و زندگی در آزادی و آبادی را از سر گیرد.

بدین قرار، فردوسی نه تنها به این مهم که قدرت بی طرف نیست، توجه دارد بلکه عواملی که قدرت را پدید می آورند و انسانها را برده قدرت می کنند را نیز می شناسد. او نیک می داند که هرگاه جنبش کاوه روی نمی داد، پویاییهای های رابطه مسلط - زیر سلطه به حیات جامعه ایرانی پایان می بخشید.

• جنبش کاوه پیروز می شود و فریدون شاه می شود. در شاهنامه، ویژگیهای شاهی که فریدون نام دارد سازگار با ویژگی های رهبر نیک پندار و نیک گفتار و نیک کردار در اوستاست. با سلطنت فریدون، از نو، مرزها از میان بر می خیزند. صلح و همبستگی جهان را فرا می گیرد. دوران رشد در آزادی می شود. صلح تداوم دارد تا آن هنگام که فریدون جهان تحت سلطنت خود را به سه قسمت می کند: سلطنت ایران را به ایرج و سلطنت توران را به تور و سلطنت روم را به سلم می دهد. مرزها رابطه قوا پدید می آورند و با مرگ فریدون، میان این سه رابطه قوا بر قرار می شود. از این پس، تاریخ ایران دو جریان است که به موازات یکدیگر، جریان می یابند:

۱. جریان جنبشها برای بازیافت آرمان شهر آزاد و آباد.

۲. رابطه قوا با ایران و در درون ایران که بسا کرم هفواد نماد تمرکز و تکاثر و انباشت قدرت و سرانجام مرگ آنست. هر بار که روابط قوا فراگیر می شود و ایران در معرض فنا قرار می

گیرد، جنبشها حیات را به ایران باز می آورند: وقتی وطن در تمامیت ارضی خود در خطر انکار و تجاوز قرار می گیرد، ارش نماد خیزش ملی برای دفاع از وطن است و هر زمان که عامل تهدید کننده حیات ملی، قدرت خارجی است، رستم نماد بر خاستن و راندن دشمن است. و بسیار وقتها استبداد داخلی بمتابه ترجمان روابط قوا با «ایران» است که حیات ملی را به خطر می اندازد. لذا، جنبشهایی از نوع جنبش کاوه روی می دهند و حلقه هایی می شوند که زنجیر بهم پیوسته ای را تشکیل می دهند که تاریخ استقلال و آزادی است.

کدامیک از این دو جریان، جریان یگانه تاریخ ایران می شود؟ خواست حکیم اینست که ایرانیان کشور به دشمن ندهند و بر آنهاست که جنبش را تا بازیافت آرمان شهر، شهر استقلال و آزادی که در آن نه پیری و نه ... باشد، ادامه دهند. او که قوانین پیدایش و بزرگ شدن و، سرانجام، مرگ قدرت را بدست می دهد و می داند که قدرت خود نمی میرد و تا می تواند می میراند و به خود می خوراند (دومار بر دو شانه ضحاک که غذای روزانه شان مزه دو جوان است)، از ایرانیان می خواهد پهلوان بگردند، بسا رستم و کاوه و آرش بگردند. چرا که اگر مقاومت نباشد و جنبش بخاطر باز یافتن استقلال و آزادی فردی و جمعی نباشد، بسا مرگ قدرت حاکمان با مرگ جامعه ملی همزمان می شود، از این رو، فردوسی هشدار می دهد: ایرانیان! غفلت از جنبش می تواند به پایان حیات ملی و تاریخ ایران بیانجامد: هرگاه ایرانیان عزمی راسخ داشته باشند که «چو ایران نباشد، تن یکایک آنها مباد»، حیات ملی در استقلال و آزادی ادامه می یابد. او نیز ارش شد با نهادن عمر در شاهنامه. بدان، ایرانیان را آگاه کرد از تاریخ قدرت میرنده و میراننده و نیز از تاریخ زندگی در استقلال و آزادی و رشد.

سوم: تاریخ به روایت قرآن

۱. در قرآن، تاریخ قدرت با یک مقایسه آغاز می شود: (۲۰) فرشته ای خود را با آدم مقایسه می کند. با این توجیه که من از آتشم و آدم از خاک است، در واقع میان خود و آدم رابطه قوا برقرار می کند. بدین قرار، از دید قرآن، رابطه مسلط - زیر سلطه، رابطه ایست که دست کم یک طرف آن شیطان است. از آغاز تا پایان قرآن، رهنمودها، همه، برای آنند که انسانها از رابطه قوا به رابطه آزاد بازگردند و از بندگی قدرت (= زور و ۶ عامل دیگر رها شوند).

۲. آدم و حوا در بهشت ساکن می شوند. میوه ممنوعه همانا دوگانگی جستن و بدان رابطه قوا بر قرار کردن است. این بار، فرشته ای که شیطان گشته است، دوگانگی و تقابل با خداوند را در زوج آدم و حوا القاء می کند: (۲۱) هرگاه از این میوه بخوری، جاودانه می گردی و دانشی برابر دانش خدا می یابی! زوج دوگانگی را اصل راهنما می کنند و دروغ را راست و راهنمای خود می کنند و از میوه ممنوعه می خورند و از بهشت رانده می شوند.

۳. آن دو توبه می کنند: عرفان به استقلال و آزادی و حقوق و استعدادهای خویش. بر روی



مآخذ و یادداشتها:

۱ - مارکس اصطلاح «ماتریالیسم تاریخی» را بکار نبرده است. او اصطلاح «ماتریالیسم جدید» را بکار برده است. نگاه کنید به Thèses sur Feuerbach, جلد ۳, ۱۰۳۳, از دید او, دین محصول دوره تاریخی خود است. اما فردریک انگلس در Ludwig Feuerbach (1804-1872) این اصطلاح را بکار برده است.

۲ - ماکس وبر این نظر را پیشرفتی مهم ارزیابی کرده و گفته است: با این وجود، با غفلت از واقعیت‌های بسیار، به اندیشه و قلم آمده است.

۳ - Auguste Comte, Opusculs de Philosophie sociale, Paris, Editeur

۴ - L'Ethique protestante et l'esprit du capitalisme (1904-1905), Max Weber, Plon, Paris, 1964

۵ - Le savant et le politique, Max Weber, در باره نظر ماکس وبر پیرامون عمل و عمل اجتماعی و نیز چهار نوع عقلانیت مقاله‌های بسیار و کتاب‌ها نگاشته شده اند.

۶ - Max Weber, Economie et société

نظر ماکس وبر در باره سلطه نیز موضوع بحث‌های فراوان در مقاله‌ها و کتابها شده است.

۷ - Michael D. Biddis, Histoire de la pensée européenne 6- L'Ere des masse Editions du Seuil, Paris 1980

۸ - Colette Moreux Weber et la question de l'idéologie, Sociologie et sociétés, vol. XIV, no 2, octobre 1982, pp. 9 à 31. Montréal: Les Presses de l'Université de Montréal

انتشار یافته است.

۹ - Sartre, L'etre et Le neant

۱۰ - وقتی از پیش دیالکتیک تبیین کننده تاریخ انگاشته شد، صاحب نظر، حتی اگر نخواهد در امرهای واقع دستکاری و آنها را با قالب سازگار کند، عقل دیالکتیک محور او خود این کار را می‌کند. انتقاد هابی که بر ماتریالیسم تاریخی شده اند، بخشی هستند به نظر دورکیم در باره «امر واقع» و روش بازداشتن ذهن از دخالت در شناسایی امر واقع:

Emile Durkheim, Les Regles de la methode Sociologique

انتقادهای دیگر را کسانی کرده اند که پیرو نظر ماکس وبر بوده اند.

۱۱ - سومین دسته انتقاد کنندگان کسانی بوده اند و هستند که می‌گویند: محور کردن شیوه تولید، بضرورت مارکس و انگلس را از دیدن همه دیگر واقعیتها باز داشته است:

Jean Baudillard, Le miroir de la production ou l'illusion critique du materialsmehistorique, Paris 1973

۱۲ - دسته چهارم فیلسوفان مارکسیستی هستند که به غلط بودن دیالکتیک تضاد ذاتی پی برده اند:

Lucio Colletti, Politique et Philosophie

در صفحه ۱۶

قرآن و تاریخ

مصرف انبوه هستند و یا خود بکار مصرف بمعنای تخریب می‌آیند) و این سه همراهند با پویایی تنهایی و انزوای انسان. فرجام غمبار اصالت فرد.

۱۰. پویاییهای تغییر محور از تولید به مصرف از رهگذر پویاییهای دیگری که مصرف انبوه در جامعه مسلط است و نیز از رهگذر پویاییهای تغییر محور فعالیت اقتصادی از تولید به مصرف در جامعه زیر سلطه. این پویایی‌های است که نابرابریهای روز افزون، خشونت روز افزون و پیشخور کردن روز افزون را ایجاد می‌کند و توضیح می‌دهد.

۱۱. پویاییهای نابرابری (نابرابری از لحاظ درآمد در سطح هر کشور و در سطح جهان، نابرابری از لحاظ نیروهای محرکه در اختیار، نابرابری میان مکانهایی که نقاط اتصال شبکه جهانی ماوراء ملی‌ها را تشکیل می‌دهند و مکانهایی که بیرون از این شبکه می‌مانند و نابرابری باروری‌ها و نابرابری زمان فعالیت اقتصادی در اقتصاد مسلط با زمان فعالیت اقتصادی در اقتصاد زیر سلطه و نابرابری باروری‌ها و نابرابری علمی و فنی و فرهنگی روزافزون)

۱۲. پویاییهای بیگانگی انسان از علم و فن (نابرابری سرعت آموزش و انطباق انسان‌ها با شتاب رشد علمی و فنی که در جامعه‌های مسلط نیز بیکاری «فنی» را روز افزون می‌کند و نابرابری تعمیم آموزش و پرورش و بفرنج و طولانی شدن آموزش دانشها و فنون جدید که انسانها را تحت ولایت مطلقه مراکز علمی و فنی قرار می‌دهد.

۱۳. پویاییهای ندرت؛ نه تنها منابع موجود در طبیعت کمیاب تر می‌شوند، بلکه سرمایه داری، از جمله، از راه تشدید کمیابی است که انسان را برده خود می‌سازد. در نتیجه، کار «علم اقتصاد» اداره ندرتها از راه «تخصیص منابع به ضرورتترین فعالیت‌ها» می‌شود. اما تنها در قلمرو نیازهای غذا و پوشاک و مسکن نیست که ندرت رو به افزایش است. آب و هوای سالم نیز دارند کمیاب می‌شوند. در بحبوحه رشد علمی و فنی، در بخش بزرگی از جهان دانش و فن کمیاب می‌شوند. با وجود حجم عظیم سرمایه، به لحاظ بکار افتادن سرمایه‌ها در بورس‌های بزرگ، در محدوده روابط مسلط - زیر سلطه، بخش بزرگی از جهان و حتی بخشهای در حال گسترش اقتصادهای مسلط، گرفتار کمبود سرمایه می‌شوند.

۱۴. پویایی شئی شدگی انسان (انسان به مثابه نیروی کار و مصرف کننده)

۱۵. پویایی انتقال رهبری از انسان به قدرت و آلت فعل قدرت شدن انسان. ایران تحت ولایت مطلقه فقیه، به آشکاری تمام، فراگرد انتقال رهبری از انسان به قدرت را در معرض دید اهل خرد قرار داده است. و در جهان امروز، در تولید و در مصرف، انگیزه و دلیل، در انسان نیستند، در بیرون انسان هستند. انگیزه در قدرت است (سود حداکثر، تمرکز، تکاثر، انباشت)

۱۶. پویایی‌های جبر یا فرو رفتن در غفلت از آزادی و دیگر حقوق انسان و محکوم شدن به حبس ابد در زندان روابط قوا. و سرانجام حاصل این پویاییها می‌شود:

۱۷. پویایی تخریب و مرگ: تخریب تنها این نیست که دو سوم تولید فرآورده‌ها و خدمات ویرانگر هستند، تخریب بزرگ تر سیر دادن سرمایه‌ها به قلمرو اقتصادی مجازی و رانت

برای شناخت و تمیز تغییر در محدوده روابط قوا از تغییر روابط قوا به روابط آزاد کاربرد دارد مشاهده می‌کنیم. همچنین، رهنمودهایی را می‌یابیم که برای رفع عارضه‌ای تجویز شده اند که روابط قوا هستند.

برای آنکه فهم ما از نقش جنبش و نیروی محرکه موجب تغییر از روابط قوا به روابط آزاد دقیق و شفاف شود و هم بدانیم چرا بدون بیان آزادی، نه جنبش و نه باز یافت استقلال و آزادی میسر نیست، لازم است پویاییهای روندهای ناظر به روابط سلطه گر - زیر سلطه و نیز پویاییهای روندهای ناظر به جنبش برای استقلال و آزادی را از همدگر باز شناسیم (۲۹):

۱. پویاییهای تضاد (تضادهای اجتماعی، تضاد فعالیت اقتصادی با سلامت محیط زیست، تضادهای قطبهای «رشد» و مناطق رها شده و بنا بر این محروم، تضاد حال و آینده به زبان آینده و...) ۲. پویایی قدرت (در اشکال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و «فرهنگی»). ۳. پویایی‌های ابهام و بیم (گریز قدرت از هرگونه بازرسی انسان، در نتیجه، نامعلوم یافتن سرنوشت خود و گرفتار ترسها گشتن).

۴. پویاییهای تبعیض (تبعیض‌هایی نژادی و جنسی و ملی و قومی و... و بدترین آنها که تبعیض به زبان زندگی در آزادی و رشد در جهت مرگ انسان حقوقمند و مرگ طبیعت است)

۵. پویاییهای رانت خواری در هر چهار بعد واقعیت اجتماعی (سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی).

۶. پویاییهای پیشخور کردن و از پیش متعین کردن آینده (جهان امروز، جهان مقروض است و زمان به زمان، این قرض بزرگ تر می‌شود)

۷. پویایی‌های بریدن از واقعیت (هدف فعالیت اقتصادی، ارضای نیازهای واقعی که انسان است و واقعیتهایی که محیط زیست است نیست، بلکه حد اکثر سود هدف است و...)

۸. پویاییهای تجزیه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جامعه زیر سلطه که با پویایی جذب و فعال شدن نیروهای محرکه به جامعه مسلط همراه است (برای مثال، اقتصاد ایران، نفت و استعدادهای انسانی و سرمایه را به اقتصاد مسلط صادر می‌کند و کالا و خدمات وارد می‌کند. با صادر کردن نیروهای محرکه، جامعه ایرانی از کار محروم می‌شود و با وارد کردن کالاها و خدمات، کارهایی را هم که دارد از دست می‌دهد. در نتیجه اقتصادش متلاشی می‌شود. تجزیه، بعدها دیگر جامعه را نیز فرا می‌گیرد. در برابر اقتصاد مسلط نیروهای محرکه را می‌گیرد، مقدار قابل جذب را جذب و بقیه را تخریب می‌کند. نظامهای اجتماعی در رابطه، بدین مبادله است که بر پا می‌مانند.)

۹. پویاییهای تحدید فعالیتها به فعالیتهایی که سود را به حداکثر می‌رسانند و تحدید فعالیتهای اقتصادی به فعالیتهای ماوراء ملی‌ها و شرکتهای وابسته به آنها و تحدید اقتصادهای زیر سلطه به اقتصاد تک محصولی. این پویایی همراه است با پویایی تحدید فعالیت سیاسی در اطاعت (جامعه زیر سلطه) و یا گریزش نخبه‌ها برای حکومت بر خود (جامعه مسلط) و این دو پویایی همراهند با پویایی ضد فرهنگ قدرت (عناصری که توجیه گر

زمین، تاریخ حیات از رهگذر جنبش برای بازیافتن استقلال و آزادی به یمن بیان آزادی (پیامبری)، مانع از آن می‌شود که تاریخ، تاریخ مرگ انسان و جانداران و محیط زیست آنها بگردد. بدین سان، تاریخ تنها تاریخ روابط قوای خشونت گستر نیست: تاریخ،

همواره با از خود بیگانه شدن رابطه‌های آزاد در رابطه قوا، آغاز و با بازگشتن استقلال و آزادی و روش گشتن خشونت زدائی پایان می‌پذیرد. بدین سان، قرآن واقعیتهای بس مهم و همواره پنهان از دید عقل قدرتمدار را خاطر نشان می‌کند: هستی بر توحید استوار است، و رابطه قوا عارض بر رابطه آزاد است. رابطه قوا کشنده می‌شود هرگاه انسان به درمان عارضه بر نخیزد.

۴. بر روی زمین، رابطه‌های آزاد در رابطه قدرت از خود بیگانه می‌شود. (۲۲) در جامعه‌ها، به همان نسبت که قلمرو روابط قدرت گسترده تر می‌شود، دشمن و زر و زور و تزویر نقشی روز افزون پیدا می‌کنند (۲۳). نیروهای محرکه کمتر در رشد و بیشتر در ویرانگری بکار می‌افتند. دور، دور استبدادبان و رهبانان و قارون‌ها می‌شود (۲۴) و تکاثر ثروت (مؤلفه‌ای از مؤلفه‌های قدرت) و فخر فروشی تا گورستان ادامه می‌یابد. (۲۵)

این جامعه‌ها با مرگ روبرو می‌شوند. پیامبری هشدار و پیشنهاد بیان آزادی می‌شود برای اینکه اینگونه جامعه‌ها، از بیراهه مرگ به راه زندگی باز آیند. بسا می‌شود که روابط قوا، چون سرطان، تمامی جامعه را فرا گرفته اند. بیان قدرتی که راهنمای انسانها گشته آنها را از آزادی و حقوق خویش یکسره غافل کرده است چنانکه هشدار و انداز را نمی‌شنوند و با می‌شنوند و بر آزادی و حقوق ذاتی خویش عارف نمی‌شوند و بیراهه مرگ را تا آخر می‌روند. قوم‌های نوح و عاد و ثمود و... این سان از میان رفته اند. (۲۶)

۵. اما جامعه‌هایی نیز بوده اند که، در آنها، اقلیتی به استقلال و آزادی و حقوق ذاتی و استعدادهای خویش عارف بوده اند. این جامعه‌ها، به یمن استقامت این اقلیت‌ها بر میزان حق، از بیراهه مرگ به راه زندگی باز آمده اند و به حیات خویش ادامه داده اند (۲۷). تاریخ شهادت می‌دهد که

اهمیت بتامی که قرآن برای نقش اقلیت آزاد، ولو کم شمار، قائل می‌شود، بجاست. چرا که نقش این اقلیت در نجات حیات یک ملت و ادامه آن، یک امر واقع مستمر تاریخ است. بعثت پیامبر و گروهی که موفقیت آن را تضمین کردند («ده تن بشارت یافتگان»)، و در دوران معاصر، برای مثال، جنبش‌های بخش الجزایر که یک گروه ۲۲ نفری بانی آن شدند و یا نیروی محرکه جنبش ملی کردن صنعت نفت در ایران و نیز انقلاب ۱۳۵۷، که همچنان، گروه‌های کوچک بودند و مشابه آنها، از این رو است که هم جنبش برای استقلال و آزادی و هم نیروی محرکه، بنا بر این، اندیشه راهنما نقش‌های تعیین کننده در نجات و ادامه حیات ملی بازی می‌کنند:

۶. از بخشهای فراموش شده قرآن و بسا در شمار مهمترین‌ها، رهنمودها برای جلوگیری از تخریب نیروهای محرکه و جریان کردن آنها در رشد است. از این دیدگاه در حرامها و واجب‌ها که بنگریم، فهرست کاملی از نیروهای محرکه را بدست می‌آوریم (۲۸) و هم دقت نظر شگرفی را که



خامنه ای گفته است

پرونده اتمی را

ببندید، اما پرونده

همچنان باز است!؟

* خامنه ای گفته بود پرونده

اتمی را ببندید و موسویان این

دستور را وسیله پول در آوردن

کرد و به جاسوسی متهم شد و

تحت تعقیب قضائی قرار

گرفت!؟

خوانندگان به یاد دارند که موسویان، سفیر سابق رژیم در آلمان و عضو هیأت مذاکره کننده در باره پرونده اتمی، در دوره خاتمی، به جرم جاسوسی دستگیر و محاکمه شد. جرم واقعی او این بود که خامنه ای گفته بود: پرونده اتمی دیگر مصلحت نیست باز بماند آن را ببندید.

پیش از صدور این دستور، یک شرکت ژاپنی از موسویان پرسیده بود: قصد دارد در ایران سرمایه گذاری کند آیا وضعیت سیاسی مناسب این سرمایه گذاری هست؟ موسویان پاسخ داده بود باید صبر کند او وضعیت را بسنجد. پس از این که خامنه ای گفته بود پرونده اتمی را ببندید، او به شرکت ژاپنی تلفن می کند که «مقام معظم» رهبری دستور داده اند پرونده اتمی بسته شود. بنا بر این، می تواند در ایران سرمایه گذاری کند. او اوک مکالمه او را ضبط و نزد خامنه ای می برد. خامنه ای عصبانی می شود که موسویان چرا باید دستور او را وسیله پول در آوردن کند (گرفتن حق المشاوره از شرکت ژاپنی)، آنهم دستوری را که جنبه محرمانه داشته است؟ به دستور او، موسویان دستگیر می شود و به جرم جاسوسی تحت تعقیب قرار می گیرد.

* خامنه ای توان پرداختن بهای

دستور خود را ندارد از این رو

بحران اتمی همچنان ادامه

دارد:

شخصیت علی اکبرولایتی را بسیاری می شناسند. هم باد سنج او قوی است و از هر سو که باد قدرت بوزد، بدان سو می رود و هم بدون اجازه و بلکه دستور خامنه ای، مصاحبه نمی کند. مصاحبه او با سه روزنامه اروپائی و اطلاعاتی که در این مصاحبه، در اختیار غرب قرارداد، بدون اجازه نبود. از این رو، تبلیغات برای آماده سازی افکار عمومی برای حمله هوایی به ایران و تشدید مجازاتهای اقتصادی، فروکش کرد. دیپلماتهای غرب از امکان جدی حل بحران سخن بمیان آوردند. با این حال، بحران ادامه یافت. ولایتی گفته بود: پرونده اتمی را «مقام رهبری» خود در دست گرفته است و حدود ۱۰ روز بعد، خامنه ای گفت: پرونده اتمی در دست شورای عالی امنیت ملی است که ریاست آن با رئیس جمهوری است!

«پرونده اتمی را ببندید»!؟

و در گفتگوی جلیلی با سولانا، بنا نه بر بستن پرونده اتمی که بر بازگذاشتن آن بود. واپسین پاسخ جلیلی به سولانا نیز متن مبهمی است. چرا هم بوی بستن پرونده را می دهد و هم بوی بازنگاه داشتن آن را؟ زیرا خامنه ای در خود یاری پرداختن بهای پایان بخشیدن به بحران اتمی را نمی بیند. پذیرفتن بسته پیشنهادی، نزد گرایشهای از رژیم که خامنه ای به آنها متکی است، در حکم سرکشیدن جام زهر است. او نگران است که بسته شدن پرونده اتمی سبب شود او تنها شود. زیرا گرایشهای مخالف بحران اتمی او را سرزنش می کنند که بحران سازی او زیان بزرگ به کشور وارد کرد و بدون دامن زدن به بحران، ممکن بود همین امتیازها و بیشتر از این ها را از غرب گرفت. اما آنها هم که بر اثر بحران اتمی به دولت رسیده اند، در صورت بسته شدن پرونده، پرونده عمر سیاسی خود را نیز بسته می بینند و مقصر آن را خامنه ای می شمارند. باوجود این، هرگاه بسته شدن پرونده اتمی با عادی شدن رابطه ایران و امریکا همراه شود، خامنه ای و احمدی نژاد سود می برند. بعضی از آگاهان از درون رژیم برآند که احمدی نژاد در کار آنست که رابطه با امریکا را عادی کند و بگوید طلسم را من شکستم و شکستن طلسم را دستمایه رسیدن به ریاست جمهوری برای بار دوم کند. از این رو، خامنه ای و او بستن پرونده را کش می دهند تا به هدف خود در رابطه با امریکا برسند. باوجود این، نظر عمومی بر اینست که اگر خمینی آن موقعیت را داشت که جام زهر قبول آتش بس و پذیرفتن شکست را سربکشد، خامنه ای نه آن موقعیت و نه آن جرئزه را دارد که پرونده اتمی را ببندد و پی آمدهای آن را تحمل کند.

انقلاب اسلامی: از این رو، دو گزارش درباره رفتار نماینده رژیم در گفتگو با سولانا و نمایندگان ۶ کشور، مخالف یکدیگرند:

* خامنه ای و دیگر دست

اندرکاران پرونده اتمی با بسته

شدن این پرونده موافقت کرده

اند:

ماجرای پرونده اتمی بنا بر اطلاع حاصل از درون رژیم: ابتدا ملاقاتهایی میان ایران و سولانا انجام می شود. در این ملاقاتها، برای ایران خط و نشان کشیده می شود. سپس در جلسه سران ۸ کشور در ژاپن، سران آن کشورها حتی چین و روسیه ایران را تحت فشار قرار می دهند که باید تعلیق را بپذیرد. فشار مالی - سیاسی به ایران شدت گرفته است. * ایران متوجه شده است که در لبنان و سوریه و عراق دارد وضعیت بزبانش تحول می کند. فشار اسد از سوی غرب به ایران می آید تا که رژیم را به قبول پیشنهاد ۶ کشور ترغیب کند. قذافی به سران رژیم هشدار می دهد که سرنوشتی نظیر سرنوشت صدام و همکارانش در انتظار آنهاست. بهتر است به خود آیند پیش از آن که فرصت را از دست بدهند.

● شورای امنیت ملی تشکیل جلسه می دهد و خامنه ای می پذیرد که شورای امنیت پرونده اتمی را تصدی کند. شورای امنیت تصمیم می گیرد که با کمک وزارت امور خارجه کارها را به پیش ببرد. برغم اصرار مجلس، جلیلی حتی حاضر نمی شود در مجلس حاضر شود و به نمایندگان توضیح بدهد. از بالای سر مجلس، اعضای شورای امنیت ملی، با سرپرستی مشاوران خامنه ای، قرار ومدار با خارجیان رامی گذارند.

● جلیلی برای گرفتن تایید برای تصمیم خامنه ای در مورد عقب نشینی، به ملاقات مکارم شیرازی و صافی گلپایگانی می رود. در مورد انرژی هسته ای با آنها صحبت می کند. با دیگر علما لازم نبود صحبت کند. زیرا آنها در جریان ماجرا، بطورکامل قرار داشته اند. جلیلی جهت مذاکره به خارج از کشور می رود. وزیر امور خارجه نیز دست به کار است. مجلس نیز مانند ماست بدون حرکت است و وارد تعطیلات تابستانی خود می شود. شایعه پذیرش تعلیق از سوی برخی از وب سایت های داخلی مطرح می شود. کارکنان شورای امنیت ملی دو هفته قبل پذیرش عقب نشینی را تایید کرده بودند و روز ۱۳ تیرماه از آن اطلاع حاصل شد.

● ایران، مانند جریانات قبل، تلاش می کند تبلیغات شدیدی را جهت انحراف افکار عمومی انجام دهد. خبر تعلیق و عقب نشینی ایران در برخی از نشریات خارجی مطرح می شود. خامنه ای و مأموران او بر می آشوبند که قرار بود ماجرا علنی نشود. ایران دست به مانور پیامبر اعظم ۳ به صورت ضرب العجل می زند تا شاید بتواند افکار عمومی در ایران را منحرف سازد. روز ۱۸ تیر ماه اعلام می شود که ایران ۹ موشک را به صورت همزمان شلیک کرده است. اما اثر دلخواه را بیار نمی آورد. در ۱۶ مرداد، خبر آزمایش موشک ضد کشتی با برد ۳۰۰ کیلومتر منتشر می شود. مردم نگران می شوند. زیرا فکر می کنند ایران به دلیل مقاومت در برابر خواسته های غربیان وارد جنگ خواهد شد. سیاسیون ایران نیز تحت تأثیر همین موشک پراکنی، در جلسات، می گویند معامله سرتگرفت و ایران وارد جنگ خواهد شد. شب بعد از موشک پراکنی، تبلیغات گسترده صدا و سیمای مافیها شروع می شود: اسرائیل بعد از مانور ایران دچار وحشت شد. امریکا اعلام کرد که باور نمی کرد ایران اینقدر پیشرفت کرده باشد. امریکا بعد از مانور موشکی ایران گفت که تا به حال پیش شرط گذاشته بود که ایران تا وقتی که عملیات هسته ای اش را تعلیق نکند با او وارد مذاکره نشود اما حالا تصمیم گرفته است با مذاکرات ایران با کشورهای اروپایی، که شش هفته طول می کشد، را بدون پیش شرط، موافقت کند.

● سردار فیروزآبادی می گوید: امریکا از موشک های ایران ترسید. احمدی نژاد می گوید: قدرت نظامی سپاه امریکا را وادار به عقب نشینی کرد. او با اشاره به مانور نظامی پیامبر اعظم(ص) می گوید: دشمن با کوچک ترین تحرک نیروهای دفاعی کشورمان که تنها بخشی از توان عظیم خود را به نمایش گذاشتند به شدت ترسید و از مواضع خود عقب نشینی کرد.

نماینده ولی فقیه در سپاه می گوید: موشک های ایران جلسه هسته ای را تحت تأثیر قرار داده است. و... این تبلیغات روش می کند که موشک بازی سپاه برای ایجاد واکنشهای مورد نظر از سوی مردم است. زیرا علاوه بر محتوای تبلیغات، مانور در زمانی انجام گرفت که تهدید به جنگ از شدت افتاده بود و رئیس ستاد ارتش امریکا نیز می گفت با جنگ سومی در منطقه و با ایران خائف است. ● حزب الله لبنان وارد حکومت لبنان شده است و نگران معامله سوریه با اسرائیل و غرب است و نیز احتمال می دهد ایران نیز با امریکا معامله کند. پس بر آنست که موقعیت خود را در لبنان از دست ندهد.

● سوریه وارد مذاکره با اسرائیل برسر جولان شده است و می کوشد رابطه خود را با غرب عادی کند.

● هر چه زمان می گذرد، حماس موقعیت خود را بیشتر از دست می دهد. در غزه، بار دیگر میان افراد فتح و حماس زد و خورد شد. حماس متارکه با اسرائیل را پذیرفته است. جامعه فلسطینی دچار انشقاق است. اولمرت قصد دارد از نخست وزیری اسرائیل کناره گیری کند. گفته می شود او می خواهد مسئله را با فلسطینی ها و سوریه ایها حل کند تا نامی از او در تاریخ بماند.

بدین ترتیب ممکن است ایران بازوهای خود در منطقه را تا حدی از دست بدهد.

● موقعیت ایران در عراق نیز از دو سو تهدید می شود: یکی برکشیدن سنی ها از راه همکاری امریکا با عربستان و دیگری امضای قرارداد امنیتی میان عراق و امریکا.

● تحریم ها فشار زیادی را به مسئولان ایران وارد ساخته است و، با توجه به اینکه کمتر از یک سال به انتخابات ریاست جمهوری باقی نمانده است، به این فشار باید پایان داده شود. با توجه به امور بالا، رژیم تعلیق را از راه شرکت در یک بازی سیاسی، خواهد پذیرفت. به قول برخی ها دست به کاری عجیب خواهد زد!؟ اوضاع نشان می دهد که رژیم با کسب عدم دخالت امریکا در مسائل داخلی و برداشتن تحریم ها و... تعلیق را پذیرفته است. به قول یکی از اعضای شورای امنیت ملی «جام زهر را نوشیدیم اما اینبار با سیاست که کسی متوجه آن نشود». با وجود این، بحران تا انتخابات ریاست جمهوری امریکا ادامه دارد:

● در مورد مسئله هسته ای و تعلیق یا عدم تعلیق، کشمکش ها در درون رژیم ادامه دارند. هنوز نتیجه قطعی حاصل نشده است. پنداری دارند معامله پنهانی بر سر گروگانها را باز سازی می کنند. توضیح این که مانند قضیه گروگانگیری، ماجرا را کش می دهند تا زمان انتخابات ریاست جمهوری امریکا.

در حال حاضر نیز سران رژیم دارند بسود نامزد جمهوریخواه ها عمل می کنند. تا اینجا، از رفتار رژیم، بوش و نامزد حزب جمهوریخواه سود برده است. «اصول گرایان» از راه زد و بند با جمهوریخواه ها، کودتای خرداد ۶۰ را انجام دادند و در دوره دموکراتها، «اصلاح طلبها» سرکار آمدند و با رسیدن نامزد جمهوریخواه ها به ریاست جمهوری، دولت را تصرف

کردند. با جمهوریخواه، بعلت نیاز دو طرف، بحران ساختن و طولانی کردن آن، آسان است.

* لوموند (۲ اوت ۲۰۰۷: گزارش گفتگوهای ۱۹ ژوئیه که در آن جلیلی به سولانا پاسخ رد داد:

● زمانی که سولانا و معاونان وزاری خارجه ۶ کشور در برابر جلیلی و هیأت نمایندگان، در دو سوی میز مذاکره قرار گرفتند، این امید وجود داشت که به یک توافق قطعی برسند و به بحران اتمی که ۶ سال است ادامه دارد، پایان ببخشند.

● در هفته های پیش از آن روز، بسیاری امور نو واقع شده بودند: علائم مثبت که ایرانیها می فرستادند، سفر سولانا به تهران در ۱۴ ژوئیه، برای تسلیم کردن بسته پیشنهادی ۶ کشور و بخصوص چرخش دیپلماتیک سخت نظر گیر امریکا و روانه کردن شخصیت سوم وزارت خارجه امریکا به ژنو و رو در رو نشستن برای مذاکره، آنهم بعد از ۳۰ سال، امید به حل مشکل را برانگیخته بودند.

لوموند گزارشی شامل جزئیات، از این مذاکره بدست آورده است. گزارش نشان می دهد چه اندازه سخت است یافتن وسیله ای برای خروج از این بن بست دیپلماتیک:

● در همان حال که تهدید اسرائیل ایران را به حمله نظامی واقعی است، بنا بر گفته های جلیلی، به یمن اهرمهای در اختیار (عراق، لبنان، مسئله فلسطین)، ایران در خاورمیانه دست بالا را دارد. در قلمرو انرژی نیز دست بالا را دارد. بنا بر این، به کدام دلیل ایران می باید، در جا، تسلیم شود تا که کار بر غریبان آسان شود.

● بهنگام ورود به جلسه، نمایندگان ۶ کشور پیش بینی کاری که در صورت شکست گفتگوها باید بکنند را کرده بودند: یک فرصت ۱۵ روزه دیگر نیز به ایران داده شد بلکه پاسخ مثبتی به پیشنهاد خودداری از افزودن بر شمار سانسورفیوژها از سوی ایران و خودداری ۶ دولت از افزودن بر مجازاتها بدهد. این مهلت در ۲ اوت می باید بسر می رسید. البته ۶ کشور اتمام حجت نکردند. ایران می توانست چند روز دیرتر پاسخ بدهد. پس از آن، نوبت به تشدید مجازاتها می رسید. ● در ۱۹ ژوئیه، سولانا باب گفتگو را گشود و بر اهمیت محدوده ای - حضور نماینده امریکا - تأکید کرد که، در آن، گفتگوها انجام می گیرند. او یادآور نامه وزیران خارجه ۶ کشور به منوچهر متکی، وزیر خارجه ایران، شد. او به طرف ایران اصرار ورزید پاسخ بله یا نه را به پیشنهاد بدهد.

سپس سعید جلیلی رشته سخن را بدست گرفت و سخنانش طولانی شدند. او به ایماء و اشاره سخن می گفت. او به پیشنهاد توقف اقدامات از دوسو اشاره نیز نکرد. اما از «تاریخی می تواند آینده را روشن کند» و از «توانائی» ایران برای بسط دموکراسی در منطقه» و نیز از اهمیت ایران در مبارزه با تروریسم و امنیت و امنیت جریان نفت به بازارهای بین المللی سخن گفت. او پرسید: «کیفیت گفتگوهای دو طرف چگونه خواهد بود؟ گفتگو میان دو دوست، دو طرف معامله، دو رقیب و یا دو خصم؟ او توضیح داد که همکاری استراتژیک میان ایران و مخاطبان او می تواند به حل مسائلی بیانجامد که مزمن شده اند. ما می توانیم مسائلی را حل کنیم



که ۳۰ سال و بسا ۶۰ سال است بلالحر مانده اند. اشاره او به روابط آمریکا با ایران و نیز پیدایش اسرائیل بود.

سولانا سعی می کند برای گفتگوها محدودی تعیین کند. او می گوید: «چند سال است که ما مذاکره می کنیم. ما به این جا آمده ایم برای این که پاسخ شما را به پیشنهاد خود بشنویم.» سرگی کیسلیاک، معاون وزارت خارجه روسیه، افزود: «ما مایلیم پاسخ مثبتی از زبان شما بشنویم.»

● ویلیام برنس، معاون وزارت خارجه آمریکا، تنها یک بار صحبت کرد. او خطاب به هیأت ایران گفت: «من خوشحالم از آمدن و شرکت در این گفتگو برای دادن یک پیام ساده: ما امریکائیان در جستجوی یک راه حل دیپلماتیک جدی هستیم. ما در حمایت از پیشنهاد ۶ کشور و حرکت به پیش، جدی هستیم. مدت ۳۰ سال است که مناسبات دو کشور بر بی اعتمادی عمیق مبتنی است. من امیدوارم که حضورم در این جا قدمی در جهت خوب است و شما این فرصت را مغتنم می شمارید.»

بعد از او، نمایندگان چین و انگلستان و آلمان توضیح دادند چرا و تا چه اندازه فرصت «ذقیمت» است. ● سعید جلیلی از پیشنهاد متقابل ایران به پیشنهاد ۶ کشور سخن گفت. اما پیشنهاد ایران در ۲ صفحه در عباراتی مبهم تنظیم شده است و پیشنهاد می کند گفتگوها نخست میان فرستاده های دو طرف انجام می شود و سپس در سطح وزیران خارجه ادامه پیدا می کند. در آن اشاره ای به متوقف کردن برنامه افزودن بر سانتریفوژها نمی شود. سولانا باز می گوید که او را بر سر اصل موضوع باز آورد: «من نمی دانم مشکل کدام است؟ می توانید برای ما توضیح بدهید چرا ممکن نیست چرا نمی توان گفتگو را با قبول پیشنهاد «توقف از دوسو» آغاز کرد؟»

جلیلی پیشنهاد دو صفحه ای را به اعضاء هیأت نمایندگی ۶ کشور می دهد. جلسه متوقف می شود. سولانا و جلیلی، برای صرف نهار، دو به دو، به رستورانی مجاور شهرداری ژنو می روند. در مراجعت، مسئول سیاست خارجی اروپا، اعضای هیأت را توجیه می کند: توضیحات جلیلی مبهم هستند. اما پاسخ او به دو پرسش ما، یکی با «توقف از دوسو» موافقت می کنید؟ دیگری، آیا با ۶ هفته گفتگوی پیش مذاکره موافقت می کنید؟ نه بود.

● بعد از ظهر، گفتگوها از سر گرفته گرفته می شوند. بدون این که پیشرفتی حاصل شود. سرگی کیسلیاک، در یک لحظه، احساس کرد انعطافی در موضع جلیلی پیدا شد. وقتی جلیلی از «حفظ وضعیت موجود» سخن گفت و اینطور بنظر رسید که او با «توقف از دوسو» موافق است. اما جلیلی توضیح داد که مقصود او این نبوده است.

● نماینده فرانسه خطاب به جلیلی گفت: اگر شما در موقعیتی نیستید که پاسخ بدهید، می توانید به تهران باز گردید و پس از کسب تکلیف، از حالا تا دو هفته، پاسخ دو پرسش ما را به آقای سولانا بدهید. نماینده انگلستان به او هشدار داد که هرگاه پاسخ منفی باشد، بر مجازاتها افزوده خواهد شد. جلیلی پاسخ داد: «موضع ایران قوی است.» او قول رهبر عالی رژیم، علی خامنه ای، را بازگفت: «در جو تهدید، ما مذاکره نمی کنیم.» اما در آنچه به تهدید به مجازات مربوط می شود، باید بگوییم ما از عهده آن بر می آئیم.

«پرونده اتمی را ببندید»!؟

انقلاب اسلامی: در ۵ اوت (۱۵ مرداد ۱۳۸۷) رژیم چنین پاسخ داد:

* پاسخ رژیم به دو پرسش ۶ کشور: جمهوری اسلامی ایران

آماده است در زودترین زمان

ممکن پاسخ روشنی به پیشنهاد

شما بدهد مشروط بر این که

پاسخ به پیشنهاد ایران نیز شفاف باشد:

● خبرگزاری فرانسه (۵ اوت) متن نامه ایران به گروه +۱ شامل آمریکا، انگلیس، فرانسه، چین، روسیه و آلمان را منتشر کرد که به شرح زیر است:

به نام خدا
متعاقب گفتگوهای سازنده ژنو و پیشنهاد ارائه شده توسط جمهوری اسلامی ایران درباره مدالیته ادامه مذاکرات و با توجه به مشترکات موجود در طرح های پیشنهاد شده توسط شرکت کنندگان در نشست ژنو، توافقی برای انعکاس بیشتر درباره دو پیشنهاد به منظور ارائه پاسخ شفاف از سوی دو طرف انجام شد.

جمهوری اسلامی ایران با حسن نیت، روشی سازنده و تصمیمی راهبردی برای ادامه مذاکرات، مجدداً با دقت دیدگاه های مطرح شده در نشست ژنو را مورد بررسی قرار داد تا توافقی جامع برای همکاری که بتواند نگرانی های مشترک ما را پوشش داده و بر اساس تعهدات جمعی و تنظیم یک دستور کار برای رایزنی با تمام طرف های ذینفع به منظور دستیابی به نتیجه ای قابل قبول باشد، حاصل شود. اکنون جمهوری اسلامی ایران آماده است "پاسخ روشنی" به پیشنهاد شما در زودترین زمان ممکن ارائه کند ضمن این که همزمان انتظار داریم "پاسخ روشن" شما را به سوالات و ابهامات ما دریافت داریم.

بدون تردید چنین شفافیت دوجانبه ای می تواند راه را برای روند مذاکرات سریع و شفاف با چشم اندازی روشن و مهیا ساختن شرایط همکاری، هموار سازد.

در پایان نامه ایران آمده است: فاز دوم مذاکرات می تواند در صورت وجود چنین تمایلی از طرف شما در اسرع وقت آغاز شود

* واکنشها به پاسخ رژیم به دو پرسش نش کشور:

● پیش از دریافت پاسخ اما در همان تاریخ دریافت پاسخ رژیم، ساندی نیوز (۵ اوت) خیرداد که در روز تسلیم پاسخ ایران به سولانا، ۵ عضو دائمی شورای امنیت و آلمان ایران را تهدید کرده اند که هرگاه پاسخ به پیشنهادشان منفی باشد، به اقدامات تنبیهی خود علیه ایران ادامه خواهند داد.

● در همان روز، ایران اعلام کرد با موفقیت موشک ضد کشتی با برد ۳۰۰ کیلومتر را آزمایش کرده است و هشدار داده است همه کشتی های دشمن در تیر رس ایران قرار دارند و امور خارجه آمریکا، در مصاحبه یاهو

برای ایران بستن تنگه هرمز بسیار آسان است.

● آمریکا در واکنش به اظهارات جعفری، «فرمانده کل» سپاه پاسداران گفت: قربانی اول بسته شدن تنگه هرمز ایران است.

● در ۶ اوت، کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه آمریکا، در مصاحبه یاهو نیوز و مجله پولیتیکو، گفته است: ایران اگر بخواهد، راه برون شد دارد. در غیر این صورت، ما به طور خیلی جدی تحریم ها را دنبال خواهیم کرد. باید امیدوار بود به اینکه در ایران افراد معقولی وجود دارند که متوجه هستند این روشی نیست که با آن کشورشان را اداره کنند. واکنش اخیر تهران به تقاضای تعلیق غنی سازی اورانیوم در مقابل بسته پیشنهادی مشوق ها، پاسخ واقعا جدی نبوده است. ایرانی ها باید درک کرده باشند که زمان برای آنها کاملاً در حال سپری شدن است.»

● و در ۷ اوت، کاندولیزا رایس گفته است: هرگاه اسرائیل بخواهد به ایران حمله نظامی کند، آمریکا آن را وتو نمی کند!

● وضع مجازاتهای جدید: در ۸ اوت، از قول یک مقام ارشد در حکومت انگلستان، رویتر گزارش کرده است که انگلستان و فرانسه و آلمان و آمریکا در پی وضع و اجرای مجازاتهای جدید علیه ایران هستند.

● این کشورها با یکدیگر در شور هستند برای تعیین مجازاتهای جدید. بخشی از این مجازاتها را شورای امنیت تصویب خواهد کرد و بخشی دیگر را این کشورها و متحدانشان به اجرا خواهند گذاشت:

● قلمرو این مجازاتها گاز و نفت خواهند بود. ممنوع کردن سرمایه گذاری در نفت و گاز ایران و جلوگیری از صدور فرآورده های نفتی به ایران.

● در ماه ژوئیه، سنای آمریکا طرح تشدید مجازاتهای ایران را تصویب کرد. بنا بر این طرح، تجارت با ایران محدود می شود. مجازاتهای مالی شامل افراد ایرانی بیشتری می شود و شرکتهای امریکایی را قابل مجازات می کند هرگاه شعب آنها در خارج از آمریکا با ایران معامله کنند.

● مجازاتهای جدید مجازاتهای زیر خواهند بود:

- ۱ - ندادن ویزا به مقامات ارشد رژیم ایران نظیر محمد علی جعفری، فرمانده کل سپاه پاسداران و یا محمد نجار وزیر دفاع ایران و یا غلامرضا آقا زاده، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران.
- ۲ - توقیف دارائیهای بانک ملی که بزرگ ترین بانک ایران است.
- ۳ - در ۸ اوت، اتحادیه اروپا تصویب کرد مجازاتهای مصوب شورای امنیت را به اجرا بگذارد. اتحادیه از اعضای خود خواست نسبت به معاملات مؤسسات مالی ایران، بخصوص بانک صادرات هشیار باشند.

* سولانا می گوید: گفتگو با ایران را ادامه می دهیم:

به گزارش رویتر (۱۱ اوت)، از قول تلویزیون ایران، طی یک گفتگوی تلفنی، خاور سولانا، مسئول سیاست خارجی اروپا، و سعید جلیلی توافق کرده اند به گفتگوهای دو جانبه ادامه دهند. نزدیکان سولانا انجام گفتگوی تلفنی را تصدیق می کنند و انجام گفتگوها را رد نمی کنند.

● در ۶ اوت، کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه آمریکا، در مصاحبه یاهو

نیوز و مجله پولیتیکو، گفته است: ایران اگر بخواهد، راه برون شد دارد. در غیر این صورت، ما به طور خیلی جدی تحریم ها را دنبال خواهیم کرد. باید امیدوار بود به اینکه در ایران افراد معقولی وجود دارند که متوجه هستند این روشی نیست که با آن کشورشان را اداره کنند. واکنش اخیر تهران به تقاضای تعلیق غنی سازی اورانیوم در مقابل بسته پیشنهادی مشوق ها، پاسخ واقعا جدی نبوده است. ایرانی ها باید درک کرده باشند که زمان برای آنها کاملاً در حال سپری شدن است.»

● و در ۷ اوت، کاندولیزا رایس گفته است: هرگاه اسرائیل بخواهد به ایران حمله نظامی کند، آمریکا آن را وتو نمی کند!

● وضع مجازاتهای جدید: در ۸ اوت، از قول یک مقام ارشد در حکومت انگلستان، رویتر گزارش کرده است که انگلستان و فرانسه و آلمان و آمریکا در پی وضع و اجرای مجازاتهای جدید علیه ایران هستند.

● این کشورها با یکدیگر در شور هستند برای تعیین مجازاتهای جدید. بخشی از این مجازاتها را شورای امنیت تصویب خواهد کرد و بخشی دیگر را این کشورها و متحدانشان به اجرا خواهند گذاشت:

● قلمرو این مجازاتها گاز و نفت خواهند بود. ممنوع کردن سرمایه گذاری در نفت و گاز ایران و جلوگیری از صدور فرآورده های نفتی به ایران.

● در ماه ژوئیه، سنای آمریکا طرح تشدید مجازاتهای ایران را تصویب کرد. بنا بر این طرح، تجارت با ایران محدود می شود. مجازاتهای مالی شامل افراد ایرانی بیشتری می شود و شرکتهای امریکایی را قابل مجازات می کند هرگاه شعب آنها در خارج از آمریکا با ایران معامله کنند.

● مجازاتهای جدید مجازاتهای زیر خواهند بود:

● هندی ۲۴ سال پیش از این بمب اتمی خود را آزمایش کرده است. هند با استفاده از نیروگاه اتمی که از خارج خریداری و نصب کرده است، بمب اتمی خود را ساخته است.

● توافق نامه ای که به آمریکا پیشنهاد می کند حاوی این نکات است: آمریکا سوخت اتمی و تکنولوژی اتمی در اختیار هند می گذارد و در عوض، هند به آژانس بین المللی انرژی اتمی اجازه می دهد نیروگاه های اتمی این کشور را تحت بازرسی قرار دهد. بوش از این که هند تکنولوژی اتمی خود را صادر نکرده، راضی است. هند ۷۵ در صد نفت مورد نیاز خود را وارد می کند. حکومت این کشور می گوید نیازمند توافق اتمی است برای اینکه توانائی مالی برای سرمایه گذاری و خارج کردن صدها میلیون نفر از فقر را پیدا کند.

● انقلاب اسلامی: از نو، تهدید ایران به حمله نظامی، روز مره شد و دست کم مجازاتهای اقتصادی ایران موضوع رقابت دو نامزد ریاست جمهوری گشته است:

● در صفحه ۷

* سه مسئله اتمی که بوش تا پایان ریاست جمهوری خود نمی تواند آنها را حل کند:

● آسوشیتدپرس (۴ اوت) گزارشی در باره سه مسئله اتمی ایران و کره شمالی و هند که بوش در مدت باقی مانده از ریاست جمهوری خود نمی تواند حلشان کند، انتشار داده است:

● پرزیدنت بوش ایران و کره شمالی را زیر فشار قرارداده است تا که از تولید بمب اتمی منصرف شوند. با هند بنا بر همکاری اتمی دارد و می باید توافق نامه همکاری میان دو کشور امضاء شود.

● اما ایران مدعی است قصدی جز تولید انرژی اتمی ندارد. اما آمریکا و بسیاری از کشورهای دیگر ظن می برند که برنامه استفاده صلح آمیز از اتم پوشش برنامه تولید بمب اتمی است. یا دست کم ایران می خواهد تکنولوژی اتمی خود را تکمیل کند به تدریجی که هر زمان اراده کرد، بمب اتمی را بسازد.

● احمدی نژاد می گوید: ایران ۶۰۰۰ سانتریفوژ نصب کرده است. ایران بنا دارد شمار سانتریفوژها را به ۵۴۰۰۰ برساند.

● کره شمالی بمب اتمی خود را ساخته است. کارشناسان بر آنند که کره شمالی برای تولید ۱۰ بمب اتمی، پلوتونیوم تولید کرده و در اختیار دارد.

● یک مقام حکومت آمریکا به آسوشیتدپرس گفت: مدارکی که کره شمالی بتازگی در اختیار گذاشته است، حاکی از آنند که ۴۴ کیلوگرم پلوتونیوم تولید کرده و در اختیار دارد. آمریکا کره شمالی را متهم می کند که در کار اجرای برنامه تولید

بمب اتمی از اورنیوم غنی شده است. کره شمالی از تولید پلوتونیوم باز ایستاده است و بخشی از تجهیزات اتمی خود را از بین برده است به تدریجی که به سرعت قابل تجدید بنا نیستند. اما مواد اتمی در اختیار دارد. کره شمالی خواهان آنست که آمریکا به این کشور در ساختن نیروگاه اتمی کمک کند.

● هند ۲۴ سال پیش از این بمب اتمی خود را آزمایش کرده است. هند با استفاده از نیروگاه اتمی که از خارج خریداری و نصب کرده است، بمب اتمی خود را ساخته است.

● توافق نامه ای که به آمریکا پیشنهاد می کند حاوی این نکات است: آمریکا سوخت اتمی و تکنولوژی اتمی در اختیار هند می گذارد و در عوض، هند به آژانس بین المللی انرژی اتمی اجازه می دهد نیروگاه های اتمی این کشور را تحت بازرسی قرار دهد. بوش از این که هند تکنولوژی اتمی خود را صادر نکرده، راضی است. هند ۷۵ در صد نفت مورد نیاز خود را وارد می کند. حکومت این کشور می گوید نیازمند توافق اتمی است برای اینکه توانائی مالی برای سرمایه گذاری و خارج کردن صدها

● انقلاب اسلامی: از نو، تهدید ایران به حمله نظامی، روز مره شد و دست کم مجازاتهای اقتصادی ایران موضوع رقابت دو نامزد ریاست جمهوری گشته است:

● در صفحه ۷



امریکا حمله اسرائیل به ایران را وتو نمی کند! - ایران موضوع رقابت دو نامزد ریاست جمهوری

* آسوشیتدپرس (۶ اوت): اسرائیل در تدارک توانایی حمله هوایی به تأسیسات اتمی ایران است:

تدارکات اسرائیل برای حمله نظامی به تأسیسات اتمی ایران عبارتند از:

● با وجود پاسخ منفی ایران به بسته پیشنهادی کشورهای ۵ + ۱، آمریکا از چه رو همچنان پای بند راه حل دیپلماتیک است؟ این پرسشی است که اسرائیل از آمریکا می کند بدان قصد که آمریکا را با راه حل نظامی موافق کند.

● اسرائیل ۹۰ فروند جنگنده های F-16i از آمریکا خریداری کرده است. این هواپیماها می توانند به اندازه کافی سوخت برای پرواز به ایران و انجام عملیات و بازگشت به اسرائیل را حمل کنند. در پایان سال آینده، اسرائیل ۹ فروند دیگر از آمریکا تحویل می گیرد.

● اسرائیل دو زیر دریایی از آلمان خریداری کرده است که می توانند کلاهک اتمی را بسوی هدف، توسط موشک، پرتاب کنند. اسرائیل ۳ زیر دریایی داشت.

● در همین تابستان، مانور هوایی در مدیترانه انجام داد که بحثی در سطح بین المللی برانگیخت که آیا مقصود از این مانور آماده شدن برای حمله به ایران است؟ و یا فشار به غرب است برای اینکه در قبال ایران، رویه ای هرچه قاطع تر اتخاذ کند؟

● بنا بر گزارشهای رسانه های غرب، اسرائیل در ایران جاسوسانی دارد. اما سانسوری که در اسرائیل مقرر است، مانع از انتشار اطلاعات در باره فعالیت های این جاسوسان است.

● روشی که در قبال فعالیت اتمی ایران باید اتخاذ کرد، بعد از این که آمریکا پاسخ ایران به پرسشهای غرب را رد کرد، موضوع بحث شده است. تهیه قطعه نامه چهارمی شامل مجازاتهای جدید در دستور کار است. اما اسرائیل که خود بمب اتمی دارد، مجهز شدن ایران به بمب اتمی را تهدید موجودیت خود ارزیابی می کند. به باور اسرائیل، ایران از آن رو دست از غنی سازی اورانیوم بر نمی دارد که در کار تولید بمب اتمی است. این بمب را یا در سال آینده و یا در سال ۲۰۱۰ خواهد ساخت. اما آمریکا بر اینست که هنوز چند سال زمان لازم است تا ایران بتواند بمب اتمی تولید کند. با وجود این، آمریکا بر اینست که ایران شتابی بیشتر از آنچه پیش بینی می شد در افزودن بر شمار سانتریفوژها بکار می برد.

هفته پیش، در واشنگتن، در فرام سیاسی، شاقول مفاز، معاون نخست وزیر اسرائیل گفت: حال که دستگاههای اطلاعاتی اسرائیل و آمریکا

و اروپا به مدارکی دست یافته اند حاکی از این که ایران قصد دارد بمب اتمی تولید کند، اسرائیل به خود اجازه می دهد روشی را در پیش بگیرد که هربار موجودیت خود را در خطر دیده بکار برده است. او با استناد به قول احمدی نژاد (اسرائیل از صفحه تاریخ حذف خواهد شد)، افزود: اسرائیل نمی تواند تن به خطر هلوکاست دیگری بدهد.

● مدتها است که مقامات اسرائیل بر سر این پرسش: آیا اسرائیل می تواند تأسیسات اتمی ایران را نابود کند یا خیر، با یکدیگر تبادل نظر می کنند. آنها به این نتیجه رسیده اند که کار بسیار مشکل تر از بمباران نیروگاه اتمی عراق در ۱۹۸۱ و یا تأسیسات اتمی اسرائیل در سال گذشته است. ایران مراکز اتمی متعدد دارد که در سراسر کشور پخش هستند. برخی از آنها در زیر زمین هستند. هرچند بمباران تأسیسات سوریه اخطار به ایرانیها بود: اسرائیل تأسیسات اتمی شما را نیز بمباران خواهد کرد.

سرتیپ آهارون زیوی فرکش، رئیس پیشین اطلاعات ارتش اسرائیل می گوید: برای اسرائیل تأسیسات اتمی ایران هدفی نیستند که نتواند به آن حمله کند.

با وجود این، حمله به ایران کاری نیست که اسرائیل بدون موافقت آمریکا بدان دست زند. از قرار، حکومت بوش برای بیرون آوردن اسرائیل از نگرانی، هفته گذشته، به اهود باراک، وزیر دفاع اسرائیل اطمینان داده است که گزینه نظامی را از روی میز برنداشته است. افزون بر این، سیستم جدید تشخیص موشک بنام X-Band در اختیار اسرائیل گذاشته است. این سامانه به اسرائیل امکان می دهد هرگونه حمله موشکی ایران را بی اثر کند.

* رایس: آمریکا حمله نظامی اسرائیل به ایران را وتو نمی کند:

◀ ها آرتس (۷ اوت) اطلاع داده است که کندولیزا رایس، وزیر خارجه آمریکا، در مصاحبه با یاهو نیوز، از قول خود که آمریکا اسرائیل را از حمله نظامی به ایران باز می دارد، بازگشته است: «ما به گزینش نظامی اسرائیل نه بله و نه نه گفته ایم. اسرائیل یک کشور مستقل است.»

وزیر خارجه آمریکا بر اهمیت روش دیپلماتیک برای حل مسئله اتمی ایران، تأکید کرد و گفت: ما با اسرائیل تماس بسیار نزدیک داریم و از روش دیپلماتیک که در پیش گرفته ایم، صحبت می کنیم.

● او که یک روز بعد از پاسخ ایران مصاحبه می کرد، گفت: آمریکا گزینه نظامی اسرائیل را وتو نمی کند. از او خواسته شد نظر خود را در باره قول سیاستمداران اسرائیل در باره استفاده این کشور از راه حل نظامی برای جلوگیری از مسلح شدن ایران به سلاح اتمی، بگوید و او گفت: اسرائیل گفته است که دیپلماسی می تواند موفق شود. من میدانم که اسرائیل برای کشورهای دوست خود توضیح می دهد چرا می باید دیپلماسی ما برندگی داشته باشد.

«پرونده اتمی را ببندید»!

● در ۱۷ اوت، لشکر ضد هوایی اسرائیل تمرین وسیعی را بعمل آورد. هدف از آن، آمادگی برای مقابله با حمله سوریه یا حزب الله و یا ایران است. در عین حال، هدف از این تمرین نظامی این بود که حمله ها از کشورهای مختلف را دفع کند.

● در ۱۳ اوت، اهود باراک، وزیر دفاع اسرائیل، گفت: در حال حاضر، آمریکا مخالف هرگونه حمله نظامی به تجهیزات اتمی ایران است!؟

* واشنگتن پست (۸ اوت): بنا بر مطالعه ای، حمله به ایران این کشور را بر تولید بمب اتمی مصمم می کند:

◀ یک مطالعه که توسط خبرگان نظامی انجام گرفته بر اینست که حمله نظامی به ایران بسا تولید بمب اتمی را به تأخیر می اندازد ولی در عوض، رژیم این کشور را به تولید بمب اتمی مصمم می کند:

● مؤسسه علوم و امنیت بین المللی خاطر نشان می کند که تأسیسات اتمی ایران پراکنده و حمایت شده اند. خساراتی که از راه حمله هوایی می تواند به این تأسیسات وارد شود، به سرعت قابل جبران است. به دنبال حمله به این کشور، مقامات آن می توانند سانتریفوژها را در تأسیسات کوچک و قابل پنهان کردن همساز کنند و اورانیوم را به اندازه لازم برای تولید بمب اتمی غنی سازند.

● گزارش که قرار است امروز (۸ اوت) انتشار پیدا کند، در قسمتی، بر مقایسه تأسیسات اتمی ایران با نیروگاه اتمی اوزبراک عراق - که اسرائیل آن را در ۱۹۸۱ ویران کرد - بنا شده است. داوید آلبرایت که انجام دهنده اصلی این مطالعه است و دو همکار او، پل برانان و ژاکلین شیر می گویند: بمباران تأسیسات اتمی ایران، از جهات گوناگون، مشکل تر است.

محل غنی سازی اورانیوم نطنز است. برغم این که تأسیسات زیر زمین نصب شده اند و در حمایت استحکامات هستند، در صورت حمله هوایی، با بمبهای مخصوص نفوذ در استحکامات بتونی و انفجار در عمق زمین، آسیب جدی خواهند دید. اما سانتریفوژها در بنای زیر زمینی مخفی دیگری می توانند نصب شوند و بکار افتند. دانسته است که ایران، در نطنز، زیر کوه و در نقاط دیگر، استحکامات زیر زمینی ساخته است.

● زمانی ایران تکنولوژی و تجهیزات اتمی را وارد می کرد اما اینک بمقیاس وسیع خود کفا است. کارگاه هایی که قطعات اصلی را می سازند نیز در سطح کشور پراکنده اند. و نیز، قطعات لازمی که می باید وارد می شدند، در سالهای پیش، وارد و انبار شده اند.

● از سال ۲۰۰۶ بدین سو، ایران به آژانس بین المللی انرژی اتمی اجازه داده است تأسیسات اتمیش را بازرسی کند. با وجود این، کشورهای غرب نمی توانند بگویند برخی از تجهیزات مهم کجا نصب شده اند.

● معلومات موجود از این تأسیسات کمبودهایی دارند. بدون رفع این کمبودها، حمله نظامی ایران را از غنی سازی اورانیوم محروم نمی کند.

علاوه بر این، برای روحانیان حاکم بر ایران، محبوبیت زیاد نیز تدارک می کند. به همکاری ایران با آژانس بین المللی انرژی اتمی بسا پایان می دهد و احساسات ناسیونالیستی را تقویت و رژیم ایران را به تولید بمب اتمی مصمم می گرداند.

* مطالعه کارشناسان نیروی هوایی آمریکا به این نتیجه رسیده است که حمله به تأسیسات اتمی ایران برای آمریکا پی آمدهای منفی دارد:

◀ ایتر پرس سرویس (۶ اوت) از مطالعه ای خبر می دهد که کارشناسان نیروی هوایی آمریکا، در ۹ ژوئیه، همان روز که ایران موشکهای خود را آزمایش می کرد، در اختیار فرماندهی نیروی هوایی قرار داده است. بنا بر این مطالعه،

● عنوان این مطالعه، «آسیب پذیریهای سیاسی و جمعیتی و اقتصادی ایران» و در ۱۵۶ صفحه است. گزارش از حکومت آمریکا می خواهد هدف سرتگون کردن رژیم را رها کند. و گروههای قومی ایران را از عصبان بر ضد رژیم منصرف کند. زیرا نتایج معکوس ببار می آورند.

● آمریکا می باید شکیبانی رویه کند و در پی ایجاد شرایط لازم برای برقراری رابطه با رژیم ایران شود. همانند سیاستی که آمریکا با شوروی سابق در پیش گرفت، با ایران نیز می باید رابطه با رژیم کنونی را با برانگیختن بحث میان ایرانیان و تماس بیشتر میان ایرانیان و امریکائیان، توأم کند.

● تغییر جامعه ها و حکومتها: آمریکا مهارتی دارد در جهت مساعدت بخشیدن به تحول در ایران. اما این سیاستها زمان طولانی می طلبند برای اینکه ببار نشینند. ایران در راه رسیدن به یک قدرت اتمی است. در باره حمله نظامی به ایران فراوان صحبت می شد. به دنبال دیدار مقامات اسرائیل از آمریکا، صحبت در این باره بازمی بیشتر شده است. اما چنین حمله خواه از سوی اسرائیل و چه از طرف آمریکا نتایج خلاف هدف تصمیم گیرندگان به حمله ببار می آورد. از این رو، دریا سالار مایکل مولن، رئیس ستاد ارتش آمریکا، با آن مخالف است.

● در عوض، مجازات اقتصادی و ممنوع کردن صدور تکنولوژی پیشرفته به ایران می توانند در به نتیجه رسیدن گفتگوهای آینده با ایران مؤثر شوند. و نیز می باید معاملات با بانکهای ایران را ممنوع کرد و کشورهای دیگر را واداشت که چنین کنند. اینگونه اقدامات حمایت مردم ایران را از رژیم کاهش می دهند و بسا موجب سرتگونیش می شوند.

● حال آنکه حمله نظامی به ایران موجب بالا رفتن قیمت نفت و افزایش حمایت مردم از رژیم می شود. افزایش قیمت نفت به رژیم ایران امکان می دهد خرابی های ناشی از بمباران ها را مرمت کند و به اجرای برنامه اتمی خود ادامه دهد.

● گزینش دیگر حمله به ترمینال خارک و جلوگیری از صدور نفت ایران از طریق تنگه هرمز است. این

اقدام اثر ویرانگری بر اقتصاد ایران دارد. اما محتمل است همبستگی ایرانیان با رژیم این کشور را بیشتر کند. و بسا سبب حمله ایران به کشتی های نفت خیز و افزایش بهای نفت شود.

● عملیات مخفی نیز می باید رها شوند. حمایت از گروههای مخالف اقلیت های قومی همانطور که مشاهده می کنیم بی نتیجه است. زیرا قوای ایران نشان دادند که به سرکوب این گروهها توانا هستند. بنا بر این، حمایت از گروههای قومی و مخالفانی که خشونت را روش کرده اند، بجای آنکه تغییرهای مثبت در سیاستهای رژیم را برانگیزد، قوای سرکوب ایران را بر زندگی مردم ایران مسلط تر می کند.

● واشنگتن می باید توان خود را صرف بوجود آوردن شرایط مساعد با ایران بپورالبت کند. تحقق این هدف نیاز به تهیه و اجرای برنامه هایی دارد که تماس میان شهروندان ایرانی و امریکائی را بیشتر کنند. می باید رویه صبورانه تری در قبال رژیمی در پیش گرفت که بیشتر ایرانیان آن را مشروع می دانند.

● گزارش همچنین می خواهد که حکومت آمریکا از کوششهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول برای این که ایران اقتصاد سالم تری پیدا کند، و نیاید مانع از عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی شود.

* هشدار مصر به اسرائیل در باره پی آمدهای حمله نظامی به ایران:

◀ در ۶ اوت، وزیر امور خارجه مصر، احمد ابوقیس به اسرائیل نسبت به هرگونه حمله نظامی به ایران هشدار داد. وی در مصاحبه با تلویزیون نیل، نسبت به واقعی بودن قصد حمله به ایران اظهار تردید کرد. با این وجود، در باره احتمال حمله اسرائیل به ایران اینطور اظهار نظر کرد: حمله یک جانبه اسرائیل به ایران موفقیت آمیز نخواهد بود. خسارت بسیار برای اسرائیل و تمامی منطقه ببار خواهد آورد. غرب می باید برای مشکل اتمی ایران، راه حل دیپلماتیک پیدا کند. با توجه به این امر که ایران حق دارد از اتم استفاده صلح آمیز کند.

* قذافی به سران رژیم هشدار می دهد: سرنوشت صدام و همکاران صدام در انتظار شما است:

◀ به گزارش خبرگزاری فرانسه (۵ اوت) قذافی، در تونس، رفتار تبختر آمیز سران رژیم ایران را در مورد پرونده اتمی، انتقاد کرد و به آنها هشدار داد که سرنوشتی نظیر سرنوشت صدام حسین ممکن است در انتظار آنها باشد.

رویه ایران، در امتناع از همکاری با غرب برای حل مشکل اتمی، تنها از تبختر مابه می گیرد.

* کریستین ساینس مونیتور (۶ اوت): مجازات ایران موضوع مبارزات انتخاباتی می شود:

◀ نکات عمده گزارش کریستین ساینس مونیتور بدین قرارند: ● پاسخ ایران به ۶ کشور، برنامه اتمی در صفحه ۸



ایران را موضوع رقابت دو نامزد ریاست جمهوری کرده است. در نامه ۵ اوت خود، ایران خواهان ادامه گفتگو شده است اما به دو پرسش سولانا پاسخ نداده است. «توقف از دوسو» پیشنهادی است برای ورود در بحث پیرامون برنامه هسته ای ایران. برابر پیشنهاد ۶ کشور، ایران در ازای امتیازها که دریافت می کند، غنی سازی اورانیوم را رها می کند.

● رد پیشنهاد «توقف از دو سو»، سبب می شود که ۶ کشور در پی تهیه قطعه‌نامه چهارم حاوی مجازاتهای جدید شوند. چین و روسیه شوقی به رساندن قطعه‌نامه چهارم را ندارند. آلمان نیز چندان تمایلی به این کار ندارد. اینطور که دیپلماتها می گویند در ماه های سپتامبر و اکتبر، ۶ کشور به مشاوره با یکدیگر

برای تهیه قطعه‌نامه چهارم می نشینند. ● به نظر برخی از کارشناسان، امریکا برای به تصویب رساندن قطعه‌نامه چهارم در موقعیت بهتری است. جون ولف استال، کارشناس مرکز مطالعات استراتژیک و بین المللی توضیح می دهد: این موقعیت بهتر مروهون گسیل شخص سوم وزارت امور خارجه امریکا، به ژنو، برای حضور در گفتگوی ۱۹ ژوئیه، با هیات نمایندگی ایران است. با انجام آن کار، امریکا موقعیت قوی تری یافته است و دلیلش (ایران تحت فشار کافی قرار ندارد اینست که بسته پیشنهادی ۶ کشور را رد می کند و می باید قطعه‌نامه ای شامل مجازاتهای بیشتر به تصویب رساند) مجاب کننده است. او می افزاید: هرگاه کشورهای ۵ + ۱ نتوانند قطعه‌نامه چهارم را تهیه و به تصویب شورای امنیت برسانند، ایران به این نتیجه خواهد رسید که پیروز شده است.

● با توجه به بهای نفت، کارشناسان بسیاری از خود می پرسند: آیا مجازاتها می توانند اثری بر اقتصاد ایران داشته باشند؟ اقتصاد دانان بسیاری می گویند ایران می تواند مجازاتها را تحمل کند. الا این که رهبران ایران خواستار آن نیستند که بازرگانی بین المللی کشور گرفتار تضییق های بیشتری گردد.

● نه تنها بحث زود رس شورای امنیت در باره قطعه‌نامه جدید در باره ایران، مبارزات انتخاباتی دو نامزد ریاست جمهوری را تحت تأثیر قرار می دهد، بلکه کارشناسانی چون ولف استال بر این نظر هستند که در ماه سپتامبر، آژانس بین المللی انرژی اتمی گزارش دیگری در باره فعالیتها اتمی ایران ارائه خواهد کرد. معاون آژانس به تهران می رود. سخنگوی آژانس نگفت مقصود از سفر اولی هینونن به ایران چیست. خبرگزاری ایسنا می گوید هینونن بمدت سه روز در ایران بسر خواهد برد و سفر او برای ترتیب بخشیدن به بازرسی آژانس است.

با توجه به این امور، تقیث آژانس هر نتیجه ای ببار آورد و محتوای قطعه‌نامه ای که شورای امنیت پیشنهاد می شود هر چه باشد، ایران موضوع تبلیغات ریاست جمهوری دو نامزد گشته است.

● ولف استال توضیح می دهد: با فرستادن معاون وزارت خارجه امریکا به ژنو، برای شرکت در گفتگو با ایران، پرزیدنت بوش موضع مک کین، نامزد ریاست جمهوری از حزب جمهوریخواه را تقویت کرده است. و هرگاه نتیجه حاصل نشود، مک کین می تواند بگوید: برغم تقلای بسیار، دیپلماسی نتیجه نداد.

«پرونده اتمی را ببندید»!

* جنگ در گرجستان و سربر آوردن روسیه بعنوان قدرت جهانی و موقعیت رژیم پیشاروی امریکا و روسیه از دید استراتفور:

◀ در ۱۱ اوت، استراتفور تحلیلی در باره اثرات جنگ در گرجستان و ورود ارتش روسیه به صحنه و اثر آن بر موقعیت ایران در قبال امریکا و روسیه انتشار داده است با این نکات در خور توجه:

● روسیه با دست زدن به اقدام نظامی در گرجستان، پیام روشنی به غرب داد: در اروپا و آسیا منطقه نفوذ دارد و در این منطقه نفوذ، منافعی برای امریکا و غرب که مزاحم منافع روسیه باشد، نمی شناسد.

● اقدام نظامی روسیه روشن کرد که از امریکا، کاری جز محکوم کردن و مراجعه به شورای امنیت بر نمی آید. روسیه می داند با وجود گرفتاری امریکا در عراق و افغانستان، کاری از امریکا ساخته نیست.

● ورود روسیه به صحنه جهانی، بمنابۀ قدرتی که برای خود در آسیا و اروپا منطقه نفوذ قائل است و در این منطقه از بکار بردن زور نیز ابائی ندارد، ایران را در موقعیت جدیدی قرار می دهد:

● اسرائیل اصرار دارد روسیه سیستم موشکی ضد هوایی در اختیار ایران قرار ندهد. بسا در ازای عدم فروش اسلحه به کشورهای که روسیه آنها را محدود کرده نفوذ خود می شناسد، بتواند موافقت روسیه با عدم فروش سیستم موشکی به ایران را به دست آورد. بخصوص که روسیه با نقشی که به خود می دهد، موافق قدرت غیر قابل مهار شدن ایران با امکان نفوذ در آسیای میانه نیست.

● آمریکا اینک در می یابد هرچه زودتر می باید خود را از بند عراق و افغانستان رها کند تا بتواند در جهان نقشی را که از آن خود می داند، ایفا کند. اما این رها شدن، در آنچه به عراق مربوط می شود، در گرو گفتگو با ایران است:

● قسمت مشکل گفتگو برسر عراق انجام گرفته است. میزان خشونت در عراق، در پی معامله آمریکا با سنی ها و نیاز ایران به مهار کردن گروههای مسلح شیعه عراق، کاهش یافته است. با وجود این، مسائلی هنوز بر جایند که می باید از راه گفتگو راه حل بجویند. حل این مسائل از راه مذاکره میسر است. چرا که هر دو طرف می بینند نیاز دارند در حل این مسائل درنگ نکنند.

● اما از رهگذر جنگ در گرجستان، ایران می بیند که روسیه در منطقه قفقاز بزبان منافع غرب در این منطقه، به اقدام نظامی دست زده است. بدیهی است مایل است از فرصت استفاده کند و روسیه را بر آن دارد که اسلحه، از جمله سیستم موشکهای ضد هوایی S-300 را به او تحویل دهد. اما ایرانیان بسا ترکان آند که روسیه فروش اسلحه مطلوب آنها را سالها به تأخیر بیاندازد. هیچ معلوم نیست که روسیه بخواهد این اسلحه را به ایران بفروشد. آنهم بعد از آنکه وزیر دفاع اسرائیل گفت: در چند سال گذشته، به اسرائیل سخت افزار

نفرورخته است. در ۱۰ اوت، زروزالم پست، از قول یک مقام وزارت دفاع اسرائیل، نوشت: ماهها پیش اسرائیل به این نتیجه رسیده بود که خصومت میان گرجستان و روسیه کار را به جنگ می کشاند. از این رو، فروش اسلحه به گرجستان را به حداقل کاهش داد بدین خاطر که باب گفتگو با روسیه را بر سر فروش سامانه موشکی روسیه به ایران باز کند. در حقیقت، اسرائیل می خواهد در ازای خودداری از فروش اسلحه به کشورهای واقع در حوزه نفوذ روسیه، روسیه نیز از فروش اسلحه به دشمنان اسرائیل، یعنی ایران و سوریه خودداری کند.

● ایران نیز در یافت که در موقعیتی نیست که از سوئی از امریکا بخواهند قوای خود را از منطقه خارج کند و در همان حال از پس تهدید رو به افزایش روسیه برآید. فرصتی کوتاه و مهم در اختیار ایران قرار گرفته است: امریکا دستش در عراق و افغانستان بند است و بخاطر نزدیک بودن انتخابات ریاست جمهوری آسبب پذیر است. لذا، این موقعیت، مناسب ترین فرصت مذاکره با امریکا است. علی لاریجانی نیز از این واقعیت آگاه است. او در سخنرانی ۱۰ اوت خود برای افسران سپاه پاسداران، از قرار گرفتن امریکا در موقعیت انجام یک معامله استراتژیک در خاورمیانه، سخن گفت. باید دانست که با قوت گرفتن روسیه، امریکا آسودگی خاطر خود را از دست خواهد داد.

موقعیت ژنو پلیتیک ایران و امریکا را بر آن می دارد که در کار حل مسائل بجا مانده عراق شتاب کنند. انقلاب اسلامی: این رژیم فرصت سوز است و از راه فرصت سوزی است که برپا است. بناچار به فرصت سوزی ادامه خواهد داد و بار دیگر ایران را میان دو سنگ آسیاب قرار خواهد داد. مافیایا جز به منافع روز خود نمی اندیشند:

یکچند از قاضیان عضو مافیای حاکم بر قوه قضائیه:

* نامه عبرت آموز پسندیده برادر خمینی، به خمینی:

جنایات قوه قضائیه به حدی بود که برادر بزرگ آقای خمینی در نامه ای به او اینچنین به فریاد آمده است. "... آیا این ناله ها را شما می شنوید؟ روزی که آن سید بیچاره بنی صدر را که فقط قصد خدمت داشت و خود شما صد بار گفته بودید که از فرزند به من نزدیکتر است: با آن افتضاح از ریاست جمهوری خلع کردند و یک بدبخت بدعاقبت را که اداره یک کاروانسرا هم از عهده اش بر نمی آمد به ریاست جمهوری این مملکت بزرگ و معتبر تعیین کردند: به شما گفتیم این شیاطین قصد دیگری دارند و می خواهند از این عروسک برای اجرای مقاصد خود استفاده کنند. روزی که دستور دادید همه صندوقها را به نام

علی آقا خامنه‌ای باز کنند؛ من و دو سه آدم دلسوز که حداقل یکیشان؛ یعنی شیخ علی آقا تهرانی بیست سال شاگرد خاص و مورد محبت شما بود؛ به شما نوشتیم که این انتخاب ایران را بر باد میدهد؛ گوش نکردید و حالا می بینید آنچه نباید می دیدید. این همه خونها ریخته شد؛ اینهمه جنایات وقوع پیدا کرد که از ذکر آن به خود می لرزم که مبادا قطره ای از این خونها به سبب اخوت من و شما دامن مرا بگیرد؛ فقط برای اینکه شما به جای گوش سپردن به آنها که هم به اسلام و هم به ایران علاقه مند بودند؛ گوش به شیاطین دادید. این چه معنا دارد که ما اسلحه از اسرائیل بخریم و بعد از جنگ با اسرائیل و تحریر جنوب لبنان سخن بگوییم؟ بنده در مورد جنگ و مسایل آن حرف نمی زنم که خود مثنوی هفتاد من کاغذ است؛ فقط می گویم آیا به گوش شما نمی رسد که بعضی از نور چشمیها چه دست اندازیه‌ها به بیت‌المال مسلمین به اسم جنگ و کمک به جنگ زدگان کرده‌اند؟ بیش از ۳ ماه است بنده برای دیدن شما وقت خواسته‌ام ولی دفتر شما مرتب می گویند وقت ندارید. آنوقت هر روز ملای فلان ده و دادستان بهمان قصه را به حضور می پذیرید. چون لابد به جز مدح و ثنا نمیگویند و بدبختانه شاید چون خداوند تبارک به من لسان مداحی نداده حتی باید از برادر خود محروم بمانم. حال روزنامه ها یک روزه یک شیخ را آیت العظمی می کنند و دیگری را افقه الفقها. آن شیخ گیلانی جلال آیت‌الله می شود و دسته دسته تقه الاسلام و حجت‌الاسلام از کارخانه حکومتی بیرون می آید. اسمش را هم گذاشته‌اند حکومت جمهوری اسلامی و مسرورید که حکم خدا را در زمین اجرا کرده‌اید؟ خوشا به سعادت آنها که همان روزهای نخست رفتند و این روزها را ندیدند. من نیز دیر و زود می روم. تنها، وحشتم برای شماست.

نامه آیت الله مرتضی پسندیده به آقای خمینی، ۱۵ مرداد ۱۳۶۲ مطابق با ۲۵ شوال ۱۴۰۳ قمری

* دو دور کشتار جوانان توسط «قضات شرع»

در دو نوبت قضات و حکام شرع قوه قضائیه دست به تصفیه خونین و سرکوب و اعدام جوانان کشور که مخالف استبداد فقیه بودند زدند:

● افراد شاخص در دور اول مأمور اعدام جوانان در جریان کودتای سال ۶۰:

محمد بهشتی، یوسف صانعی، دادستان کل دیوان کشور، محمد مؤمن، عبدالله جوادی آملی، علی قدوسی و موسوی اردبیلی، رئیس شورای عالی قضایی و اعضای آن، محمد محمدی گیلانی، رئیس حکام شرع، حاکم شرع زندان اوین و اسدالله لاجوردی، دادستان دادگاه انقلاب تهران و رئیس زندان اوین و ربانی املشی، دادستان کل و علی قدوسی، دادستان دادگاه انقلاب کشور و محمد حسین موسوی تبریزی، دادستان کل دادگاه انقلاب بعد از مرگ قدوسی و فهیم کرمانی، نماینده موسوی تبریزی در زندان اوین و علی رازینی، دادستان انقلاب نخست در کرمانشاه و سپس در مشهد و

پور محمدی، معاون علی رازینی در جنایات مشهد و روح الله حسینیان، دادیار ناظر و معاون پور محمدی در مشهد و افرادی از جمله اراکی و جنتی و محمد یزدی و ریشهری و خلخالی و...

● افراد شاخص در دور دوم مأمور اعدام زندانیان سیاسی در سال ۶۷:

شورای عالی قضایی در آن سال بر عهده افراد زیر بود:

مرتضی مقتدایی که هنوز در مناصب قضایی مشغول به کار است و سید عبدالکریم موسوی اردبیلی که در حال حاضر به آیت الله العظمی تبدیل و اصلاح طلب شده است و محمد موسوی خوئینی ها که در حال حاضر اصلاح طلب شده است و سید محمد موسوی بجنوردی او نیز از نظام بریده و به تدریس پرداخته است و سید محمد حسن موسوی شوشتری که کما فی السابق در همان کار است اما گویا بازنشسته شده است و (حسینعلی) جعفر نیری که حاکم شرع زندان اوین و معاون قضایی شورای عالی بود و مرتضی اشراقی که دادستان کل تهران بود و به دستور خمینی جهت تسریع در اعدامها منصوب شده بود و صدیقی، از اعضای نظام قضایی ولایت فقیه و غلامحسین محمدی گلپایگانی که در حال حاضر رئیس دفتر خامنه ای است و محمود هاشمی شاهرودی که در حال حاضر رییس قوه قضائیه است و حسین مفید، از اعضای مافیای قضایی و عباسعلی عزیزاده که به دلیل جرمهای بسیار جاسوسی و مالی و اخلاقی برکنار شده است و قربانعلی دری نجف آبادی که کمافی السابق به قوه قضائیه سنجاق شده است و علی یونسی که در حال حاضر عضو هیات امنای موسسه باران است و اسماعیل شوشتری که کمافی السابق در قوه قضائیه می باشد و علی مبشری که همچنان یک دوره در میان رییس دادگاههای انقلاب می باشد و ابراهیم ریسی که همچنان در قوه قضائیه است و معاون رئیس قوه قضائیه می باشد و افرادی چون ابراهیم رازینی و علی رازینی و فلاحیان و حسینیان و پور محمدی ورهبر پور و ریشهری و محسنی اژه ای و نمازی و....

* معرفی برخی از مقامات قضایی در ایران از بعد از انقلاب:

در این معرفی نامه، نامهای افرادی فهرست می شوند که در دوران پس از انقلاب در قوه قضائیه و یا در ارتباط با آن قوه بوده اند. بعضی از آنها مرده و یا کشته شده اند. اما از آنجا که می خواهیم فهرست را هر چه کامل تر در اختیار قراردهیم، نام مرده ها و کشته شده ها را نیز می آوریم:

۱- سید محمد حسین اصفهانی معروف به بهشتی، دبیر کل حزب جمهوری اسلامی ایران، اولین رییس دیوان کشور و رییس شورای عالی قضایی او از سران کودتای خرداد ۶۰ و از جمله مروجان خشونت و جنایت بود و با هر حیل و نیرنگ دیگران را وادار به خشونت و جنایت می کرد. اخیرا اسنادی از روابط وی با امریکایی ها منتشر شده است. در حالی که در همان زمان که اسناد در دست دانشجویان بود، وجود روابط میان او و آمریکا، بر خمینی معلوم بود زیرا اسناد سفارت امریکا در باره بهشتی در ۹ صفحه ۹



اختیار او قرار گرفته بود، همه کودکان مگر آن شده بودند. در همان زمان، محمد منتظری فرزند آیت الله منتظری، با توجه به اسنادی که در اختیار داشت ارتباط او با امریکاییان را محرز می دانست اما هنوز زمان حذف بهشتی نرسیده بود. از این رو، محمد منتظری را دیوانه خواندند و به این شایعه دامن زدند و حتی پدر وی را نیز مجبور کردند بگویند او مشکل روانی داشت.

طرفه این که محمد منتظری حق السکوت گرفت و نماینده مجلس شد و به دنبال اعتراض بنی صدر به وجود انواع زندانها و شکنجه در زندانها، خمینی از محمد منتظری خواست شکنجه در زندانها را تکذیب کند.

۲- حجت الاسلام محمدی گلیاگانی، رییس کنونی دفتر خامنه ای، از حکام شرع در ابتدای انقلاب، معاون واواک و نماینده رهبری برای ارتباط با رؤسای سه قوه در حال حاضر است.

او در سال ۶۷ از جمله مسئولان اعدامها بود. محمدی گلیاگانی سالهاست که در کنار خامنه ای در کلیه جنایات و اعدامها و سرکوبها دخالت مستقیم دارد. جالب اینکه همسر وی پرستار انگلیسی است و عروس وی دختری ایرلندی هستند.

البته در جریان کشف هویت جاسوسان هسته ای معلوم شد که پرستار انگلیسی با کسی که او نیز انگلیسی بوده، ارتباط داشته و اطلاعات را به او می داده است. به محض اینکه واواک خواستار دستگیری وی شد او را از ایران خارج کردند.

۳- آیت الله خزعلی از بنیانگذاران خشونت در ایران و قاضی و محاکمه کننده بسیاری از جوانان در سالهای شصت به بعد و حالا مسئول موسسه بین المللی الغدیر و از عوامل پشت پرده سرکوبها.

فهرستی از کارهای او: اعدام جوانان در خوزستان و دستور حمله به دانشجویان در دانشگاه اهواز و محاکمه اندیشمندان و دگر اندیشان در سالهای اول انقلاب و یک نمونه از قضاوت های این قاضی و حاکم شرع:

وی بعد از انقلاب به محاکمه دگر اندیشان می پردازد و در مورد اعدام آشوری می گوید: خاطره ای که دارم مربوط به حبیب آشوری است. من این مرد را با توجه به یکی از آثارش به ۱۳ مورد ارتداد محکوم کردم. مثلاً در رابطه با صفت رحمان گفته بود که

رحمت همین ابر و باران و چیزهای ظاهری است. در حالی که رحمان موجود مستقل به ذات و مشرف بر همه موجودات است. (دلیلی محکم تر از این بر ارتداد و اعدام یک انسان می توان یافت؟! وی می گوید: روزی بهشتی در مورد آشوری از من پرسید آیا در مورد او تند روی نکردی؟ گفتم: نه هیچ عجله ای در کار نبوده است. رحم دلی ایشان حتی در باره چنین مرتدی در خور تحسین است! (خاطرات آیت الله خزعلی، ص ۱۵۲).

لازم به یاد آوری است که بر اساس مندرجات نامه قابل به خامنه ای، نویسنده اصلی کتاب توحید که سبب اعدام آشوری شد، خامنه ای بوده است. او آشوری را متهم کرده بود که نوشته های وی را به نام خود به چاپ رسانیده است. خزعلی آشوری را اعدام کرد و به خامنه ای بعنوان رهبر تعظیم کرد!

برخی اظهارات آیت الله خزعلی: ● «اگر دین، دین خشونت نیست، پس چرا پیامبر جنگ کرد؟ می گویند چرا روزنامه ها را تعطیل کردند. یا للعجب! می گویند چرا توهین کننده های به

«پرونده اتمی را ببندید»!؟

امام حسین را تعطیل کردید. این روزنامه ها برای جوانی که قبل از عید کشته شد یک خط نوشتند در عوض برای عبدالله نوری ۱۷ هزار برابر امام نوشتند... برای شهردار منحرف ۱۰ هزار برابر امام نوشتند...»

● «جهاد یعنی ریختن خون دشمن هنگامی که عقاید مردم را سست کند.

امر به معروف یعنی خانم چهرهات را بپوشان، این چه حرفی است که می گویند اگر مردم خواستند. مردم چه کاره اند؟ مردم احکام خدا را اجرا می کنند. مردم محترم و عزیزند اما برای اجرای احکام خدا، نه برای پر هم زدن احکام خدا.» (یا لثارات الحسین، شماره ۸۰، ص ۴).

● «این روزنامه های جدید «ولد

حرام» هستند. من یقین دارم که از آمریکا دستور دارند که در ایران به مقدسات توهین کنند و توهینی که طی این ۲ سال اخیر به مقدسات شده در طول تاریخ حکومت «آریامهری» نشده است... امروز دیگر وقت سکوت نیست مثل دوران نواب صفوی است که یکی از انقلابیون آن زمان قصد کشتن کسروی را کرد. وقتی در خیابان توانست او را به قتل برساند در دادگاه کسروی را با یک پاره آهن کشت، امروز هم مثل همان دوران است.» (روزنامه خرداد ۷/۷/۷۸)

«عید واقعی عید غدیر است و اگر عید نوروز را عید واقعی بدانیم در آن دنیا چگونه جوابگوی حضرت علی (ع) باشیم؟»

● در مورد آقاچری و خانمی گفته است: «آقای با کمال وقاحت گفت مارکس گفته است که دین تخدیر جامعه است. من می گویم دین تخدیر جامعه و ملت است» و به ائمه توهین کرد. تو مردک به ائمه توهین می کنی؟ قاضی نوشت مرتد است. کسی که این طور توهین کند چیز دیگری افزون نکوید. بعد آقای (خانمی) گفت این مرد مورخ متدین جایش خالی است و من هم در خبرگان عرض کردم بله جایش خالی است در قبرستان. چون حکم اولیه اعدامش صادر شده آن هم نه در قبرستان مسلمان، قبرستان لائیک و مردم بی دین.»

● «ما یک روزنامه خوب در کشور داریم که آئیم کیهان است. من در ابتدای ریاست جمهوری آقای خاتمی به ایشان گفتم: اینقدر آزادی ندهید! این اشتباه است. اما ایشان اذعان داشتند دین را باید طوری تفسیر کرد که به آزادی لطمه نزند. حالا دیدید چطور شد روزنامه نویسان سلام و خرداد و صبح امروز و نشاط قلم آمریکا و اسرائیل و ترکیه را لای انگشتان می فشارند. (کار و کارگر ۳۰ تیر ۷۸)

● در مورد احمدی نژاد شهردار می گوید: «امام (ره) جوانها را از کنار دریای خزر به اروند رود و در مقابل مسلسل های صدامی کشاند. آنجا شهوت رانی بود و اینجا شهادت. آن جوانان با شوق آمدند و این فتح نمایان را کردند. هم اکنون یک شهردار لایق با زندگی ساده و خدمت شایان روی کار آمده که شور و شوق فراوانی در مردم بوجود آورده آنها انسانهای فوق العاده ای نیستند اما انسانهای دین باور و در مقام خدمت به مردمنده.» (گفتگوی با خبرگزاری دانشجویان - ایسنا).

وی که در اوایل انقلاب فاقد حتی خانه مسکونی شخصی بود به یمن حضور در کنار رهبران نظام و دیدن خوابهای امام زمانی و داشتن فرزندان تاجر و انشارانی و... صاحب میلیاردها تومان سرمایه مردم ایران شده است. علاوه بر این دارایی ها، او صاحب معادن خاک سرخ در خلیج فارس می باشد که توسط یکی از فرزندان او که دارای کشتی های تجارتهای است از این معادن بهره برداری می کند. او صاحب بنیاد پر سرمایه الغدیر است که از سوی احمدی نژاد حمایت کامل می شود و نماینده ای تام الاختیار در این بنیاد جهت رفع مشکلات مالی و سیاسی آن گماشته است.

۴ - آیت الله عبدالکریم موسوی اردبیلی، نخست دادستان کل و سپس رئیس شورای عالی قضائی و رئیس دیوان کشور و کسی که در ماجرای ۱۴ اسفند، مانند محمد یزدی، برکتهای حاوی گزارشهای جنایت ها و فسادهایش بر پرونده سراسر جنایت و فساد قوه قضاییه افزوده است. او اگر در جریان اختلاس ۵۰۰ میلیونی اش در همان زمان لو نمی رفت و خود را برای رهبری از خامنه ای اصلح نمی شمرد، هم اینکه در مقام ریاست قوه قضاییه قرار داشت نه اینکه برود و دانشگاه مفید باز کند و بشود آیت العظمی. فهرستی از اعمال این آیت الله فعلا اصلاح طلب:

● صدور احکام اعدام برای بسیاری از جوانان ایران و ایجاد دادگاه قلایه برای محاکمه مبارزان. و حرف شنوی از هاشمی رفسنجانی بر ضد بنی صدر در ماجرای ۱۴ اسفند و انتشار کتاب ۱۰۰۰ صفحه ای غائله ۱۴ اسفند که سندی ماندگار از دوران سراسر خیانت و جنایت و فساد خمینی است. رییس دیوان عالی کشور و باز گردان دستگاه قضائی به دوران پر فساد شاه و البته پیشی گرفتن در فساد و جنایت. و ریاست دیوان عالی کشور در زمان اعدامهای سال ۶۷. و سخنرانی در نماز جمعه و حمایت از اعدام زندانیان سال ۶۷.

او، بعدها که برکنار شد، به سوی اصلاح طلبی رفت و حالا دم از آزادی خواهی و مردمسالاری می زند. او حدود دهها حکم اعدام را بعد از سال شصت تأیید کرد. و دستور داد محاکمه دستگیر شدگان در میدان ولی عصر برگزار شود.

۵- آیت الله مهدی ربانی املشی - دادستان کل در سالهای اول انقلاب که دهها حکم اعدام را صادر کرده است. وی از جمله حکام شرعی بود که موجبات تعطیلی نشریات و اعدام مبارزان را به وجود آورد. برخی ها معتقدند که خوب شد که او زود دار فانی را وداع کرد و گر نه از بسیاری از جنایتکاران فعلی بدتر بود.

۶- آیت الله یوسف صانعی - دادستان کل کشور بعد از ربانی املشی. او از جمله حکام شرعی است که دهها حکم اعدام را تأیید کرده است. سالها عضو شورای نگهبان بود و فعلا اصلاح طلب شده است. او در حال حاضر از جمله مخالفان احکام قبلی و ولایت مطلقه خامنه ای است و عن قریب است که بلاي منتظری بر سر وی آید. او از جمله افرادی بود که در کنار منتظری سالهای دهه شصت قرار داشت و از جمله معترضین به حمله به

بیت او بود. به نظر میرسد با توجه به برخی از نظرات فقهی که در حال حاضر داده است، مشکلاتی برایش به وجود آید به همین دلیل این روزها برخی از اصلاح طلبان در کار حمایت از او هستند.

۷- آیت الله سید محمد موسوی خوئینی ها - صادر کننده مجوز تصرف سفارت امریکا و برانگیختن آنها به حمله به سفارت امریکا بود. او سالها دادستان کل کشور بود و در سال ۶۷، مسئول اعدام هزاران زندانی سیاسی است. او مدیریت روزنامه سلام را بر عهده داشت و بعدها توسط دادگاه ویژه روحانیت به ۵ سال زندان محکوم شد. او اینک از اصلاح طلبان است. هنوز بعد از سالها حاضر به بازگشایی پرونده آن جنایت بزرگ نیست. اما در عین حال مدعی اصلاح گری است.

۸- آیت الله مرتضی مقتدایی - متولد ۱۳۱۴ تا اصفهان و عضو مافیا از ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۲. از حکام شرع دادگاههای انقلاب و سخنگوی شورای عالی قضایی و ریاست دیوان عالی کشور و ریاست دادسرای دیوان عالی و دادستانی کل کشور و عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و عضویت در شورای عالی حوزه علمیه قم و نمایندگی مجلس خبرگان رهبری از استان اصفهان و مسئول اسبق دیوان عدالت اداری و از جنایتکاران به نام.

وی از معروفترین قضات شرع دست اندر کار جنایات از سال شصت به بعد و یکی از اعضای برجسته قاضیان صادر کننده احکام اعدامهای سال ۶۷ است. و در حال حاضر از مسئولین و معاونین قوه قضاییه می باشد. پسر وی و پسر دری نجف آبادی و پسر واعظ طبسی با استفاده از قدرت پدر های خود دهها میلیارد تومان اختلاس کرده اند. البته وضعیت مالی خود او بسیار عالی است. ثروت او نشان می دهد او پادشاهی بسیاری از جنایات خود را گرفته است.

مقتدایی سالها در شورای عالی قضایی کمک کار کودتاگران بود و در این راه با تمام وجود خود برای نابودی حرکت انقلاب مردم ایران تلاش می کرد.

۹ - آیت الله محمدی گیلانی - از حکام شرع ملقب به قصاب اوین و از فقهای مرتد و ناصبی شناس است! این روحانی قاتل بی بدیل و مأمور صدور احکام اعدام در سال ۶۰ است. در آن سال، تگران دو فرزندش بود که از گروه مجاهدین خلق بودند. اما جنایتکار دیگری که او نیز قصاب اوین گشت، یعنی لاجوردی، دستور داد فرزندان او را زنده به اوین نیاورند. آن دو بدست جلادان لاجوردی کشته شدند. در زمانی که در اوج کرکری خواندن ناصبی شناسی و مرتد شناسی بود، در محل کار خود، در شورای عالی قضایی، کار آموزش افراد تازه وارد به قوه قضاییه را بر عهده داشت. در این کلاسها او به آموختن مرتد شناسی و ناصبی شناسی شاغل بود. همو و دوستان او بودند که بسیاری از جنایتکاران را کشف کرده و در سنین جوانی به اجتهاد رساندند و مقام قضاوت به آنها دادند.

آموزش های او و جوادی آملی و مصباح یزدی و ... بودند که برخی از این افراد را در سن بیست و یکسالگی به درجه اجتهاد در جنایت رساندند.

آیت الله محمد محمدی صومعه سرایی معروف به محمدی گیلانی - قاضی القضاات حکام شرع و از جمله تنورسین های مرتد شناسی، کسی است که موجبات قتل صدها مبارز از جمله پسران خود را به وجود آورد. وی سالها در منصب قضاوت به شقاوت مشغول بود. او همان کس است که منتخب ملت ایران، بنی صدر را هفت بار باغی با غین و محکوم به ۷ بار اعدام خواند.

از گفته های محبت آمیز این حاکم شرع، این گفته است: «شورشانی که در خیابانها مجروح می شوند باید کارشان را تمام کرد» و آن ها که در تظاهرات علیه جمهوری اسلامی شرکت می کنند «باید در محل، مقابل دیوار اعدام شوند» و «توبه آن ها پذیرفته نمی شود و مجازات را قرآن تعیین می کند، مرگ با بدترین وسایل، با دار، قطع دست راست و پای چپ (نامه بنی صدر به خمینی، ۳ مرداد ۱۳۵۹؛ نامه ها از بنی صدر به خمینی و دیگران، ص ۸۲)

● محمدی گیلانی باز گفته است: «محارب، بعد از دستگیر شدن، توبه اش پذیرفته نمی شود و کیفرش همان است که قرآن گفته. کشتن به شدیدترین وجه. حلق آویز کردن به فضاحت بارترین حالت ممکن. تزییر باید پوست را ببرد، از گوشت عبور کند و استخوان را درهم شکند.» (کیهان، ۲۸ شهریور ۶۰)

جملات بالا انسان را به یاد مخوفترین زندانیان و جنایتکاران دوران هیتلر و استالین و شارون می اندازد. اگر تزییر این است که او می گوید پس شکنجه چیست؟

شنیده بودیم در شکنجه گاههای زمان رژیم قبلی به گونه ای به مبارزان شلاق می زدند که خون از بدن آنها راه می افتاد. حال با این نظر آیت الله به نظر می رسد که شاه و شکنجه گران آن زمان همه مسلمانان ولایت مطلقه خواه بوده اند! چه راست گفته است آیت الله بروجردی: اگر ما بر سر کار بیاییم از شاه هم بیشتر آدم می کشیم. ۱۰- آیت الله نیری - یکی دیگر از قضات برجسته در اعدامهای جوانان ایران و از اعضای اصلی کشتار زندانیان در سال ۶۷ می باشد. این مهره پرورش یافته در حوزه جنایت، چنان بی رحم است که حتی به دوستان خود هم رحم نمی کند. در کشتار سال ۶۷ خود، برخی از زندانیان را مورد سؤال قرار می داد و یک جواب ناموفق با دلخواه او کافی برای صدور حکم اعدام زندانیان بود.

خاطره رفت و آمد های او بین زندانیان تهران و کرج برای اعدام هر چه سریعتر زندانیان بوسیله هلیکوپتر هنوز در حافظه های بسیاری زنده است. او و مقتدایی برای خراب کردن آیت الله منتظری دست به هر کاری می زدند.

آیت الله جعفر - حسینعلی - نیری - از حکام شرع و از سه نفر منتخب آقای خمینی در جنایات زندانیان کشور در سال ۶۷ بود. وی سالها قائم مقام رییس دیوان عالی قضایی و معاون محمدی گیلانی از سال ۶۳ تا ۶۸ بود.

۱۱ - آیت الله رهبرپور از رؤسای دادگاههای انقلاب که از سال شصت در مقام قاضی شرع اعدامهایش را شروع کرد. پس از آن، مدت چندین سال ریاست دادگاههای انقلاب اسلامی را بر عهده داشت. وی از جنایتکاران به نام در جمهوری اسلامی در صفحه ۱۰



است که در حال حاضر در حال قضاوت در دادگاههای ویژه و مخفی می باشد. از جمله کارهای او کارهای زیر هستند:

- صدور دهها حکم اعدام برای مبارزان
- صدور دستور دستگیری صدها دانشجو و فعالان سیاسی.
- شرکت در محاکمه بسیاری از سیاسیون و دگر اندیشان از سال شصت به بعد.
- ریاست دادگاه انقلاب به مدت چندین سال.
- عضویت در شورای قضات مرتد شناس و ناصبی شناس و یارغار مبشری و پور محمدی و...
- ۱۲- آیت الله علی مبشری - از جمله حاکمان شرع جنایتکار که بعد از رهبر پور به ریاست دادگاههای انقلاب مرکز رسید. او از جمله افرادی بود که در جریان اعدامهای سال ۶۷ مسئول بوده است. دوره جابجایی وی و رهبر پور بسیار جالب است.
- ۱۳- حجت الاسلام محمد نبازی دادستان دادرسی نظامی و رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح. او در جریان بازجویی از قاتلان قتل های زنجیره ای از سوی میر حجازی مسئول این کار شده بود که متهمان را به زیر شکنجه برده بود و دستور تعزیر و شکنجه از سوی وی صادر شده بود. ارتباط وی با میر حجازی منجر به این شده بود که از دفتر امام جمعه به این مقام برسد.
- ۱۴- آیت الله مرتضی فهمی کرمانی - معاون اسدالله لاجوردی در زندانهای تهران - حاکم شرع کرمان و از جنایتکاران به نام که بعدها در رابطه با تریاک و گرفتن رشوه از کار برکنار شد. او در اعدام زندانیان سیاسی در سال ۶۰ بسیار فعال بوده است.
- حسین موسوی تبریزی در مورد او در نشریه چشم انداز چنین می نویسد و او خود را تبرئه می کند:
- «آقای لاجوردی آدم خوبی بود. مسلماً متدین بود. اصلاً اهل سوءاستفاده مالی و اخلاقی نبود، ساده زیست، انقلابی و مردمی بود، ولی برخوردی خارج از قانون داشت که قابل توجیه نبود. در رابطه با برخوردهای خشن باید خیلی مواظب می شدیم. از طریق نمایندگان مجلس هم این مسئله به گوش حضرت امام رسیده بود. من آقای فهمی کرمانی را آوردم در اوین معاون ایشان کردم که مواظب همین مسائل باشد. آقای فهمی کرمانی حساسیت خاصی در رابطه با اعمال خشونت نسبت به زندانیها داشت. آن زمان گروه خاصی هم در اوین بودند و نمی خواستند کسی وارد بشود و کاری انجام بدهد. طیف بازار بودند و از زمان شهیدان بزرگوار آقایان بهشتی و قدوسی در زندان اوین مشغول بودند و طوری برخورد کردند که آقای فهمی کرمانی ناراحت شد و گفت که من نمی توانم کار کنم.»
- ۱۵- حجت الاسلام اکبر جمشیدی - معروف به ناطق نوری - از جمله حکام شرع دوران خمینی و حاکم شرع دادگاه گروه فرقان است. وی نیز در پرونده جنایات خود، صدور دهها حکم اعدام را دارد.
- او کسی است که در جریان ۱۸ تیر مدعی شد باید حکم اعدام چندین تن از افراد ملی - مذهبی را صادر کرد تا جریان آرام شود. وی یک دوره وزیر کشور بود و سالها نیز ریاست مجلس را بر عهده داشت. او یکی از سرمایه داران کشور به حساب می آید

«پرونده اتمی را ببندید»!

۱۹ - حجت الاسلام محمد علی حیدری از حاکمان شرع دادگاههای انقلاب بود که احکام اعدام وی در استان همدان معروف است.

۲۰- حجت الاسلام غلامحسین نادی حاکم شرع دادگاههای انقلاب اسلامی بود که دهها حکم اعدام از سوی وی صادر شده اند.

۲۱- آیت الله محمود هاشمی شاهرودی "رییس" قوه قضاییه یکی از پوششگران چند ساله اخیر جنایاتی است که مافیای قضائی مرتکب می شود. جنایات بسیاری زیر عباى او انجام شده اند و می شوند ولی دریغ از یک حرکتی که او برای به دام انداختن قاتلان انجام دهد. وی زمانی قوه قضاییه را ویرانه نام نهاد. ولی این حرف او شعاری بیش نبود. البته آن زمان او درست نمی توانست فارسی صحبت کند. زیرا این رییس قوه قضاییه کشور ایران یک عراقی است و متولد نجف می باشد که ستادی برای حقوق بشر در ایران را پایه نهاده است.

این آیت الله قوه قضاییه به همراه ابریشمی مسئول دفتر قوه قضاییه، نمایندگی گوهی های موبایل را در اختیار دارند. از قبل همین تجارت سالها حدود پانصد نفر از مسوولان و وابستگان خود را به زیارت مکه می برد.

او در این پست تنها تماشاگر و پوشش جنایات است و به احتمال زیاد در بسیاری از آنها، به دلیل آگاه شدن و عدم افشا، دخیل است. در دوران ریاست این آیت الله که یکی از حکام شرع دهه شصت بود است، چندین زندانی در زندانها به قتل رسیدند اما هیچ خبری از دستگیری و محاکمه عاملین آنها نشد از جمله، زهرا کاظمی - اکبر محمدی - زهرا بنی عامری و ...

۲۲- آیت الله صادق صادقی گیوی، معروف به صادق خلخالی از حاکمان شرع منصوب خمینی که صدها حکم اعدام را شخصاً صادر کرده است. خود او خطاب به معترضان خویش گفت: اگر من ۵۵۰ نفر را اعدام کردم، شما گله اعدام می کنید! از جنایات وی یکی صدور احکام سران ترکم صحرای است و محسن رفیق دوست متهم به اجرای آن حکم در جنگلهای شمال است.

در تصویری که از دوران حاکمیت شرعی وی موجود است دیده شده که یکی از متهمان را بر روی براتکار تیرباران کرده است. جمله جالب وی یکی اینست: اگر اعدام شدگانی بی گناه بوده باشند، به بهشت می روند. باز از جنایتهای او، کشتن جوان ۱۵ ساله در قم است. جوان مشغول توزیع اعلامیه بوده و خلخالی تیری در کله او خالی کرده است.

وی بعد از رد شدن صلاحیتش برای نمایندگی مجلس خبرگان، مخالف نظام ولایت فقیه شد و سالهای آخر عمر را در بیماری شدید روانی به سر برد.

در مورد احکام خلخالی حاکم شرع ویژه خمینی این داستان خواندنی است: خوزستانی، در مقاله تحریف کدام اندیشه ها - کدام ارزشها به نقل از کتاب جعفری چنین می نویسد:

«...توضیح اینکه آقای شیخ اسدالله عندلیب بنا به حکم آقای خمینی ریاست دادگاه انقلاب و حاکمیت شرع

شیراز را برعهده داشت و هیچ یک از زندانیان سیاسی محکومیت مرگ نداشتند، سر لشکر ده پناه به یک سال زندان محکوم شده بود، سرهنگ غضنفر بهمن پور به شش ماه زندان محکوم شده بود و از سوی آقای ربانی شیرازی وسیله شیخ عبدالرحیمی به برادر زنش دکتر فاتح نژاد پیغام داده شده بود که اگر یکصد هزار تومان به حساب امام بریزند، آزاد خواهد شد. مبلغ مزبور به حساب آقای خمینی ریخته شد و قرار بود دو سه روز دیگر آزاد شود. سرگرد طوطیان به پنج سال زندان محکوم بود، وزندان به یک سال و مابقی به همین منوال داشتند مدت زندان خود را می گذراندند که آقای سیدعبدالحسین دستغیب امام جمعه شیراز می گفت: «من اطاع الخمینی فقد اطاع الله...» از اینکه در شیراز کسی را به جرمهای فرضی و... نکشته بودند بسیار عصبانی بود. به شیخ صادق خلخالی، که از سوی آقای خمینی حکم داشت تلگراف کرد که ای آقای خلخالی تاکنون در شیراز هیچ کس اعدام انقلابی نشده و این ننگ بر پیشانی شیراز است. لطفاً شما بیایید و به پرونده ها رسیدگی کنید.

در پی این تلگراف آقای خلخالی بعد از ظهر پنجشنبه به شیراز رفت و مستقیماً به محل سپاه پاسداران رفت و با تعدادی تفنگچی عازم زندان عادل آباد شیراز شده و آنها را از زندان بیرون کشید و تا ساعت ۱۱ شب کار همه را ساخت و تا ساعت حدود ۱۲ شب همه را اعدام کرد. در میان این چهارده نفر اعدام شده خانمی یهودی بنام بانو نصرت گوئل بود که وی سه ماهه آریست و دارای ۴ فرزند و کارگر آرایشگاه بود که بی گناه اعدام شد.

جریان اعدام وی بنا به اطلاع آقای مهندس رجبعلی طاهری چنین است: آقا مهندس طاهری قبلاً فرمانده سپاه شیراز بود و در تاریخ ۵۹/۴/۱۲ وکیل مجلس و نماینده کازرون بود. بعد از اعدام این چهارده نفر و اعدام این زن بی گناه برای تحقیق به سپاه می رود و از بچه های سپاه می پرسد جریان از چه شده است. نظر به اینکه وی خودش فرمانده سپاه آنجا بوده و همه را می شناخته بوی می گویند: فاحشای بنام زهرا در شیراز دستگیر شده بود و یک میلیون پول داده و آزاد گردیده بود. بچه های سپاه به خلخالی می گویند که زهرا یک میلیون داده و آزاد شده است. خلخالی می گوید بروید و او را بیاورید. بچه ها می روند که زهرا را بیاورند. زهرا که مخفی شده و یا به جانی رفته بود، وی را پیدا نمی کنند. بچه ها می گویند این که بد شد که او را پیدا کردیم و خوب نیست که دست خالی برگردیم. به آرایشگاهی می روند و این زن را با خود می برند پیش خلخالی و می گویند این زهرا است. خلخالی می گوید زهرا. خانم گوئل می گوید، من زهرا نیستم و نصرت گوئل هستم و زهرا کیست؟ آقای خلخالی می گوید برو. زن بیچاره موقعی که حرکت می کند که برود، یکی از بچه های سپاه در گوشه به خلخالی می گوید که خود این زن هم دختر تلفنی دارد. خلخالی هم فوراً به او می گوید برگرد و بلافاصله وی را اعدام می کند. به هر حال، پس از اعدام این ۱۴ نفر، خانواده های مقتول به این طرف و

آن طرف شکایت و دادخواهی کردند ولی صدایشان بجایی نرسید. روح الله سلیم همسر بانو نصرت گوئل و فرزندان وی شکوایه های تنظیم و جهت حمایت و کمک به آیت الله محلاتی تقدیم کردند. آیت الله محلاتی نیز در رابطه با اعدامهای برق آسای خلخالی در شیراز و مشکلات و مسایل دیگر در تاریخ ۱۳۵۹/۴/۲۵ برابر چهارم رمضان المبارک ۱۴۰۰ نامه ای به آقای خمینی نوشته است که فرازهایی از آن به قرار زیر است:

«نمی دانم حضرتعالی از کیفیت احکام صادره از سوی حاکم شرع دادگاههای ویژه مطلعید، آیا می دانید که این آقا چگونه ۱۴ نفر را در مدتی کمتر از ۱۰ ساعت بقول خودش بدون محاکمه و بدون مطالعه پرونده ها کشتار کرد و در حالی که حتی اجازه ملاقات به خانواده های آنها نیز نداد؟ و بسیار بعید است انسانی که اینطور دست خود را بخون مردم آلوده می کند در گزارش خود دروغ نگوید و به شما خلاف نرساند. آیا چگونه می توان احکام متناقض حکام دادگاههای انقلاب اسلامی را توجیه و تفسیر کرد؟ مهمی اول به یکسال زندان و پرداخت یکصد هزار تومان وجه نقد (بطور غیررسمی بلکه سری و بنام هدیه به بنیاد مستضعفان) محکوم می شود و تنها پس از چند ماه که از محکومیتش می گذرد به ناگهان توسط حاکم شرع دیگری تیرباران می شود؟ عجباً چه دادگاهی، چه احکامی و چه مجازاتی؟

حضرت آیت الله خمینی، مگر نه اینست که می خواهیم انقلاب خود را به جهان صادر نماییم و بشریت را از ظلم و تباهی برهانیم، آیا با این چهره کریمه و خشنی که از اسلام ساخته ایم؟ آیا با خشنوت و زور می توان اسلام را جهان گیر ساخت یا با منطق و عطفوت و عدالت؟ اگر نشود که نظام واحد و مسئولیت مشخص را در این جامعه حکمفرما نمود، با این تعدد مرکز قدرت به کجا می رویم؟» آقای خمینی در تاریخ بیستم رمضان المبارک ۱۴۰۰ برابر ۵۹/۵/۱۰ به نامه آقای محلاتی پاسخ گفته است که فرازی از پاسخ آقای خمینی چنین است:

«راجع به مسائلی که در کشور می گذرد و بعضی از آنها موجب نگرانی جنابعالی شده است باید عرض کنم که این نگرانی برای اینجانب نیز هست ولی خاطر شریف مستحضر است که این انقلاب بزرگ از بهترین انقلابهایی است که در جهان بوده است و دنیا بی انقلاب نمی شود و معقول نیست همه چیز موافق دلخواه باشد.»

و نیز، خمینی به بنی صدر و بسا به دیگران نیز گفته بود: خلخالی نزد من آمده بود و می گفت مرا نخست وزیر کنید. به او گفتم: بله، اگر شما را نخست وزیر کنیم، همه مسائل کشور حل می شود. زیرا نیمی از جمعیت کشور را اعدام می کنید و دیگر مسئله ای باقی نمی ماند!

۲۳- حجت الاسلام هادی غفاری از جمله روحانیون وابسته به قوه قضاییه که حکم بسیار قتل ها و ترور مبارزان در پرونده وی وجود دارد. او در سال ۶۰ به هادی چماق معروف بود و در زندانها خود به بازجویی از مبارزان می پرداخت و راساً آنها را شکنجه می کرد بعدها اصلاح طلب شد.

وی فرزند آیت الله غفاری بود که سالها به دروغ می گفت که در زندان شاه سر پدرش را با مته سوراخ کرده اند. بعد معلوم شد که دروغ گفته در صفحه ۱۱



است. او بعد از انقلاب، شرکت جوراب استارلایت را تصاحب کرده بود و از جمله سرمایه داران است. هادی غفاری نماینده دور اول مجلس بود و رهبری چماقداران در سالهای بعد از انقلاب را بر عهده داشت و بعدها به دلیل ارتکاب برخی از اعمال اخلاقی و مالی به خوردن حد شرعی محکوم شد.

۲۴ - آیت الله علی قدوسی دادستان کل انقلاب و از اساتید مدرسه علمیه حقانی. وی در نظام ولایت فقیه دهها حکم اعدام صادر کرده است. او در محل کار خود به قتل رسید. او از کسانی بود که با کمک بهشتی و دیگران اقدام به تعطیلی نشریات برای اولین بار نمود.

علی قدوسی گفته است: نظر امام این بود که آنها (اعضای شورای انقلاب) در حزب جمهوری اسلامی نبودند و مانع تصرف دولت توسط این حزب بودند (باید در شورای انقلاب باشند که دیگران فکر نکنند آخوندها آمده‌اند تا همه مراکز قدرت را در اختیار بگیرند. دیدیم که تا آخر هم در پست‌های حساسی مانند ریاست جمهوری (بنی صدر) - وزارت امور خارجه، صدا و سیما (قطب زاده) و بسیاری از وزارتخانه‌های دیگر (اعضای نهضت آزادی) قرار داشتند و شاید هم لازم بود که بیایند و خودشان را در معرض آزمایش بگذارند تا مردم آنها را بشناسند و روحیاتشان را ببینند و گرنه با آن وضعیتی که ما در ابتدای انقلاب داشتیم و آشفتگی‌هایی که بود شاید خیلی از انتظاراتی که مردم داشتند برآورده نمی‌شد و بعد مردم همه را به پای روحانیت می‌گذاشتند که نتوانستند مملکت را اداره کنند." (خاطرات علی جنتی، سعید فخر زاده، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۱۷۰-۱۶۹)

۲۵ - آیت الله محمد حسین ریحانی معروف به محمد حسین موسوی تبریزی دادستان کل که بعد از قتل علی قدوسی به این سمت منصوب شد. وی از جمله جنایتکارترین دادستانهای انقلاب بود که در سال ۶۰ میدان و خیابان ولی عصر را دادگاه مبارزان خواند و فراوان حکم اعدام صادر کرد.

او در حال حاضر یکی از اصلاح طلبان به نام شده است و نماینده مجلس خبرگان رهبری است و رئیس خانه احزاب. از نکات جالب زندگینامه وی این است که او هم به جرم فساد اخلاقی از کار برکنار شد.

نشریه «همشهری ماه» تیرماه ۸۰ مصاحبه «حسین موسوی تبریزی»... بعد کاری که ما کردیم، همه اینها را جمع کردیم، از سیاه و کمره و نخست‌وزیری و دادسرای انقلاب تهران و آقای «فلاحیان» را مسئول هماهنگی اینها قرار دادیم و دو سه ماه که با هم هماهنگ شدند، کارها خیلی خوب پیش رفت و بیش از ۸۰ خانه تیمی مجاهدین خلق را کشف کردند و همان جا بود که محل اختفای «موسی خیابانی» و سران‌شان کشف شد...» (کتاب شنود اشباح ص ۵۳۰)

۲۶ - حجت الاسلام ایزد پناه از معاونین قوه قضائیه که سالها در این مقام مشغول به کار بود. او در صدور و اجرای بسیاری از احکام اعدام‌ها شریک قاضیان شرع بوده است.

۲۷ - حجت الاسلام ابوالفضل موسوی تبریزی از روحانیون به نام قوه قضائیه که جانشین ری شهری شده بود. وی از قضات برجسته و دادستان انقلاب بود که دهها فقره حکم اعدام صادر کرد. او زمانی رئیس دیوان عدالت

«پرونده اتمی را ببندید»!

سرکوب گر، محارب شناخته و محکوم به اعدام کرده بود.

● پدر معنوی گروههای چماق دار به خصوص انصار حزب الله.

● بنیان گذار نشریه یا لئارات الحسین با پول نماز جمعه تهران.

● نماینده رهبری در امور دانشگاهها

● دبیر شورای نگهبان و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و نماینده رهبری در سازمان تبلیغات اسلامی و عضو شورای خبرگان رهبری.

● مسئول ستاد امر به معروف و نهی از منکر که برای تبیین قوانین سرکوب دستوراتی به مجلس داد که قوانین بر اساس نیاز این سازمان و بسیج سپاه پاسداران باید نوشته تدوین و تصویب شوند.

● مجری کلیه تقلبات انتخاباتی با فتوای شرعی.

● مسئول درگیری ها در بوسنی هرزه گوین و مسئول ارسال نیرو به آن منطقه.

● عامل بسیاری از درگیری های خیابان ولی عصر و سرکوب مردم به خاطر بد حجابی و ...

● از مفتیان قتل های مخفی و یکی از قضات ناصب شناس و مرتد شناس.

● از عوامل اصلی حمله به کوی دانشگاه.

● وی در حال حاضر در بسیاری از برنامه ریزی های سرکوب از طراحان و تصویب کنندگان است.

۳۱ - حجت الاسلام مجید انصاری از جمله افرادی است که در قوه قضائیه ایران نقش داشته است. وی سالهایی را در مسئولیت سازمان زندانها به سر برده است. همان سالهایی که اسدالله لاجوردی در زندان کشتار راه انداخته بود و او سکوت کرده بود.

۳۲ - حجت الاسلام جمال کریمی راد، دادیار دادسرای عمومی و انقلاب به مدت ۲۵ سال، دادستان عمومی کردستان، رئیس دادگاه حقوقی یک زنجان و رئیس دادگاه انقلاب و دادگاه اصل ۴۹ در استان قزوین، مدیر کل تزییرات حکومتی استان قزوین بوده است. او بعدها به ریاست دادگستری در استان خوزستان رسید و بعد سخنگوی قوه قضائیه شد و بعد وزیر دادگستری و سرانجام در تصادف کشته شد.

۳۳ - آیت الله مصباح یزدی از مهمترین اعضاء شاخه فتوای سازمان ترور، سرپرست مجله پرتو ولایت و از رابطین گروههای انصار و حزب الله بود. او معلم بسیاری از قضات و حکام شرع ایران بوده است و به وسیله آموزشها و نیز دستور العمل های او، هزاران نفر از جوانان کشور به دست شاکردان وی به قتل رسیده اند.

مصباح یزدی می گوید: « هر جا که آهنگ مخالفت با ولایت فقیه یا ولی فقیه ساز شد، سعی کنید آن را خاموش کنید. اگر از روی نادانی است برایش توضیح دهید و شبهه اش را رفع کنید. ولی اگر از روی غرض ورزی است او را خفه کنید!» (سخنرانی در جمع بسیجیان شهرستان قروه ۷ مرداد ۸۱).

۳۴ - حجت الاسلام اصغر حجازی مسئول اداره بیت رهبری (خامنه ای) و رابط سازمان ترور با واکا است. وی ابتداء قاضی شرع در خوزستان بود. اصغر حجازی در بسیاری از ترورهای داخلی و خارجی سمت فرماندهی را بر عهده داشته است.

در اعترافات سعید امامی آمده است که آنها بعد از ترور داریوش فروهر و همسرش، جلسه ای تشکیل داده بودند.

در آن جلسه، میرحجازی به چگونگی انجام عملیات گوش داده و در پایان گفته است: موید باشید و کارها را ادامه دهید.

۳۵ - حجت الاسلام مجتبی ذوالنور، فرمانده تیپ مستقل ۸۳ امام صادق قم، عامل اصلی حمله به منزل آیت الله منتظری و جوادی آملی. وی در بسیاری از امور دادگاههای ویژه روحانیت دخیل بوده است و از نزدیکان محمد یزدی می باشد.

۳۶ - آیت الله محمد یزدی از چهره های برجسته در کودتای سال شصت و ویران کننده قوه قضائیه و عضو گروه چماق کشان در قم است. در زیر کارهای ضد بشری او را فهرست می کنیم:

● صدور دهها حکم اعدام

● پرونده سازی و برخورد برای آیت الله شریعتمداری و آیت الله روحانی

● حمله به اجتماعات ضد خمینی در شهرستان قم بوسیله چماقکش معروف خود حاج غلام.

● حذف دادسراها در محاکم قضایی.

● عضویت در شورای نگهبان و شورای خبرگان رهبری و شورای عالی قضایی و شورای مدرسین حوزه علمیه قم و شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی و شورای تشخیص مصلحت نظام.

● عضو گروه صادر کنندگان احکام و فتاوی اعدام ها و ترور های سیاسیون و دگر اندیشان.

● امام جمعه تهران و عامل برخی از سرکوبهای مردم و بردن و خوردن مال آنها که برخی از آنها به شورش مردم انجامیدند.

● عامل به زندان انداختن صدها مبارز سیاسی و روزنامه نگار.

● حیف و میل بیت المال توسط خود و فرزندان و داماد او، دکتر تخشید رییس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. به بردن و خوردن بیت المال شهره اند.

از خاطرات جالب شیخ محمد یزدی در مورد انتخابات شورای جامعه مدرسین، یکی اینست:

« برای نخستین بار وقتی قرار شد که جامعه مدرسین اندکی شکل اداری به خود بگیرد به این نتیجه رسیدیم که باید امور مالی هم داشته باشد. بعد در فکر سرمایه اولیه افتادیم. اینجا بود که هر یک از اعضا مبلغی از خود گذاشتند حاصل کار ظاهراً هزار یا هزار و دویست تومان شد.» (خاطرات آیت الله یزدی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۵۲۹).

آیه الله در مورد چگونگی شکل گیری مجمع و انتخاب افراد آن می نویسد: « مقام معظم رهبری در سخنرانی خود برای اعضای شورا در زمان ریاست جمهوری، نکته بسیار جالبی که خطاب به من بعنوان مسئول بخش سیاسی فرمودند این بود که در نظامهای حکومتی در برخی مواقع و موارد حکومت نمی تواند به طور مستقیم وارد شود و اظهار نظر نماید در عین حال دوست دارد که کلام و مرام او از کانال یک تشکیلات ذی نفوذ در میان عامه ابراز شود. در این حال نظام اگر هم از تشکیلات یاد شده حمایت کند در خفا خواهد بود. (آیه الله خامنه ای

سپس فرمودند جامعه مدرسین حکم همان تشکیلات را دارد و به خصوص وظیفه بخش سیاسی آن در این خصوص خطیر است.» آیه الله در مورد دوم می نویسد: « یک بار هم در ایام رهبری ایشان خدمتشان بودیم و در آن جلسه دوستانه، ایشان رهنمودهای بسیار ارزنده ای دادند و خط مشی ما را برای آینده تعیین فرمودند. از جمله عنوان کردند: اکثر اعضای شما دارای عنوان آیت اللهی هستند و قدم به سن کهولت گذاشته اید و به تدریج توان کاری تان را از دست می دهید و به جایی می رسید که توانایی انجام کار از شما خلاف انتظار است. بنابراین باید شما تشکیلاتتان را اصلاح کنید. بدین ترتیب که عضوگیری کنید و از افراد جوان و شاداب بهره ببرید و امور اجرایی جامعه مدرسین را به آنها بسپرد و خودتان در پشت صحنه تنها به سیاستگزاریهای کلی رو آورید. از جمله پیشنهادهای ابتکارآمیزی که رهبر انقلاب در آن جلسه ارائه کردند این بود که فرمودند اگر موافق هستید آقایان فلانی و فلانی (اسامی اشان را فرمودند) برای تغییر تشکیلات جامعه مدرسین انتخاب شوند. اگر خواستید می توانیم رای بگیریم. این پیشنهاد مقبول افتاد و به همین دلیل با آنکه از پایان وقت جلسه گذشته بود آن را تمدید کردیم و قرار شد که مخالفین و موافقین با این پیشنهاد، حرفهایشان را بزنند. یک دور آقایان صحبت کردند و بعضی ها به اسامی پیشنهادی رهبری تعدادی را افزودند. بنده به خاطر دارم که در آنجا اشکالی را مطرح کردم و آقای خامنه ای فرمودند که اشکال شما قابل حل است و راه حلش را عنوان کردند. در نهایت پنج نفر انتخاب شدند و مسئولیت اصلاح ساختار جامعه مدرسین و تغییر برنامه و اساسنامه به دوش آنان گذاشته شد. جلسه آن قدر به درازا کشید که وقت نماز ظهر و عصر فرا رسید و جلسه برای اقامه نماز و صرف ناهار موقتاً تعطیل شد. مجدداً جلسه شروع به کار کرد و مقام ولایت فرمودند. بنده مایلیم با پنج نفری که انتخاب شدند جلسه ای داشته باشم و بقیه آقایان می توانند تشریف ببرند. » (خاطرات آیه الله یزدی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۵۳۱-۳۲)

وی در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی متولد شده است و این سمت ها را تصدی کرده است: ریاست دادگاه انقلاب اسلامی قم و ریاست دفتر امام (ره) در قم و نمایندگی مجلس خبرگان قانون اساسی و نمایندگی مجلس شورای اسلامی در دو دوره متوالی (دوره اول از قم و دوره دوم از تهران) و نایب رئیس مجلس شورای اسلامی و عضویت در شورای نگهبان و عضویت در شورای بازنگری قانون اساسی و ریاست قوه قضائیه با حکم خامنه ای در دو دوره پنج ساله و نمایندگی رؤسای سه قوه در هیأت سه نفره حل اختلاف بین بهشتی و هاشمی رفسنجانی و رجانی و بنی صدر و نمایندگی مجلس خبرگان رهبری.

عباس پالیزدار در مورد وی در دانشگاه همدان چنین می گوید:

«...آیت الله... آمدند نزد مقام

در صفحه ۱۲



رهبری گفتند که می خواهیم یک دانشگاه قضایی بسازیم برای خواهران در قم. مجوز داده شد. بلافاصله بعد از مجوز رفتند سراغ ساپورت مالی که بله کارخانه لاستیک دنا را مجوزش را بدهید. آقای نعمت زاده هم گفت کارخانه را در ازای ۱۲۶ میلیارد به شما واگذار می کنیم. در حالی که قیمت واقعی آن ۶۰۰ میلیارد بود. بعد این

آقایان نامه نوشتند به نعمت زاده که تخفیف منظور فرمایید. بعد از بارها نامه نگاری برای گرفتن تخفیف، قیمت را از ۶۰۰ میلیارد واقعی به ۱۰ میلیارد رساندند. باز آقایان گفتند که ما پول نداریم. ۸۰ درصدش را به اقساط می پردازیم. نعمت زاده قبول کرد. دوباره گفتند بیست درصد بقیه را هم الان نداریم بعد از فروش مستغلات کارخانه می پردازیم. خوب به همین راحتی آقای آیت الله کارخانه را صاحب شد و بعد از مدتی هم این کارخانه را در بورس فروخت.

در پی اصرار دانشجویان که نام این آیت الله را ببرید، پاییز گفت: این شخص آیت الله یزدی رئیس سابق قوه قضاییه و دبیر جدید جامعه روحانیت حوزه علمیه قم است که چاپلوسانه ترین نامه تاریخ جمهوری اسلامی را اخیراً برای رهبر نوشت. (او به همراه محمد علی شرعی نماینده مجلس خبرگان استان قم)

خوب مجدداً آقای آیت الله یزدی نامه ای می نویسد به آقای فروزش وزیر صنایع که پسر حمید بیگار است. تریبی فرماید از جنگل های شمال در جهت صادرات چوب بهر مند شود. جالب است که حمید یزدی در این زمان در قوه قضاییه مدیر کل بود. یعنی بی کار نبود. و به این صورت جنگل های شمال را به تاراج بردند. بعد رفتند مردم بومی شمال را که حالا شاید به اندازه هیزمنشان چوب انبار کرده بودند بازداشت کردند که باعث شلوغی جلوی زندان در شمال شد.

● کارخانه ایران خورد و بدون هیچ ضابطه ای به قضات قوه قضاییه ماشین پرشیا را به نصف قیمت داد که بقیه اش را هم به اقساط باید می پرداختند. اما خیلی ها ماشین که به نامشان شد این قسط را هم نپرداختند. اما همین بذل و بخشش باعث شد صدای خیلی ها در بیاید. مثلاً یکبار به بنیادی به نام بنیاد نهج البلاغه آمد گفت که آقا ما هم ۵۰۰ تا ماشین با این تسهیلات می خواهیم. حالا فکر می کنید چه کسانی اعضای این بنیاد نهج البلاغه هستند. آقای علی اکبر ناطق نوری. رفیق دوست. عسگر اولادی. حسین دین پرور. معزی

● بعد از این ماجرا، باشگاه پرسپولیس به سرپرستی عابدینی و بنیادی به نام همگرایی اندیشه هم صدایشان در آمد که آقا ما هم از این ماشین ها می خواهیم. لازم به گفتن است که بنیاد "همگرایی اندیشه" متعلق به حجت الاسلام فلاحیان وزیر اسبق اطلاعات و آیت الله علم الهدی امام جمعه حجاب پرور مشهد است.

آیت الله محمد یزدی از جمله سرمایه دار ترین روحانیون بعد از انقلاب است که با نگاهی به زندگی گذشته وی می توان به این نتیجه رسید که دارایی های وی و خانواده وی بر اثر شرکت در جنایات بر ضد مردم به دست آمده اند.

«پرونده اتمی را ببندید»!

احمدی نژاد دروغگو، «وزیر» کشور دروغگو و جنایت پیشه، مجلس آلت فعل و آمار دروغ:

* «رئیس جمهوری که در مجلس دروغ می گوید و وزیر کشوری جنایت پیشه و دروغگویی که مجلس به او رأی می دهد و مجلس که جرأت نمی کند بپرسد: خامنه ای با وزیران پیشنهادی موافق بوده یا نبوده چه رسد به این که بگوید پیشنهاد وزیر از اختیارات رئیس جمهوری و رأی اعتماد دادن به آنها از اختیارات مجلس است:

◀ در مورد علی کردان لازم به ذکر است که وی از مدیران اطلاعاتی و امنیتی این نظام بوده و بسیار مورد وثوق رژیم ولایت مطلقه است.

● علی کردان متولد قائم شهر مازندران است. سالهای قبل از انقلاب را مانند برخی دیگر از مسئولان نظام در کارهای خلاف اخلاق بود به گونه ای که در تاریخ ۵۷/۳/۳۱ به اتهام «ازاله بکارت» از دختری، توسط شعبه اول دادسرای ساری بازداشت شد. تا تاریخ ۵۷/۵/۸ در زندان ساری بود. در این تاریخ، بقید کفالت از زندان آزاد شد تا قاضی دادگاه شعبه سوم دادگستری ساری درباره اتهام وی رأی خود را صادر کند. در جریان انقلاب، او خود را انقلابی جا زد و با کمک اصغر جمعه ای، دادستان، از قید رأی قاضی می گریزد. باردیگر، در ۱۳۷۱، پرونده موضوع تعقیب می شود. اداره زندان ساری به معاون دادسرای عمومی ساری نامه می نویسد:

«احتراماً عطف به شماره ۲ مورخه ۷۱/۱/۱ به استحضار می رساند با بررسی به عمل آمده، آقای عوضعلی معروف به علی کردان فرزند کمال طی قرار شماره ۲۵۷/۵۷ ک ش مورخه ۵۷/۳/۳۱ از طریق دادیار شعبه اول تحقیق آن دادسرا به اتهام ازاله بکارت بازداشت و برابر نامه شماره ۱۷۱۴ مورخه ۵۷/۵/۸ منشی شعبه سوم دادگاه شهرستان ساری با قرار قبولی کفالت از زندان آزاد شده است.

مراتب جهت هر گونه اقدام مقتضی اعلام می گردد "اقدام مقتضی نمی تواند بعمل آید. زیرا، بعد از انقلاب، کردان عضو کمیته و سپس سپاه شد. در زمان صدور نامه، از گردانندگان دانشگاه امام حسین (ع) بود. پیش و پس از آن زمان، او از مأموران سرکوب ها و در دستگیری ها و شکنجه ها و اعدام مبارزان بسیار کوشا بود به گونه ای که بارها هدف حمله مبارزان قرار گرفت.

● به دلیل شرکت مصرانه اش در جنایات رژیم و ترورهای داخل و خارج از کشور، به مقامات بالایی رسید. در دوران ریاست علی لاریجانی بر صدا و سیما، او به معاونت مالی این سازمان منصوب شد. اختلاس و در آمد غیر قانونی ۵۲۵ میلیارد تومانی که موضوع تحقیق کمیسیون اصل ۹۰ مجلس قرار گرفت و گزارش آن در مجلس قرائت شد، از شاهکارهای این مدیر دزد رژیم بوده است.

● علی کردان تا مدتها بعد از لاریجانی نیز در همین سازمان به کار مشغول بود ولی به دلیل نزدیک شدن به باند احمدی نژاد مورد تایید وی و یاران وی قرار گرفت و تلاش شد به وزارت نفت منتقل شود. وزیر نفت قبلی همامانه وزیری که به شدت تحت فشار بود برای این که او را به معاونت وزارت نفت منصوب کند، زیر بار نفت و سرانجام ناگزیر از استعفاء شد. بعد از نصب وزیر جدید، وی به معاونت وزارت نفت رسید و کار خود را برای تدارک بودجه فعالیتهای انتخابات ریاست جمهوری، آغاز کرد.

● با نزدیک تر شدن به زمان انتخابات ریاست جمهوری، احمدی نژاد که می خواهد ۴ سال دیگر هم رئیس جمهوری بگردد، این مهره خیانتکار و امنیتی و دغل را وارد وزارت کشور کرده است تا بدست او، تقلب های گسترده را سازمان بدهد و دوباره رئیس جمهوری شود. نخست قرار بود او رحیمی را به این مقام منصوب کند. زیرا سابقه رحیمی در انتخابات سال های دهه هفتاد نشان داده بود که می تواند جمعیت شرکت کنندگان در انتخابات را حتی به بالاتر از جمعیت موجود در هر شهر برساند. چنانکه وقتی استاندار کردستان و لرستان بود در دو انتخابات آنچنان صندوق های رای را دستکاری کرده بود که میزان شرکت کنندگان در برخی از شهرهای این استانها بیش از کل جمعیت آن شهرها بود.

با مخالفت دانشجویان هوادار احمدی نژاد با نصب رحیمی به وزارت کشور، احمدی نژاد او را به معاونت پارلمانی رئیس جمهور منصوب کرد.

● شب نامه هایی در مجلس منتشر شده اند که بر ضد کردان هستند و در آنها، مفاسد اخلاقی و مالی وی شرح شده اند. افرادی که، در مجلس، با وی برخورد کرده اند، از کسانی هستند که از سوی باند حامی احمدی نژاد وارد مجلس شده اند. از جمله علی مطهری و روح الله حسینیان و الیاس نادران و...

اینها بعلت نزدیکی با باندهای واواکی و انتظامی متوجه شده اند که کردان دارای پرونده های اخلاقی و مالی است. علاوه بر این، متوجه شده اند که انتخاب وی از سوی احمدی نژاد برای انتخابات دور آینده است. به همین دلیل، با او مخالفت کردند. ولی باوجود فشاری که بر محسنی اژه ای وارد شد، به هنگام رأی اعتماد به کردان، او از افشای پرونده های وی خودداری کرد. همین امر موجب دلخوری برخی از حقانیه ایها از محسنی اژه ای وزیر واواک شد.

دختری که علی کردان از او ازاله بکارت کرده و تحت تعقیب قرار گرفته بود، تا چندی پیش زنده و موجود همواره مانع از نیل این وزیر جنایتکار به مآفامات بالا می شد. اما اینک که او

فوت کرده است، کردان دیگر مشکلی برای پیشرفت ندارد. زیرا شاهد فساد اخلاقی وی دیگر در قید حیات نیست و نمی تواند موجب افشای وی شود.

● در رابطه با شب نامه باید این نکته را متذکر شد که تمام مجلس و نمایندگان آن تحت کنترل شدید دوربین های علنی و مخفی هستند. از خیابانهای اطراف گرفته تا کلیه محوطه داخلی و خارجی مجلس و صحن مجلس و حتی پارکینگ های آن. لذا پخش شب نامه در مجلس بدون این که معلوم باشد چه کسی یا کسانی آن را پخش کرده اند، دروغی فاحش است. زیرا به راحتی می توان با کنترل دوربین های محوطه داخلی مجلس عامل یا عاملان انتشار این شب نامه ها را شناسایی کرد. اگر شناسایی نشده اند بدین خاطر است که عامل یا عاملان متعلق به مافیاهای حاکم هستند. با انتشار این شب نامه ها در مجلس و وجود پرونده ها و رسوائی «دکتر از دانشگاه آکسفورد» (سایت وابسته به توکلی، از آکسفورد پرسید و پاسخ آکسفورد را انتشار داد. آن دانشگاه نه کردان را می شناسد و نه به او دکتر داده است. در خور یادآوری است که در سالهای اول انقلاب که بی سوادهای مکتبی می خواستند جای باسوادها را بگیرند، تحصیل در خارج از موانع رسیدن به مقامهای اول بود و اینک برای رسیدن به آن مقامها، دکترای جعل می کنند و می خرند (...)

باند های رقیب زمینه رد صلاحیت او را برای تصدی وزارت کشور فراهم کرده بودند. از این رو، احمدی نژاد دروغی ساخت و خامنه ای را هزینه کرد و برای کردان از مجلس رأی موافق گرفت. به این ترتیب که او مدعی شد «مقام معظم رهبری» با هر سه وزیر موافقت کرده است. «نمایندگان تازه به دوران رسیده مرعوب دستور «رهبر» شدند و به وزیران رأی دادند. تقلب احمدی نژاد دو واقعبیت را عیان کرد

۱- او در مجلس اکثریت ندارد. ولو علی لاریجانی مجلس را به ترتیبی اداره کرد که وزیران رأی بیاورند و عمل او مورد اعتراض کتبی جمعی از نمایندگان قرار گرفت، اما بدون خرج کردن خامنه ای، دست کم کردان از مجلس رأی اعتماد نمی گرفت.

۲- مخالفتهای مخالفان کردان، با وجود «موافقت رهبری» با وزیران، و رأی منفی به او، معلوم می کند مخالفان از «نمایندگان» رده بالای مجلس بوده اند. آنها حرفهای احمدی نژاد را بازی سیاسی دانسته و اهمیتی برای کلام رهبری قائل نشده بوده اند.

● ولی بسیاری از نمایندگان جدید تحت فشار نام رهبری به کردان رأی موافق دادند تا مبادا از سوی گزینش مجلس برایشان مشکل ایجاد شود. گزینش مجلس؟ بله گزینش مجلس. برای آنها که اطلاع ندارند باورکردنی نیست که یکی از سخت ترین گزینش ها و کنترل ها در مورد نمایندگان مجلس است که اعمال می شود. به گونه ای که افرادی که در این مقام نیستند زندگی بسیار راحت تری را دارند. لازم به ذکر است که کلیه امور مربوط به هر نماینده مجلس به طرق مختلف صوتی - تصویری - شهودی در کنترل دستگاههای اطلاعاتی رژیم است. به ترتیبی که اگر نماینده ای در محلی صحبتی ناموافق با ولی فقیه

مطلقه و دستیاران او و یا سیاست عمومی داخلی یا خارجی بر زبان آورد، گزارش می شود و آن «نماینده» تأدیب می شود.

● با وزارت یافتن کردان، تغییرات گسترده ای در استانداران و فرمانداران و بخشداران و دهداران انجام خواهند گرفت. تا زمینه را آماده «انتخاب» مجدد احمدی نژاد با کمک باندهای مافیاهائی پاسدار موافق او، فراهم شود.

● دانستنی است که کردان برای برخورد با مردم چهار طرح جدید امنیتی را به دولت پیشنهاد نموده است تا بتواند جامعه ایرانی را به طور کامل به مهار قوای سرکوب رژیم در آورد.

● اما ماجرای خرج شدن خامنه ای توسط احمدی نژاد: احمدی نژاد در مجلس گفت رهبر با وزیران پیشنهادی موافقت کرده اند. حسین شریعتمدار در کیهان به او اعتراض کرد که چرا رهبر را خرج کرده است. دفتر خامنه ای اطلاعیه ای صادر کرد که نظر «مقام معظم رهبری» در حد «عدم مخالفت» بوده است. اما «در حد عدم مخالفت» موافقت معنی نمی دهد. اگر احمدی نژاد در مجلس می گفت: نظر رهبری «در حد عدم مخالفت» است، وزرای پیشنهادی او رأی نمی آوردند.

راستی اینست که آن رهبر و این رئیس جمهوری و این مجلس، در دروغگویی، یکدست هستند.

* جهش بهای زمین و مسکن که در تاریخ مانند ندارد:

◀ احمدی نژاد در صدا و سیما ظاهر شد و گفت: کاری که دولت من انجام داده است در تاریخ بی سابقه است. از آنجا که در خالی بندی و دروغ گوئی، پرورده «نظام ولایت فقیه» است، قول او و گزارش ریاست جمهوری را با مندرجات فصل نامه وزارت مسکن در باره بالا رفتن بهای زمین و مسکن مقایسه می کنیم. این مقایسه هم خواننده را از شدت بحران اقتصادی آگاه می کند و هم از اندازه تکه نداشتن احمدی نژاد در دروغگویی:

● فصلنامه وزارت مسکن: جهش قیمت مسکن تاریخی بود: قیمت زمین، مسکن و هزینه اجاره آپارتمان در نیمه اول سال ۸۶، به ترتیب ۱۲۵، ۸۵ و ۳۶ درصد افزایش یافت.

این فصلنامه با اشاره به رشد ۱۲۴ درصدی قیمت زمین در تهران نسبت به مدت مشابه سال قبل، چنین افزایش قیمتی را یک جهش قیمت شدید اعلام می کند که از نظر تاریخی بی سابقه است.

راستی اینست که جهش شدید قیمت مسکن در سال ۸۶ با توجه به رشد بسیار اندک آن در سالهای قبل، از نظر تاریخی، بی سابقه است.

● و احمدی نژاد و «نهاد ریاست جمهوری»، بی اعتناء به گزارش وزارت مسکن که وزیرش منصوب احمدی نژاد است، گزارش می کند: وضعیت بازار مسکن در نیمه دوم سال ۸۶ از آرامش نسبی به لحاظ قیمتی در بازار مسکن، برخوردار شد. به گونه ای که در شش ماهه دوم سال ۱۳۸۶ رشد قیمتهای مسکن تقریباً مهار گشت. به علاوه زمینهای افزایش تولید با رویکرد استفاده از فناوریهای نوین و توسعه تولید صنعتی ساختمان



فراهم شده است. این امر به کوتاه‌تر شدن فرایند زمانی ساخت، افزایش استحکام و افزایش عمر مفید مسکن نیز می‌انجامد.

* افزایش ۴۶ درصدی قیمت‌های مواد غذایی:

در همان حال که احمدی نژاد از تغییرات نیک فرجام اقتصادی صحبت می‌کرد و در باره پیشرفت اقتصادی دروغ می‌گفت، بانک مرکزی تحت مهار حکومت او، خبر از گران شدن قیمت‌های مواد غذایی به میزان ۴۶ درصد میداد:

قیمت خرده‌فروشی مواد غذایی در هفته منتهی به ۸۷/۴/۲۱ (هفته گذشته) و هفته منتهی به ۸۶/۴/۲۲، ۸۲ / ۴۵ افزایش یافته است.

این افزایش میانگین تورم متوسط یازده گروه از مواد غذایی است.

بنا بر این آمار، بهای گروه میوه‌های تازه نسبت به سال قبل ۵ درصد کاهش یافته است، اما قیمت‌های ده گروه دیگر، افزایش یافته اند.

برنج با ۲۳۸ درصد افزایش قیمت، مقام اول را در افزایش قیمت دارد.

انقلاب اسلامی: قیمت‌های مسکن و مواد غذایی و پوشاک وقتی افزایش می‌یابند افزایش میزان فقر و شدت آن را بیان می‌کنند:

* حتی بنا بر آمار بانک مرکزی تحت مهار حکومت احمدی نژاد، ۱۴ میلیون نفر زیر خط فقر هستند:

بنا بر فصلنامه، آمار اقتصادی بانک مرکزی، دست کم چهارده میلیون نفر در ایران زیر خط فقر هستند:

خط فقر با سه روش میانگین هزینه، میان هزینه‌های درآمدی و مصرف کالری محاسبه شده است. در روش میانگینی، ۵۰ درصد میانگین هزینه افراد جامعه، به عنوان مرز خط فقر تعیین می‌شود.

بنا بر محاسبه بانک مرکزی، فقیر شخصی است که کمتر از نصف افراد معمولی جامعه درآمد دارد. در روش مصرف کالری نیز فقیر، شخصی است که قادر به تأمین ۲۳۰۰ کالری حداقل غذای مورد نیاز یک انسان نیست.

این آمار نشان می‌دهند که به رغم تبلیغات انجام‌شده، افراد زیر خط فقر در ایران در دو سال نخست دولت نهم بیشتر شده و از ۱۸ درصد به ۱۹ درصد جامعه رسیده‌اند. یعنی اکنون معادل چهارده میلیون نفر در زیر خط فقر به سر می‌برند.

گزارش بانک مرکزی هنوز گویای اثرات تمامی تورم شدید در یک سال گذشته را در محاسبه دخالت نداده است. توضیح این که بر حقوق حقوق بگیران ۱۰ درصد افزوده شده است. به سخن دیگر، حکومت احمدی نژاد میزان تورم را پائین‌تر از آنچه هست، به قلم آورده است. زیرا، از جمله، مجبور بوده است حقوق را به میزان تورم افزایش دهد. هرگاه میزان واقعی تورم ملاک محاسبه شود، شمار کسانی که زیر خط فقر قرار می‌گیرند، بسیار بیشتر می‌شود. و هرگاه با توجه به تمامی عوامل، شمار کسانی که زیر خط فقر قرار می‌گیرند، اکثریت بزرگ جامعه را تشکیل می‌دهد.

بنا بر روش میانگین، نرخ خط فقر برای هر فرد در ماه در سال ۱۳۸۵، ۷۳

«پرونده اتمی را ببندید»؟!

سفرهای استانی هیات دولت به هر یک از استان‌ها و شهرهای تابعه این استان‌ها صورت می‌گرفت و بخش عمده این وعده‌ها نیز کمک مالی و پولی به مردم بود که باید از سوی شبکه بانکی تأمین شده و تحقق پیدا می‌کرد هم از جمله دیگر دلایلی بود که مجموعه بانک‌های کشور را با مشکل کمبود منابع پولی مواجه ساخت.

به این ترتیب بانک‌های کشور برای جبران کسری منابع خود چاره‌ای جز استقراض از بانک مرکزی و تأمین نیازهای پولی خود از محل منابع این بانک در پیش رو نداشته و به این راهکار متوسل شدند. به همین دلیل بود که حجم بدهی بانک‌های کشور به بانک مرکزی از سال ۸۴ به این سو رو به افزایش گذاشته و در فاصله سه ساله ۸۴ تا پایان سال ۸۶ میزان این بدهی‌ها روند صعودی شدیدی را در پیش گرفت به نوعی که مطابق آمار مندرج در آخرین شماره نشریه نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی مجموع بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی از رقم سه هزار و ۵۹۱/۶ میلیارد تومان در پایان سال ۸۴ به پنج هزار و ۴۸۸/۷ میلیارد تومان در پایان سال ۸۵ و ۱۳ هزار و ۷۶۹/۴ میلیارد تومان در انتهای سال ۸۶ افزایش پیدا کرد. همچنین با در نظر گرفتن بدهی یک هزار و ۲۰۷/۶ میلیارد تومانی بانک‌ها به بانک مرکزی در پایان سال ۸۰ و مقایسه این رقم با حجم بدهی‌های یادشده در پایان سال ۸۶ میزان رشد بدهی‌های بانک‌ها به بانک مرکزی از آغاز دهه ۸۰ شمسی تا پایان سال ۸۶ بیش از ۱۰۴۰ درصد رشد کرده و یا به عبارت دیگر ۱۰/۴ برابر شده است.

جدول مقابل مجموعه بدهی بانک‌های کشور به بانک مرکزی را به تفکیک بانک‌های تجاری و تخصصی از سال ۷۶ تا فروردین ۸۷ نشان می‌دهد.

روند بدون وقفه افزایش حجم بدهی بانک‌های کشور به بانک مرکزی به طور مشخص از پایان سال ۸۳ آغاز شد که مصادف با برخی تصمیمات و اتفاقات سرنوشت ساز در حوزه بانک‌های کشور بوده است. از جمله این تصمیم‌ها موضوع کاهش دستوری نرخ سود تسهیلات بانکی بود که در قالب «طرح منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی» از سوی مجلس هفتم مطرح و با پشتیبانی همه جانبه دولت نهم تصویب شد و به مرحله اجرا درآمد. همچنین با شروع به کار دولت نهم طرح نوظهور بنگاه‌های اقتصادی کوچک و زود بازده از سوی سولدمداران دولت مطرح شده و حمایت و پشتیبانی از گسترش این بنگاه‌ها توسط نهادهای مسوول در دولت در دستور کار قرار گرفت. بدین ترتیب شبکه بانکی کشور مکلف به پرداخت بخش قابل توجهی از منابع خود به این بنگاه‌ها در قالب انواع تسهیلات بانکی با شرایط و ضوابط سهل و آسان شد و به همین دلیل معضل کمبود منابع و حجم بالای تقاضای تسهیلات که تا پیش از این زمان نیز گریبانگیر بانک‌های (عمدتاً دولتی) بود با اجرای این طرح، تشدید یافته و فشاری دوجندان بر شبکه بانکی وارد آورد. وعده‌های گوناگون رئیس جمهور به اقشار مختلف مردم که در

همچنین گزارشاتی حاکی از آن است که یک زندانی دیگر به نام یاسر کیانی ۲۲ ساله از بند ۴ زندان مرکزی اصفهان جهت اجرای حکم اعدام به سلولهای انفرادی منتقل شده است. او ۳ سال است که در زندان بسر می‌برد.

در ۶ مرداد ۸۷، فرزند کمانگر معلم و فعال حقوق بشر که به همراه فرهاد و کیلی و علی حیدریان، دو متهم دیگر پرونده، هر سه محکوم به اعدام از بندهای عمومی زندانهای اوین و رجایی شهر، بدلیل دامنه وسیع اعتراضات اجتماعی به این احکام و برای محدود نمودن این افراد و اعمال فشار بر آنان به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل گشتند.

در ۷ مرداد ۸۷، مصیب شریف روز دوشنبه ۷ مرداد ماه جهت اجرای حکم اعدام به سلول انفرادی منتقل گشت. سالن ۱۲ نوجوانان، که بخشی از بند ۴ زندان گوهردشت می‌باشد. ارتباط سایر سالنها با این سالن به سختی انجام می‌گیرد. در این سالن در حدود ۱۰۰ نوجوان زندانی هستند و تعداد زیادی از آنها هنگام ارتکاب جرم زیر سن ۱۸ سال می‌باشند و محکوم به مرگ هستند.

مصیب شریف متولد ۱۳۶۵ و مدت زیادی است که در زندان بسر می‌برد و به دلیل درگیری با نیروهای بسیج دستگیر و محکوم به مرگ شده است.

در ۷ مرداد ۸۷، خانواده حاج میرزائی به سازمانهای مدافع حقوق بشر شکایت برده است: فرهاد حاج میرزائی فعال حقوق کودکان خیابانی و بی سرپرست در شهر سمنان، در ۱۲ دی ماه ۱۳۸۶ در مطب دندان پزشکی دستگیر و به مدت ۳ ماه خانواده از سرنوشت نامعلوم او بی اطلاع بودند. همزمان با دستگیری وی اینجانب محی‌الدین حاج میرزائی پدر وی در سن ۷۵ سالگی دستگیر و مدت ۴۸ ساعت در بدترین شرایط و سرمای چندین درجه زیر صفر در بازداشتگاه بودم.

به قرار اطلاع و شنیده‌ها فرهاد در بازداشتگاه تحت سخت‌ترین شرایط و شکنجه‌های غیر انسانی قرار داشته و کلیه وی آسیب دیده و همچنین چشم او در اثر کتک و شکنجه‌ها دچار خونریزی و آسیب دیدگی شده است. وی نزدیک ۶ ماه در بازداشت موقت بدور از دسترسی و داشتن وکیل در زندان اوین بسر می‌برد. از امضای وکالت نامه و ملاقات وکیل وی آقای رمضان حاجی مشهدی به نام برده تاکنون جلوگیری به عمل آمده است.

در ۸ مرداد ۸۷، چهار فعال سیاسی کرد اهل کامیاران که در مناطق مختلف اعم از کرمانشاه و روستاهای الک‌گاوه و شیروانه کامیاران در حد فاصل تیرماه تا آبان ماه سال گذشته بازداشت شده بودند و مراحل بازداشت و تحقیقات خود را در اداره اطلاعات شهر کرمانشاه سپری نموده بودند، از سوی دادگاه انقلاب کرمانشاه به احکام سنگینی محکوم گردیدند: خلیل فاتحی (معلم) محکوم به ۲۰ سال حبس تعزیری، خه بات پرویزی محکوم به ۱۵ سال حبس تعزیری، هوشیار بشابادی محکوم به ۱۰ سال حبس تعزیری و ستار پرویزی (دانشجوی دانشکده فنی رازی کرمانشاه) محکوم به ۱۸ سال حبس تعزیری.

اعدامها و سرکوب گریهای رژیم و اعتراضها:

در ۶ مرداد ۸۷، مهام کاظمی زندانی ۲۳ ساله‌ای که از ۳ سال پیش به اتهام قتل در زندان رجایی شهر کرج به سر می‌برد و با اخذ رضایت خانواده مقتول در آستانه آزادی قرار گرفته بود، در زندان، زجر کش شد: در اسفندماه سال گذشته توسط زندانبانان زندان رجایی شهر کرج به دلایل نامشخص، مورد ضرب و شتم قرار گرفت، به طوریکه از ناحیه پای راست دچار آسیب و جراحت جدی شد.

این زندانی با بی توجهی زندانبانان نه تنها درمان نشد، بلکه مدتی را نیز بعنوان تنبیه در سلول انفرادی به سر برد. ۶ ماه درخواست نتیجه نداد و دژخیمان مانع

در ۶ مرداد ۸۷، ۲۹ تن در زندان اوین اعدام شدند. اسامی یکچند از آنها بدین قرارند: ۱. مجید پور باقر ۲ - محمد عنایتی ۳ - علی دکامی و ۴ - عباس کاهانی ۵ - علی مظلوم ۶ - رضا سلطانی

در ۸ مرداد ۸۷، اتحادیه اروپا اعدام ۲۹ نفر با عنوان «اراذل و اوباش» را در روز یکشنبه گذشته در زندان اوین تهران محکوم کرد. اتحادیه اروپا از جمهوری اسلامی خواسته است مجازات اعدام در ایران را فوراً متوقف کند. در اطلاعیه اتحادیه اروپا آمده است که تصمیم مسوولان جمهوری اسلامی به اعدام جمعی این افراد «اهانت آشکار به کرامت انسانی است».

در ۹ مرداد ۸۷، کمپین بین‌المللی برای حقوق بشر در ایران، سازمان دیده بان حقوق بشر و سازمان عفو بین‌الملل، به همراه شش سازمان حقوق بشر منطقه ای و بین‌المللی در بیانیه‌ای مشترک قویا ادامه اعدام متهمان نوجوان را محکوم کرده اند.

در این بیانیه به نقل از سازمان‌های یاد شده آمده است: "ایران بر خلاف تعهداتش در قبال قوانین بین‌المللی هر ساله نوجوانان را اعدام میکند. مجازات اعدام برای بزرگسالان، خشن و غیر انسانی است چه رسد برای نوجوانان زیر ۱۸ سال."

در ۱۰ مرداد ۸۷، زینب بایزیدی، پس از ۲۳ روز بازداشت و بلا تکلیفی از بازداشتگاه اوواک شهر مهاباد به دادگاه انقلاب منتقل و مراحل بازپرسی پرونده را طی نمود. او متهم است به عضویت در چندین نهاد و انجمن مدافع حقوق بشر و دفاع از حقوق زنان.

در ۱۱ مرداد ۸۷، شعبه پنجم بازپرسی دادگستری کرمانشاه، نوشتن محمدی مدیرمسئول هفته نامه ندای جامعه چاپ کرمانشاه را احضار کرد. اتهام مدیرمسئول هفته نامه ندای جامعه، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و شاکای پرونده نیز فرماندار سرپل ذهاب ذکر شده است. گفتنی است که هفته نامه کردی - فارسی ندای جامعه، ارگان رسمی جامعه دانشجویان و دانش‌آموختگان کرمانشاهی، با گستره توزیع غرب کشور می‌باشد.

در ۱۲ مرداد ۸۷، حمیدرضا شیخ الملوکی، فعال سیاسی در تاریخ ۸۷/۲/۴ در منطقه شهری به دلیل پخش اعلامیه‌های یک سازمان سیاسی توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد. وی پس از تحمل ۴۷ روز در سلول انفرادی و جمعا ۷۵ روز بازداشت، در بند ۲۰۹ زندان اوین، به اتهام تبلیغ علیه نظام، به یکسال حبس تعزیری محکوم شد.

در ۱۲ مرداد ۸۷، مهری سوپزی مدیرکل دفتر امور زنان وزارت آموزش و پرورش، از اجرای طرح توسعه و تحکیم حجاب و عفاف در مدارس دخترانه کشور از سال تحصیلی آینده خبر داد. وی با بیان اینکه دیدگاه آموزش و پرورش نسبت به انتخاب حجاب برتر (چادر) یک انتخاب مشوقانه است، تصریح کرد: رعایت پوشش در حد شرعی برای دانش آموزان دختر در مدارس اجباری است ولی باید دانش آموزان پوشش چادر را با ایمان و اعتقاد قلبی انتخاب کنند.

در ۱۲ مرداد ۸۷، تعدادی از نیروهای حراست دانشگاه با حضور در جشن فارغ‌التحصیلی دانشجویان ورودی دانشکده پزشکی شیراز از ۸۰ دانشجویانی که کراوات زده بودند می‌خواهد که کراوات‌های خود را باز کنند و در غیر این صورت به کمیته انضباطی احضار و مانع فارغ‌التحصیل در صفحه ۱۴



قابل توجه اینکه به گزارش ۱ برنا بخشی از درآمد نفتی ایران در سال ۸۵ به خزانه داری کل کشور واریز نشده است. که این مبلغ بالغ بر ۳۲ هزار میلیارد تومان است. و با طبق تفریغ بودجه سال ۸۳، ۶ میلیارد دلار از درآمد نفتی به حساب خزانه داری کل کشور واریز نشده است. در مقابل این همه بخور و ببر که حتی در مقابل مجلس هم جوابگویی ندارد، آیا سهم فقرا از بودجه کشور یک پنجم حد اقل نیاز زندگی آنهاست؟ و یا در مقابل درخواست کمک از رئیس جمهوری دریافت ۵۰ هزار تومان و یک پتو برای سیری و گرم شدن در زمستان کافی است؟

بیکاری، گرانی، مشکل کمبود مسکن، اعتیاد و مخصوصاً بی آینده‌ی نسل جوان جزو بحرانهایی هستند که هر لحظه مردم با آنها زندگی می‌کنند. این بحرانها در حکومت آقای احمدی نژاد شدت بیشتری یافته‌اند.

در مقابل این همه بحران، جنبشهای مردمی چه عملی انجام می‌دهند؟ جنبشها چه می‌گویند و چه می‌خواهند؟ و عملکردشان تا به چه موثر بوده است؟ چند جنبش و حرکت اجتماعی را بررسی می‌کنیم.

جنبشهای کارگری:

کارگران هفت تپه: کارگران این مجتمع ۵۲ روز اعتصاب و تحصن و اعتراض گسترده در سطح شهر داشتند. در این تجمعات کارگری در روزهای مختلف مترصدی فعال بودند و در بعضی روزها تا حدود ۱۰۰۰۰ نفر در تظاهرات شرکت داشتند. اعتراضات کارگران تا جایی رسید که مردم شهر با آنها یک زبان شدند و شهر را تعطیل کردند. آنها در مقابل برخورد سخت نیروهای انتظامی و گارد ویژه شعار می‌دادند: "نیروی انتظامی خجالت خجالت". و جهت تحقق خواستههای خود شعار می‌دادند: کارگر می‌میرد دلت نمی‌پذیرد

مدعی عدالت خجالت خجالت سندیکای کارگری حق مسلم ماست کارگر زندانی آزاد باید گردد ساعدی (نماینده شوش در مجلس) حیا کن هفت تپه را رها کن کارگران ایران حمایت حمایت از آنجا که درگیری نیروهای سرکوب با کارگران و خانواده‌های آنها شدت گرفت، کارگران لوله سازی اهواز از آنها پشتیبانی کردند و در متن اطلاعیه خود آورده‌اند:

شیر بر شما باد که این گونه به جان زنان و فرزندان می‌افتید که جز دریافت حقوق قانونی خود خواسته‌ای ندارند.

کارگری که هیچگاه نگفته است در صدد براندازی نظام است، کارگری که هیچ‌گاه به فکر آشوب نبوده، کارگری که برای گردش چرخ‌های اقتصادی ایران از هیچ تلاشی دریغ نکرده است، کارگری که در زیر گرمای طاقت فرسای خوزستان جان می‌سپارد، کارگری که خانواده شهید است، کارگری که خانواده اش گرسنه شب را به روز می‌رساند، کارگری که جانبازشیمیایی است، اما برای گرفتن حق خود با باتوم روانه بیمارستانش می‌کنند.

ما کارگران شرکت لوله سازی اهواز که چندین ماه است حقوق نگرفته ایم و شرایطی مشابه با کارگران هفت تپه داریم با اعلام حمایت از اعتراضات قانونی در هفت تپه، اقدامات سرکوب گرانه را محکوم و خواستار پایان دادن پرونده قضایی اعتصابات کارگری هفت تپه هستیم.

در همین راستا کارگران ایران خود رو نیز از کارگران نی شکر هفت تپه پشتیبانی کرده در متن آنها آمده است: دستور حمله به کارگران از طرف فرمانداری که نماینده حکومت می‌باشد نشان داد حکومت در مقابل خواست بر حق کارگران فقط یک چیز را بلد است سرکوب و دستگیری کارگران.

حمله به کارگران نیشکر و دستگیری بیش از ۶ نفر از نمایندگان کارگران به بهانه تحریک کارگران آیا غیر از نا توانی

شکست رژیم در متوقف کردن جنبشها

از طرف کارفرما و در اکثر موارد از طرف حکومت رعایت نمی‌شود.

جنبشهای دانشجویی:

گاه دانشجویان دانشگاههای مختلف بطور منطقه ای صرف عمل میکنند. گاهی انجمنهای دانشجویی بشکل جمعی و بهم پیوسته خواسته های خود را دنبال میکنند. زمانی دانشجویان یک دانشگاه چه در تبریز باشد یا شیراز و یا تهران به مشهد و ... صرفا خواست صنفی دانشجویان خود دانشگاه را پی میگیرند. مثلا در خصوص کیفیت بد غذا، یا امکانات بد خوابگاه و یا نصب دوربین مدار بسته در دانشگاه و یا اعتراض به خاکسپاری شهدای جنگ در محوطه دانشگاه و ... اعتراض می کنند و زمانی از حق دوست دانشجویی که به زندان افتاده دفاع می کنند. در این موارد تعداد زیادی به دفاع از او و اعتراض به دولت هم صدا می شوند. مثلا ۱۴ تیر ماه ۸۷ در پی درج برخی از مسایل داخلی دفتر تحکیم در خبرگزاری های دولتی از جمله فارس و حملات صورت گرفته به شورای مرکزی این تشکل دانشجویی، ۳۶ انجمن اسلامی زیر مجموعه این اتحادیه با صدور بیانیه مشترکی از انتشار مسایل داخلی دفتر تحکیم وحدت در خبرگزاری های دولتی ابراز نارضایتی کرده اند و حمایت قاطع خود را از شورای مرکزی اعلام نموده اند. در بخشی از متن بیانیه آمده است:

"چندی است که شاهد هجمه های گوناگون به اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان دانشگاه های سراسر کشور (دفتر تحکیم وحدت) هستیم. هجمه هایی که علت اصلی آن دفاع اعضای این اتحادیه از آزادی، عدالت، دموکراسی و حقوق بشر و به تبع آن انتقاد از مسولین بی کفایت حاکمیت اقتدارگراست."

و در مسنله بازداشتهای خودسرانه که ۳۷ دانشجو دانشگاه مشهد را دستگیر کرده اند، دانشجویان در اعتراض به این بازداشتها، کمیته پی گیری متشکل از ۵ دانشجویی بوجود آوردند. اعضای این کمیته از ۵ دانشگاه مختلف کشور می باشند. علت دستگیری این دانشجویان اعتراض آنها به حراست دانشگاه بخاطر ستاره دار کردن دوستان دانشجوی خود بود.

دانشجو، موفقیت خود را در تنها عمل کردن نمی بیند. دانشجو حق دیگری را حق خود می داند و تعرض به حقوق دیگران را تعرض به حقوق خود حس می کند. این روند در طول زمان و در طی مبارزات مختلف برای بسیاری از جوانان تفهیم شده است. امروز درگیریها مختص یک شهر و یا چند شهر نیستند. اعتراضات در دانشگاههای آزاد و دولتی در پی خلاص شدن از دست مدیریت نالایق کشور است.

جنبش معلمین:

شاید اعتراضات طیف معلمین تا به امروز همانند اعتراضات کارگران نتوانسته است کارساز باشد و جهت اعتراض به در آمد خود نتوانسته اند اعتصابات طولانی مدت که به نتیجه دلخواه بیانجامد ترتیب دهند. هر چند معلمین قراردادی به دفعات مختلف، در مقابل استانداری، فرمانداری، اداره آموزش و پرورش، وزارت خانه و مجلس گرد آمده اند و به سیاستی که در قبال آنها اتحاد شده اعتراض کرده اند. منتهی این اعتراضات هنوز همه گیر نشده و بی دقتش بیشتر از قبل و در نقاط مختلف کشور مثلا در (کرمانشاه،

اصفهان، شیراز، مشهد، مازندران در خوزستان و ...) شده است.

جنبش زنان:

زنان در اعتراض به تصویب قوانین ضد بشری و ضد زن در قانون مدنی بسیار فعالند و تا به حال چندین نفر از فعالین جنبش زنان برای ادامه پافشاری خود در راه اندازی اعتراضات به زندان افتاده اند. همچنین زنان بطور پیگیر در پارک و خیابان معترض رفتاری هستند که رژیم در قبال آنها می کند. طرح امنیت اجتماعی، بخش مهمی از کارش، سرکوب زنان است. تعداد زیادی از ملایان مدافع استبداد فقیه در خصوص لباس خانمها اظهار نظرهای مختلف کردند. جدیدترینش اینست که:

سید رضی حدائق معاون سیاسی امنیتی استانداری فارس در جلسه کارگروه بانوان و خانواده استان فارس با تمجید از اجرای طرح عفاف و حجاب در آموزش و پرورش اظهار داشت: این طور نشود که به محض تعطیلی مدرسه ما شاهد لباس تنگ و کوتاه باشیم، به ویژه حجم بدن خانم ها نباید در لباس ها مشخص باشد.

پوشش زنان ایران بر خلاف نظر استبدادی و سرکوبگرانه رژیم انتخاب می شود. این مخالفت تقریبا در همه جای ایران یکسان است و طرح امنیت اجتماعی نتوانسته تغییری در آن بوجود آورد.

موفقیت در پیشبرد خواسته های این جنبشها اما تنها زمانی بوجود می آید که این جنبشها یک صدا شوند و همراه شوند.

این اعتراضات زمانی موثر واقع میشوند که از خاصه حق طلبی برخوردار باشند. و در بسیاری از این اعتراضات، حق خواهی و حق طلبی را می شود به عینه دید. این جنبشها در ظاهر، جنبشهایی هستند که خواست مقطعی دارند. مثلا معترضین خواهان حقوق عقب افتاده خود هستند، یا مخالف گذاشتن دوربین در صحن دانشگاه هستند، یا مخالف تحقیر زن می باشند. ولی در درازمدت تبلور این خواسته های صنفی و کوشش برای حقوق، بدل به خواست عمومی احقاق همه حقوق شهروندی و آزادیخواهی و استقلال طلبی میگردد. رهبریت و هدف این اعتراضات در سطح ملی، بطور مرتب هم در ابعاد این خواسته ها و هم در شیوه های احقاق آن موثر تر میشود.

نمونه نمایندگان دانشجویان در مشهد موافق حق تمامی دانشجویان، از هر شهر و هر استان با هر گویش و هر عقیده بودند.

با اینکه کارگران معترض در خواسته های خود خواهان بر خورداری دوستان و هموطنان خود از حقوق و مزایای مکفی در تمامی کشور می باشند. مشاهده می کنیم که مجموعه حرکتها ترس از افزایش نیروی سرکوب ندارد. در واقع میتوان گفت که در پس پرده، زبان اعتراض به این همه فقر و تحقیر انسان یکی شده است. شاید پاسدار و حراستی امروز همچون ساواکی دوران شاه، دارد در پنهان دست آشتی در بسوی معترض به بی عدالتی این رژیم می دهد.

ریسمانهای اعتماد به این نظام مدتهاست که برای اکثریت مردم پاره شده است در تمام جهان شاید کشوری همچون ایران وجود ندارد که ۲ ارتش، یک نیروی انتظامی، نیروهای گشت مختلف، طرح امنیت اجتماعی با یگان مخصوص خود و یگان سرکوب و نیروهای مختلف حراست، (حراست بنیاد مستضعفین، حراست رهبری، حراستهای وزارت خانه های مختلف ...) و واوای تحت الامر وزارت خانه و وزیر داشته باشد. در این کشور با این همه نیوری سرکوب، تصور اعتراض باید خواب و خیال باشد. ولی

واقعیت، عکس آن را نشان میدهد. ملتی واقف به حقوق خود و فعال در احقاق آنهاست.

این همه نیروی نظامی و سرکوبگر تا چند سال پیش به مردم القا می کرد که: این رژیم میخشد را برای ۲۰۰ سال آینده کوبیده،

این آخوندها جیبشان ته ندارد که ول کنند بروند.

مگر کسی از جانش سیر شده که مقابل اینها بایستد. اینها آدم کشند.

ما خود را به کشتن بدیم که چه بشود؟ مگر دفعه قبل که در خیابانها آمدیم چه شد؟ سگ رفت، گرگ جایش را گرفت.

مردم از اینها می ترسند. حاصل قبول استبداد است این طرز تفکر،

واقعا راه حل زندگی در ایران قبول زور استبداد است؟

راه حل زندگی در نبود آینده است؟

راه حل تحصیل بدون کار است؟

راه حل ورشکستگی کارخاتجات بخاطر سیاستهای حکومت است؟

راه حل حراج نفت و گاز کشور جهت تثبیت قدرت است؟

راه حل هرونین ارزانتر از سیگار است؟

راه حل اقدام به خودکشی ۴۲۰۰ دانشجو در یک سال است؟ دکتر مشاوره وزارت علوم، اعلام کرد "خودکشی" دومین علت اصلی مرگ دانشجویان ایرانی است.

یا اینکه راه حل دیگری هم وجود دارد؟

راه حلی که موفق است و جویای پیروزی امید بر یاس می باشد؟

جنبشهای مردم در ایران بدنیاال شکستن یاس در میان همگانند و تخم امید را در اعتراض به بی عدالتی در دل بسیاری کاشته اند. این جنبشها از دیو استبداد نمی ترسند. می بینیم که معترضند و نمی ترسند.

تجربه خاتمی و احمدی نژاد به بسیاری آموخته است که دیگر راه حلی در درون این رژیم موجود نیست. بدین سبب جنبشهای اجتماعی فعالتر، هماهنگتر و هدفمندتر شده اند.

بر اساس یک نظر سنجی در ایران، رژیم جنبشها را که سه دسته تقسیم می کند:

۱- جنبشها، یا جنبشهای محدود هستند که رژیم از این جنبشها ترسی ندارد. سعی رژیم بر آن است که همه این نوع جنبشها را محدود کند.

۲- یا جنبشها، جنبشهای کور گسترده هستند. که بنا بر وضعیت سنجی که در ایران شده است، این جنبشها را می توان با کمک بسیجیان سرکوب کرد. حضور چه نوع نیروی سرکوب در یک جنبش، از دید رژیم هویت این جنبشها را نشان دهد.

۳- و یا جنبشها هدفدار و گسترده هستند. این جنبشها نیروها و شخص هدف دهنده دارند. و بر اساس وضعیت سنجی، رژیم از این نوع جنبشها وحشت کامل دارد و میخواهد سپاه و بسیج هر دو را برای سرکوب این نوع جنبشها هدفمند وارد میدان مقابله کند.

در حال حاضر رژیم منظر این نوع جنبش و حرکت از طرف مردم در کشور است. رژیم وحشت از آن دارد که مردم سخنگوی خود را بیابند.

اما مشخصات سخن گو ی مردم چه باید باشد تا جنبشها همه گیر و در سطح ملی به دریای خروشان جنبش مردم سالاری بدل شوند؟:

- در مقابل رژیم استوار ایستاده باشد و مخالف ولایت فقیه و هر نوع ولایت باشد.

- دارای طرح آزاد سازی از استبداد به مردم سالاری باشد.

- موافق آزادی و استقلال کشور باشد.

- مدافع حقوق همگان باشد و در عمل، در طول زندگی خود این دفاع را نشان داده باشد.

- با سلطه گران و بیگانگان سازش نکند و چشم کمک از آنها و دخالت دادن آنها در امور داخلی کشور را نداشته باشد.

- طرح اقتصادی برای جامعه داشته باشد.

- موافق عدلت خواهی و مخالف هر گونه تبعیض و جنایت مشروع باشد.

اشتراک یک ساله: اروپا ۲۵ و خارج از اروپا ۳۸ اورو، اشتراک شش ماهه: اروپا ۱۸ و خارج از اروپا ۲۰ اورو و بلف کیند و چک نفرستید، وجه اشتراک را نقد و بایست سفارشی یا بحساب بانک و ایزر فرماید.

Nr. 704 18 - 31 August 2008

درج مقالات الزاماً دیدگاه نشریه انقلاب اسلامی نیست و متناهی عنوان بحث آزاد قلمی میسرود.

نهضت ملی ایران و

دشمناناش

به روایت اسناد

ابوالحسن بنی صدر

- جمال صفری

عدالت اجتماعی

نویسنده: ابوالحسن بنی صدر

چاپ: انتشارات انقلاب اسلامی

آدرس: انتشارات انقلاب اسلامی

Enghelab Eslami Zeitung

Postfach 11 11 18

D - 60046 Frankfurt

Germany

شماره حساب انتشارات

FRASPA - Germany

Konto Nr.: 12 30 26

BLZ: 500 502 01

پست الکترونیک:

E-Mail.:

EEZ5760GOF@Aol.Com

تقابل دوخط

یا

کودتای خرداد ۱۳۶۰

تحول انقلاب از آزادی به استبداد-۳

نویسنده: محمد جعفری

چاپ اول: بهمن ماه ۱۳۸۶

قیمت در: آلمان و فرانسه ۲۵ اورو

انگلستان ۲۰ پوند

آمریکا و کانادا ۴۰ دلار

آدرس پستی:

Enghelabe Eslami Zeitung

Postfach 11 11 18

D- 60046 Frankfurt/M

Germany

آدرس پستی الکترونیک:

mbarzavand@Yahoo.com

۱۹۶۷ اشغال شدند پای فشرده ایم، که بیت المقدس شرقی را در برمی گیرد. باید راه حلی عادلانه برای مشکل پناهندگان پیدا شود و باید شهرک سازی استعمارگرانه به پایان برسد. این تنها مسیر واقع گرایانه برای دستیابی به صلح و پایان چرخه باطل مرگ و خشونت است.»

محمود درویش در باره راه حل منازعه فعلی در سرزمین فلسطین می نویسد: «وضعیت کنونی کشور ما نیاز به توضیحی ندارد؛ اوضاع آنچنان که اسرائیلی ها می گویند داستان دو ملت نیست؛ ماجرا، ماجرای اشغال است. مقاومت در برابر اشغال نه تنها حق که وظیفه انسانی ماست که وضعیت ما را از بردگی به آزادی تغییر می دهد. کوتاه ترین راه برای دستیابی به صلح، آزادی فلسطینیان از اشغال است و آزادی اسرائیلی ها از توهمی است که باعث می شود به فکر کنترل زندگی دیگر مردمان بیفتند. اشغال اعلام جنگی است به زندگی عادی ما، به رویاهای ما و حتی به بدن های ما. با این همه ما درد بی درمانی داریم به اسم امید. امید به آزادی و استقلال. امید به زندگی عادی که در آن ما نه قهرمانیم و نه قربانی. امید به اینکه کودکان ما با آرامش به مدرسه بروند و زنان باردار در آرامش بچه به دنیا بیاورند؛ آن هم در بیمارستان و نه در ایست بازرسی. امید به اینکه شاعر به جای خون، زیبایی را ببیند و رنگ سرخ گلها را و امید به اینکه رام الله دوباره شهر عشق شود و آرامش.»

وی در اعتراض به امضای قرارداد اسلو در سال ۱۹۹۳، از عضویت سازمان آزادی بخش فلسطین استعفا داد. محمود با تمام وجود خواهان صلح بود. این طنین صلح خواهی وی تا حدی عمیق بود که در سال ۲۰۰۰ یکی از وزیران دولت اسرائیل پیشنهاد داد که شعرهای درویش وارد برنامه درسی مدارس اسرائیلی شود ولی این پیشنهاد به مرحله اجرا در نیامد. درویش سرودن را از زمانی که در مدرسه در حال تحصیل بود شروع کرده بود و نخستین مجموعه آثارش در سال ۱۹۶۰ منتشر شد یعنی زمانی که تنها نوزده سال داشت. با دومین مجموعه اش برگ های زیتون (اوراق الزیتون) ۱۹۶۴ به عنوان یکی از شاعران پیشرو شعر مقاومت شناخته شد. جایزه ابن سینا، جایزه لوتس از انجمن نویسندگان آفریقا-آسیایی، جایزه هنرهای حماسی فرانس و مدال آثار ادبی و جایزه آزادی فرهنگی از بنیاد لبنان و همین اواخر نیز (نوامبر ۲۰۰۳) جایزه ناظم حکمت به وی اعطا شد. شاید قصیده «بنویس من عربی ام و شماره کارت هویتیم ۵۰ هزار است» شناخته شده ترین قصیده او باشد و «روزنوشتهای زخم یک فلسطینی»، «به مادرم» و «احمد الزعتر» از دیگر قصاید مشهور سیاسی او است. ...

«آخرین اثر شعری او "اثر پروانه" نام داشت که اوایل سال جاری چاپ شد. روانش شاد باد!

محمود درویش شاعر ملی

فلسطین در گذشت

محمود درویش در جایی صحنه آوارگی خویش را این گونه می سراید: "به یاد دارم که شش ساله بودم. در دهکده ای آرام و زیبا زندگی می کردم. خوب به یاد دارم در یکی از شبهای تابستان که معمولاً عادت اهل ده عادت داشتند که روی پشت بام بخوابند مادرم ناگهان مرا از خواب بیدار کرد و دیدم که داریم با صدها تن از مردم دهکده در میان بیشه ها فرار می کنیم. گلوله های سربی از روی سر ما می گذشت ..."

وی از همان دوران نوجوانی در مبارزات مردم فلسطین شرکت کرد. در شهر حيفا به زندان افتاد و از آن پس مرتب گرفتار پلیس بود و مدتها باید خود را هر هفته به پلیس معرفی می کرد. پس از اتمام تحصیلات، در شهرهای اشغالی و از سال ۱۹۶۱ فعالیتش را به عنوان روزنامه نگار آغاز کرده و تا مدتی روزنامه الاتحاد را سردبیری کرد. وی تا سال ۱۹۶۹ اسرائیل به سر برده است و بسیاری از زیباترین شعرهای او محصول همین زندان هاست. درویش در ۱۹۷۰ برای ادامه تحصیل سفری به مسکو کرد ولی در ۱۹۷۱ به قاهره بازگشت و در آنجا به کار پرداخت و تا این زمان عضو فعال سازمان آزادی بخش فلسطین بود و تمام لحظه های زندگی اش وقف این مبارزه شد.

او به عنوان سردبیر مجله ماهانه «النشون الفلستینی» و سردبیر ارشد گاهنامه فرهنگی ادبی «الکرمل» چندی به فعالیت داشت. یکی از «مهم ترین ویژگی های شعر درویش مسأله تحدی (مبارزه طلبی) است. این بی مایه که در بیشتر کارهای او دیده می شود در سه بعد اصلی قابل مشاهده است: بعد فردی و قهرمانی، بعد قومی و بعد تاریخی - انسانی.»

محمود درویش می نویسد: «در وضعیتهای بحرانی و مصیبت های انسانی نویسنده باید در زندگی واقعی هم نقشی اخلاقی ایفا کند تا هم از لحاظ ادبی به کمال نزدیک شود و هم آگاهی عمومی را به سمت ارزش های والاتر رهنمون سازد، که این دومی جامعه را نسبت به حق آزادی حساس می کند. اقدام امروز شما پیام انسجام و همدردی را به ملت ما منتقل کرد.» و در این میان هیچ چیز روشن تر از حقیقت فلسطینی و حقوق فلسطینیان نیست: این کشور ما است، و ما حالا در بخش کوچکی از بخشی از سرزمین مادری مان حضور داریم؛ سرزمین واقعی ما، نه کشور اسطوره ای مان. این اشغال، یک اشغال از طرف خارجی ها است و نمی توان نام دیگری بر آن گذاشت.»

او تاکید می کند: «ما راه حل سیاسی مبتنی بر اصل دو ملت - دو کشور را پذیرفته ایم. ما تنها بر حق مان برای زندگی عادی، برای داشتن کشوری مستقل، در زمین هایی که در سال

فصل یازدهم اقتصاد توحیدی نوشته ابوالحسن بنی صدر موضوع بحث شده است. و برای قول او در باره نقش قوم یهود در ابداع سرمایه داری، نگاه کنید به Jacques Attali, Fayard, Les Juifs, le monde et Paris 2002 L'argent

Fernand Braudel, - ۱۷ Civilisation materielle, Economie et Capitalisme XVe - XVIIIe, Le Temps du Monde جلد سوم، صفحات ۶۲ تا ۶۴ و ۷۴ تا ۸۰ و ۱۱۴ تا ۱۱۸ و صفحات ۴۲۰ تا ۴۲۶

۱۸ - تضاد و توحید میحث سوم Vladimir Ilyich Lenin, - ۱۹ Imperialism, the Highest Stage of Capitalism

۲۰ - زن در شاهنامه و جامعه شناسی خانواده هر دو نوشته ابوالحسن بنی صدر

۲۱ - قرآن، سوره بقره، آیه ۳۴ و اعراف، آیه های ۱۱ و ۱۲

۲۲ - قرآن، سوره بقره، آیه ۳۵

۲۳ - قرآن، سوره یونس، آیه ۱۹

۲۴ - قرآن، سوره های بقره، آیه ۱۰ و توبه، آیه ۱۲۵ و فاطر، آیه های ۳۹ و ۴۲ تا ۴۵ و نوح، آیه های ۲۱ و ۲۴ و ۲۸ و ...

۲۵ - قرآن، سوره های قصص، آیه های ۷۶ و ۷۹ و عنکبوت، آیه ۳۹ و غافر، آیه ۲۴

۲۶ - قرآن، سوره تکاثر

۲۷ - قرآن، سوره های هود و ...

۲۷ - قرآن، سوره اعراف، آیه های ۱۵۹ تا ۱۶۵ و انفال، آیه ۳۳ و هود، آیه های ۱۱۶ و ۱۱۷ و قصص، آیه های ۵۸ و ۵۹ و ؟

۲۸ - در کتاب اقتصاد توحیدی، نوشته ابوالحسن بنی صدر، نیروهای محرکه بشمار آمده اند و در کیش شخصیت، نوشته ابوالحسن بنی صدر، روشهای آزاد زیستن و رشد کردن انسان که هم نیروی محرکه است و هم تولید کننده نیروهای محرکه و هم بکاربرنده آنها در رشد یا تخریب است، مطالعه شده اند و عقل آزاد، نوشته ابوالحسن بنی صدر نیز روشهایی که عقل قدرتمدار بکار می برد و روشهایی که عقل آزاد می باید بکار برد، شناسانده شده اند.

۳۰ - BERNARD-HENRI LÉVY, La pureté dangereuse, Grasset, 1994

انتگرسیم، خاصه های دهگانه قائل می شود و انتگرسیم های گوناگون را بزعم خود با یکدیگر مقایسه می کند.

قرآن و تاریخ

- دسته پنجم آنها هستند که امرهای واقع مورد استناد انگلس را موضوع تحقیق کرده و متوجه شده اند که دستکاری شده اند:

Pierre Raymond, Materialismmedialectique et Logique صفحه ۱۱۸

۱۰ - تأملی در مدرنیته ایرانی، علی میرسپاسی صفحات ۵۹ تا ۷۹ (Robert C.Solomon, In the Spirit of Oxford University Hrgel, Press 1983)

۱۱ - نگاه کنید به میحث سوم تضاد و توحید نوشته ابوالحسن بنی صدر

۱۲ - La critique de la raison dialectitque Sartre, در این کتاب، سارتر در پی یافتن علل گرایش انسانها به خشونت است. او خشونت را ریشه بدیها میدانند و دیالکتیکی که انسان را در شنی فرو می کاهد، خطرناک و فاجعه آمیز توصیف می کند. جلد اول کتاب در ۱۹۶۰ انتشار یافت. اما جلد دوم هیچگاه انتشار نیافت. زیرا سارتر پی برد که دیالکتیک به فاجعه می انجامد و نه به جامعه بی طبقه با انسانهای جامع. مراجعه به میحث سوم تضاد و توحید بجا می نماید.

۱۳ - از دید ماکس وبر، انسانها سمت و سو را گم می کنند بدین خاطر که دین بمثابه تبیین پدیده ها جای به تبیین علمی می دهد. با وجود این، انسان ها با دو مشکل روبرو می شوند: عدم دسترسی به تبیین علمی جهان و در نتیجه سرگردانی و بزرگ شدن دیوان سالاری و از دست رفتن بیش از پیش آزادی انسان، انسان گرفتار روند انزوا. La rationalisation des activités sociales بر مبنای تحلیل ماکس وبر.

۱۴ - ماکس دو وظیفه برای انگلستان قائل شده بود: یکی ویرانگر (ویران کردن سامانه اجتماعی - اقتصادی ایستا) و دیگری پویا کردن همان سامانه : l'annihilation de la vieille société asiatique et la pose des fondements matériels de la société occidentale en Asie» Karl Marx (1853).

۱۵ - صص ۱۱۰ و ۱۱۱ karl Witfogel, Le Despotisme oriental برای تفصیل رجوع کنید به فصل طبیعت در کتاب موقعیت ایران و نقش مدرس، نوشته ابوالحسن بنی صدر

۱۶ - Marc Anti - Economique - Jacques et Guillaum, Attali اطلاع این دو اقتصاد دان در